اتّحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیك مردم ایران

شماره ۱۱۹، دورهٔ سوم، دوشنبه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۶۰، برابر با ۱۲ جمادی الاول ۱۴۰۲ و ۸ مارس ۱۹۸۲، بها ۳۰ ریال

نگاهی به نظریات
امام خمینی
و
پیروان
خط امام خمینی
درباره تامین
عدالت اجتماعی

پیش بسوی تامین عدالت اجتماعی!

یکی از اهداف اصلی جمهوری اسلامی ایران استقرار عدالت اجتماعی است. "جمهوری اسلامی" وقتی استقرار می‌یابد که محتوای آن، یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پیاده شده باشد. مردم انقلابی ما، که از روزهای آغاز انقلاب تا امروز شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" را فریاد می‌زنند، "جمهوری اسلامی" را به مفهوم نفی روابط و مناسبات ظالمانه و استثماری ناشی از نظام شاهنشاهی می‌دانستند و می‌دانند.

درست به همین دلیل است که رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران هشدار می‌دهند، که در صورت پیاده نشدن محتوای "جمهوری اسلامی" دشمنان انقلاب قادر خواهند شد:

"... یک رضا شاهی را دوباره بیاورند بعنوان رئیس جمهور صد در صد اسلامی و بسیاری از مسائل اسلامی را هم از من و شما بیشتر عمل کند". (از سخنان امام خمینی – ۶۰/۸/۲۴)

سمت‌گیری انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ما بسوی تامین عدالت اجتماعی از جانب رهبر انقلاب بدفعات اعلام شده است:

بقیه در صفحه ۱۳

بمناسبت تصویب کلیات طرح
اصلاحات ارضی درمجلس شورای اسلامی

حل مسئله زمین:

- نیاز حیاتی انقلاب
- حق مسلم دهقانان

در صفحه ۳

خجسته باد

روز هشتم مارس

روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان!

در صفحه ۲



سیاست خارجی میرود که در خط انقلاب متحرکتر شود

رئیس جمهور خامنه‌ای در گفتار رادیو– تلویزیونی که بمناسبت ۲۲ بهمن و در تحلیل گذشته برای رهگشائی بسوی آینده ایراد کرد، از جمله شرحی درباره سیاست خارجی بیان داشت. این سیاست خارجی که عرصهٔ فعالیت فوق‌العاده مهم دولت، و یا به گفته رئیس جمهور عرصه فعالیت "حساسی" است، بمدتی دراز در دست نیروهائی بود (لیبرالها) که "عقیده داشتند باید با آمریکا کنار آمد"، یعنی می‌خواستند سردمدار دشمن بنیادی و آشتی‌ناپذیر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را از

بقیه در صفحه ۱۵

استراتژی امپریالیسم آمریکا: بازگشت به رویاروئی

در صفحه ۷

شـادبـاش

اتحاد دموکراتیك مردم ایران بمناسبت هشتم مارس روز جهانی زنان

"اتحاد دموکراتیک مردم ایران" و کارکنان هفته‌نامهٔ "اتحاد مردم" روز هشتم مارس، روز جهانی زنان را به تمام زنان زحمتکش و غیور و رزمنده ایران شادباش میگویند و برای آنان در نبرد علیه امپریالیسم به سرکردگی آمریکای جنایتکار در راه سازندگی ایران انقلابی و تحکیم جمهوری اسلامی ایران زیر رهبری امام خمینی آرزوی موفقیت دارند.

ما تردید نداریم که تامین استقلال کامل سیاسی و اقتصادی کشور ما و پیروزمندی حاکمیت خط امام در تمام ابعاد مردمی و تحول بخش آن سر– انجام راه بر تامین حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان خواهد گشود و زنان و دختران رزمنده ایران جایگاه واقعی خود را در جامعه باز خواهند یافت.

اتحاد دموکراتیک مردم ایران اسفندماه ۶۰

یکسال از توطئهٔ ۱۴ اسفند گذشت، امّا:

خط منسی کردن آمریکا باقیست...

در صفحه ۱۲

قانون اساسی و آزادیهای سیاسی

"امسال سال قانون است" (امام خمینی)

آخرین روزهای "سال قانون" را پشت سر می‌گذاریم. تلاش وسیعی که از جانب نیروهای راستین پیرو خط امام و سایر مدافعان انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران، برای استقرار قانون از مدتها پیش آغاز شده است، با جدیت دنبال می‌شود.

ما برای آنکه، به سهم خود، به استقرار قانون و بویژه بخش مربوط به آزادیهای سیاسی آن، که اکنون دیرگاهیست در دستور روز انقلاب است، یاری رسانده باشیم، در شماره‌های قبل سخنان رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مسئولان درجه اول کشور را درباره آزادیهای سیاسی منتشر کردیم اینک با انتشار قوانین جمهوری اسلامی ایران دربارهٔ آزادیهای سیاسی، کوشش خود را پی می‌گیریم.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که با بیش از ۱۸ میلیون رای به تائید مردم قهرمان ایران و سپس توشیح امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران رسیده است، درباره آزادیهای سیاسی چنین می‌گوید:

اصل بیست و سوم:

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان بصرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

اصل بیست و چهارم:

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آنرا قانون تعیین می‌کند.

اصل بیست و ششم:

احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل بیست و هفتم:

تشکیل اجتماعات و راه‌پیمائی ها، بدون حمل سلاح، بشرط آنکه مخل به اسلام نباشد، آزاد است.

شبکه‌های ساواک فعالند

آنها را در هم بکوبید!

سرنخ اصلی ترورها و بمب‌گذاری‌ها در دست شبکه‌های ساواک – سیا و سلطنت‌طلبان است.

سران سازمان مجاهدین خلق، یا به پاریس گریخته، یا دستگیر شده و به مجازات خود رسیده‌اند. سران سازمان مائوئیستی – امریکائی پیکار دستگیر شده‌اند. رهبران سایر گروه‌های چپ‌نما و مسلمان‌نما نیز به همین ترتیب. آیت‌الله موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب هم اعلام کرده است که "۹۰ درصد از اعضاء فعال منافقین دستگیر شده‌اند ..." (جمهوری اسلامی –۱۲ اسفند ۶۰) اما بمب‌گذاری‌ها و ترورها هنوز ادامه دارد. همهٔ این اعمال ضدانقلابی،

بقیه در صفحه ۱۴

دو خبر مهم

لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی برای شور دوم به مجلس میرود

مهندس حسین ادیب معاون وزارت بازرگانی داخلی اعلام کرد: "لایحهٔ دولتی شدن تجارت خارجی از کمیسیون ویژه گذشته و در چند روز آینده برای شور دوم در مجلس مطرح خواهد شد" (کیهان – ۱۵ اسفند ۶۰)

امید است "لایحهٔ دولتی شدن بازرگانی خارجی"، هرچه سریعتر در جهت قطع کامل دست تجار بزرگ غارتگر و در اختیار دولت در آوردن کامل بازرگانی خارجی، در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد و به اجراء درآید.

اطلاعیه ده ماده‌ای همچنان معتبر است

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر اعلام کرده است. "این اطلاعیه (اطلاعیهٔ ده ماده‌ای) همچنان معتبر خواهد بود ... و (در رابطه با) سازمانهای دیگر که محاربه با جمهوری اسلامی ندارند و شرایط جمهوری اسلامی را

بقیه در صفحه ۱۶

در حاشیهٔ برگزاری دهمین کنگرهٔ فدراسیون سندیکایی جهانی

زحمتکشان جهان با سلاح همبستگی علیه انحصارات امپریالیستی و برای صلح و ترقی مبارزه میکنند

دهمین کنگرهٔ فدراسیون سندیکایی جهانی از ۲۱ تا ۲۶ بهمن ماه ۶۰ در هاوانا، پایتخت کوبای انقلابی، برگزار شد. در این مجمع عظیم سندیکایی، نمایندگان متجاوز از دویست میلیون تن از کارگران و زحمتکشان جهان، که در اتحادیه‌ها و سندیکاهای پیکارجوی خویش متشکل شده‌اند، شرکت کردند و سند تاریخی کنگره را تحت عنوان "**سندیکاها و مبارزات دههٔ هشتاد**" به اتفاق آراء مورد تایید و تصویب قرار دادند.

در این کنگره، همچون کنگره‌های

بقیه در صفحه ۱۲

خجسته باد روز هشتم مارس

روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان!

بیش از هفتاد سال است که در جهان، روزهشتم مارس (۱۷ اسفند) به عنوان روز همبستگی رزمی زنان سراسرجهان وپیوند انقلابی آنان علیه امپریالیسم، برای تامین دموکراسی – ترقیات اجتماعی، صلح وبرابری حقوق زن ومرد برگزارمی شود.

برگزاری این روز بزرگ درکشورهای پیشرفته جهان سرمایه داری، کشورهای "جهان سوم" وکشورهای دارای نظامهای سوسیالیستی ازکیفیت و خصلت متفاوت برخوردار است.

● درکشورهای سرمایه داری پیشرفتهٔ که در راه مسابقه تسلیحاتی گام برمی دارندوهیولای بیکاری وفقر هر روزگلوی اقشار تازه ای از زحمتکشان رادرچنگال خود می فشرد، زنان آماج نخستین هستند وبه بهانه های گوناگون مشاغل خود را از دست می دهند. تبغیض میان زن و مرد وجود دارد، واصل دستمزد مساوی در برابرکار مساوی، رعایت نمی شود. در این کشورها زنان بخاطر تحمیل همزیستی مسالمت آمیزمیان دونظام متفاوت اجتماعی – کاهش بودجه های سرسام آورجنگی و حفظ صلح، مبارزه با بیکاری، بهبود شرایط کارزنان زحمتکش از طریق افزایش بودجه های رفاه اجتماعی، گسترش شبکه شیرخوارگاه ها کودکستانها، دبستانها، درمانگاه ها، بیمارستان ها و زایشگاه ها، رفع تبعیض از زنان در قانون و در عمل، تامین اشتغال برای همه زنانی که داوطلب کار درخارج از خانه هستند، تامین دستمزد برابر زن ومرد در کارخانه ها و موسسات تولیدی واصلاح قوانین خانواده، مبارزه می کنند.

● درکشورهای درحال رشد ودارای نظام های مردمی که امپریالیسم استقلال سیاسی واقتصادی آنها رامورد تهدید قرار می دهدو صلح را در کشورهای جداگانه و در مناطق مختلف جهان به خطرمی افکند، لبه تیزمبارزه زنان، علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و در جهت تامین استقلال وآزادی وحفظ صلح درجهان متوجه است. دراین کشورها جنبش های زنان در پیوند با جنبش های انقلابی واستقلال طلبانه ودر همگامی با دولت های ضدامپریالیستی ومردمی با تمام توان برای محونفوذامپریالیسم وبازگشت ناپذیرساختن رونداستقلال میهن خود پیکار می کنند. زنان این کشورها که به حقوق نسبی دست یافته اند، بدرستی استقلال کامل رانخستین شرط دگرگونی های اجتماعی و ازجمله تامین حقوق خود در همه عرصه ها می شمارند.

● درآن بخش ازکشورهای "جهان سوم" که رژیم های وابسته به امپریالیسم برآن حکومت دارند وبه مثابه زائده ای از ماشین جنگی امپریالیسم ثروت مردم رابه پای انحصارات بیگانه می ریزند مبارزه زنان علیه اقدامات تبهکارانهٔ رژیم های ضدملی حاکم علیه امپریالیسم وانحصارات بخاطرحفظ صلح، بهبود شرایط زندگی و کار، پیشرفت های اجتماعی و رفع تبعیض زن ومرد متوجه است.

● کشورهائی که درجرگهٔ خانواده بزرگ سوسیالیسم، این عادلانه ترین و پرجاذبه ترین نظام اجتماعی تاریخ بشری قرار دارند، جای والای زن رادر جامعه بعنوان عضومسئول ومتعهد و انسان برابرحقوق درخانواده تامین کرده اند دراین کشورهابرابری حقوق زن ومرد در تمام سطوح تحقق یافته است.

انقلاب کبیراکتبرکه سرآغازرهائی زنان از قوانین وآداب وسنن ظالمانه و تبعیض گرابود، نمونهٔ زن خوشبخت و برابرحقوق شوروی رادربرابر دیدگان جهانیان قرار داد. اکنون با اطمینان می توان گفت که نظام های سوسیالیستی، بهشت زنان وکودکان است. تمام تلاش وپیکار این نظام های مردمی درجهت تعالی زنان درجامعه تامین رفاه بیشتر برای مادران زحمتکش وسبک کردن بار زنان در امور روزمره خانه وسنگین تر کردن بارشخصیت ورسالت وفضیلت آنان بمثابه مادر وهمسر وعضومتعهدو برابرحقوق جامعه است.

دراین کشورها که اثری از تورم، بحران، بیکاری وتبغیض وجود ندارد، برنامه های اقتصادی وعمرانی سراپا در خدمت انسانهاورفاه وسعادت آنهاقرار دارد. از این جهت مبارزه زنان این کشورها درهمبستگی وهمگامی باجنبش های مترقی جهان بخاطر محو امپریالیسم، محوخطرجنگ هسته ای، استقرار صلح وآرامش درسراسر گیتی سازمان یافته است.



زنان ایران و روز هشتم مارس

درکشور ما بیش از ۶۰ سال است که روز هشتم مارس بعنوان روز همبستگی رزمی زنان برگزارشده است. اختناق حاکم برایران درفواصل طولانی مانع از آن شد که زنان میهن کشور ما بتوانند این روزبزرگ رابصورت علنی ورسمی وبا مشارکت جمعی زنان برگزارکنند. ولی این اختناق هرگزموفق نشد آتش پیکار زنان را برای کسب استقلال، رفع تبعیض وبی عدالتی ها خاموش کند. شعله ها ضعیف وبه جرقه تبدیل شد، اما جرقه ها هرگزخاکستر نشد. شعار عمده مبارزه زنان ایران، محو امپریالیسم وارتجاع واستبدادبود

انقلاب پرشکوه ۲۲ بهمن همهٔ توان رزمی زنان رابه صحنه آورد. زنان قفس تنگ خانه ها راشکستندوصف اندر صف به رزمگاه نبرد علیه استبدادو امپریالیسم روی آوردند. آنان با گذشتن از سرجان ومال وفرزندو همسر خود به پیروزی انقلاب یاری رساندند.

انقلاب پایگاه های سیاسی، اقتصادی ونظامی امپریالیسم رادرهم کوبید. اما امپریالیسم جهانخوار به آسانی ازسرمنافع نامشروع وغارتگرانه خود نمی گذرد. در سه ساله پس از پیروزی، گواه توطئه های ننگین امپریالیسم علیه استقلال وانقلاب بوده ایم.

زنان درصف مقدم نبرد علیه امپریالیسم بسرکردگی شیطان بزرگ آمریکا

زنان ودختران رزمنده میهن ما با حضور فعال خود درصحنه نبرد علیه امپریالیسم، به ناکام ماندن توطئه های شیطان بزرگ کمک موثرکرده اند. آنان باشرکت درنهادهای مردمی چون بسیج جهاد، سپاه پاسداران، نهضت سوادآموزی باتدارک پشت جبهه و کمک به رزمندگان جبهه ها خانواده های شهدا، معلولین وآوارگان جنگی سهم مهمی از مبارزه ضدامپریالیستی را بردوش گرفته اند.

قبل از همه باید خدمت زنان و دختران کارگر را ارج نهاد که علیرغم وضع دشوار کار و زندگی، تمام توان خویش را درخدمت افزایش تولیدقرار داده وبه بی اثرساختن تحریم اقتصادی امپریالیسم یاری می رسانند..

بایدزنان دهقان را ستود که در مزارع وکشتزارهای کشور دوش به دوش همسران وفرزندان خود زمین هارابارور می کنند ودرتامین نیاز کشور به مواد غذائی، ومواد اولیه کوشاهستند.

نیروی عظیم زنان کارگرودهقان نقش ارزنده ای درتدارک پشت جبهه و پیروزی رزمندگان جبهه جنگ تحمیلی صدام ایفا کرده است. درود براین بازوهای رنج و کارکه علیرغم همهٔ محرومیت ها و دشواریها دستاوردهای انقلاب راچون مردمک چشم حراست می کنند!

بارکمبود وگرانی بیش ازهمه بر دوش زنان سنگینی می کندکه مسئولیت اداره خانواده رابرعهده دارند. اینان هستندکه باصبرانقلابی، باقناعت و صرفه جوئی، دشواری ها را تحمل میکنند وبه امپریالیسم وضدانقلاب فرصت سوءاستفاده نمی دهند. درودبرآنان!

تجربه مبارزه نشان داده است تا زمانی که امپریالیسم به قطع توطئه وتجاوز مجبور نشود وپایگاه های داخلی آن یعنی سرمایه داران وابسته وزمینداران بزرگ، مقهور ومغلوب نیروی خلق نگردد محرومان به حقوق اقتصادی واجتماعی خویش دست نخواهند یافت. با این چراغ راهنماست که زنان انقلابی و زحمتکش نخستین آماج مبارزه خود را امپریالیسم قرار داده وتمام نیروی خود رابرای راندن شیطان بزرگ سرکردهٔ امپریالیست های جهان، پایگاه های اجتماعی آن وتامین پیروزی خلق در جنگ تحمیلی بسیج کرده اند.

انقلاب وظیفه مند است

در برابر این زنان بیداروهشیار، انقلاب وظایف بس مهمی بردوش دارد: زنان به دلیل ماندگاری آداب و سنن جامعه فئودالی وحاکمیت چندصد سالهٔ استعمار و استعمار نو، درهمه سطوح عقب نگاه داشته شده اند. انقلاب وظیفه منداست که این عقب ماندگی رادر کوتاه ترین زمان ممکن جبران کندو امکان سوادآموزی وتحصیل و اشتغال زنان را درهمه سطوح فراهم آورد. انقلاب وظیفه منداست امنیت اجتماعی و شغلی زنان را که از سوی گروه های معین تهدید می شود، تضمین کند ودستهای تفرقه افکن ومزاحم را از سر زنان دور دارد.

انقلاب وظیفه منداست تمام حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی راکه نظام جابر پیشین از زنان دریغ داشته بود، به آنان واگذارد.

هرچند درسه سال گذشته انقلاب به علت دشواری ها وموانع در رفع بی عدالتی از زنان موفق نبوده است و گروه ها واقشاری توانسته اند، با سوءاستفاده ازحساسیت وضع، محدودیت های تازه ای را چه در خانواده وچه در سطح جامعه برزنان تحمیل کنند، اما این فرجام نهائی زنان درانقلاب نیست. پیروزی پویندگان خط امام خمینی درنبردبخاطر طرد کامل امپریالیسم جنایتکار وشکست "اسلام آمریکائی" راه رابرای تامین حقوق انسانی زنان خواهد گشودومحرومان جامعه و ازجمله زنان مقام والای خودرا درجامعه متکامل ما بازخواهندیافت.

– پیش بسوی پیروزی قطعی و نهائی برامپریالیسم متجاوز به سرکردگی آمریکا!

– پیروز باد مبارزه زنان ایران در راه استقلال، آزادی وپیشرفت های اجتماعی!

– زنده بادهشتم مارس روز همبستگی رزمی زنان سراسرجهان!

– برقرار باد نظام جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی!

زن

کیست این زن
آشنائی از زمانی دور!
یادم آید چهره اش نور خدایی داشت.

چشم او پیغام را اززندگی میداد.
نغمه اش دراولین دیدار سازلالایی داشت

سینه اش جان بخش و شیرین
دلنشین چون زندگانی بود
برسرش چون رخ نهادم
عطر عشق وآشنایی داشت.

زندگی را زن به چشمم رنگ وبوی شادمانی داد
مادرم بود وبر من مظهری ازپارسایی بود
من برایش آرزوهای جوانی
اوبرایم مایه ای ازکامرانی بود.

چرخ کار وزندگی
بادست او چرخید...
اوبه من از چشمهٔ مهرش
ساغر سازندگی و سازگاری داد.

پیشرو دررزم و در پیکار
هم نوا با من سرود رستگاری خواند
دست چون بردم بر افروزم چراغ روز بهروزی
زن به دستم پرچم فتح و رهایی داد.

اختر
۱۳۶۰/۱۲/۷

اتحاد نیروهای انقلابی ضامن پیروزی نهائی انقلاب است

بمناسبت تصویب کلیات طرح اصلاحات ارضی در مجلس شورای اسلامی

حل مسئلهٔ زمین:

– نیاز حیاتی انقلاب

– حق مسلم دهقانان

همان‌طورکه پیش بینی میشد و "اتحادمردم" نیزدرشماره گذشته خوداظهارامیدکرده‌بود یکشنبه‌هفته گذشته، درجرایدعصر، متن طرح قانونی اصلاحات‌ارضی وبهره‌برداری ازاراضی‌مزروعی چاپ‌شد و روزدوـ شنبه برای‌شوراول درجلسهٔ‌علنی مجلس ـ پس از ماه‌ها انتظارـ به بحث گذاشته‌شد و با "اکثریت‌قاطع آراء" به‌تصویب رسید.

اصلاحات ارضی که یکی ازمسائل حیاتی، مبرم‌وعمده انقلاب است، به اینترتیب وارد **مرحلهٔ جدیدی** شد. میتوان گفت که پس از توقف بند"ج" درپائیز ۵۹ اینک گام اول برای حل مسئله برداشته شد. این **گام اول** گره‌گشاست و برعمده‌ترین بخش اصلاحات ارضی، ضربه‌زدن ونابودکردن‌بزرگ‌مالکی ناظراست وچون‌اساس را برمحدودیت قطعی مالکیت براراضی‌مزروعی میگذاردو به‌نحوی جدی مسئلهٔ نابودی بزرگ مالکی را **مطرح میکند** و زمینه رابرای واگذاری رایگان زمینهای زراعی به دهقانان بی‌زمین وکم‌زمین آماده میسازد، دارای **اهمیت جدی و تعیین‌کننده** است. ولی چون گام اول است باید راهی پیموده شود تا مسئله حل گردد و برای پیمودن دنبالهٔ این راهـ که بدون آن گام اول ناقص و غیرعملی و بدون کارائی و تاثیرخواهد ماندـ باید **اولا** قانون به نحو کاملتر و بی‌نقص‌تری، مبرا از نکات منفی کنونی ومطابق با اهداف انقلاب و با منافع حیاتی میلیون‌ها دهقان تهیدست، تدوین وهرچه زودتر تصویب شود و **ثانیا** اجرای دقیق و کامل آن به نحوی ریشه‌ای توسط هیئت‌های هفت‌نفریـ این نهاد انقلابی کارآزموده و مورد اعتماد دهقانان و مردمـ به انجام رسد.

نکتهٔ عمده درطرح تصویب شده کدامست؟ ارزیابی خود را درمورد این طرح برچه پایه‌ای باید استوار کنیم؟ دربارهٔ این طرح که آشکارا یکدست و یکپارچه نیست چگونه داوری کنیم؟

* مهم و عمده آنست که پس از آنهمه نبردهای سخت و انتظارهای طولانی و امیدهای فراوان گام اولـ درمجموع خودـ درست برداشته شده‌است. یعنی اصل را بر نیل به هدفهای انقلاب، بر **ضربه‌زدن‌قطعی به مالکیت بزرگ ارضی** که یکی از عمده‌ترین منابع بهره‌کشی، غارتـ گری، فساد و زورگویی و یکی از پایگاه‌های فعال بسیاری ازتوطئه‌های ضدانقلابی است نهاده است؛ اصل را برمنافع حقه و انسانی میلیون‌ها دهقان زحمتکش که پشت وپناه انقلاب و حافظ و مدافع آن بوده و هستند قرارداده است.

* مهم و عمده آنست که درنبرد دشوار وطولانی برسر حادترین‌مسائل بنیادی انقلاب و ازجمله مسئلهٔ مالکیت و بویژه مالکیت بر اراضی مزروعی که بیش ازپیش پیروان‌صدیق خط امامـ خط‌مردمی و مستضعف‌پرور را از مخالفان تحکیم و ژرفش انقلاب جدا می‌کردـ آنچه که درنهایت و به طورعمده برکرسی نشسته است **گرایش درجهت حل یکی‌از گرهگاهـ های اساسی انقلاب ـ مسئلهٔ‌زمینـ** است.

گرچه دراساسی‌ترین خطوط ودر استخوان‌بندی پایه‌ای خود، موازین وبرداشتها، روح و ساختار طرح کنونی نه برطرح ۱۵ نفری که مسخ کنندهٔ اصل اصلاحات ارضی بود، بلکه بر راستای قانون مصوبهٔ‌شورای انقلاب و طرح ۲۵ نفرهٔ کمیسیون، گذاشته شده است. متاسفانه به طور آشکارا دربرخی مواردـ گاه بسیار مهم و گرهیـ فاقد قاطعیت‌آن‌قانون بوده و ازبرندگی ضرور آن کاسته شده است.

بنابراین، درمجموع، تصویب کلیات طرح و برداشتن این‌نخستین گام را باید یک **موفقیت قابل‌توجه** انقلاب، دهقانان زحمتکش، همهٔ انقلابیون راستین، پیروان و پشتیبانان خط امام ارزیابی کرد که با به دنبال آمدن گامهای قاطع و بی‌تزلزل بعدی **میتواند** به یک پیروزی‌مهم دریکی از حیاتی‌ترین عرصه‌های انقلاب بدل‌شود. تصویب طرح درشور اول را درمجلس باید یک شکست برای همهٔ کسانی ارزیابی کرد که میخواستند از اساس مسئله را به نحوی منتفی کنند، به‌تعویق اندازند و انقلاب را ازپرداختن به آن منصرف کنند. و بزرگ‌مالکیـ وبه تبع وهمراه آن مالکیتهای "مقدس" نامحدودـ را ببهانه‌های‌اسلام‌نمایانه نجات دهند.

این اساس مسئله است و از این روست که ما با امید به تکمیل قانون و اجرای قاطع آن، به مجلس شورای اسلامی، به انقلابیون پیرو وپشتیبان خط امام، این موفقیت را تهنیت می‌گوییم و آن را برای عید دهقانان زحمتکش خوش یمن تلقی می‌کنیم با این امید که با گام‌های بعدی برکت آن فزون‌تر، اثرات آن ریشه‌ای‌تر و محتوای انقلابی آن راسخ‌تر و بازگشت‌ناپذیر شود.

اما این همه مسئله نیست. پس از آنکه **جهت عمده ضدبزرگ مالکی** را خاطرنشان کردیم وبرخصلت اساسی طرح‌که در راستای تحکیم انقلاب و تقویت خط امام دراین عرصه حیاتی است تاکید ورزیدیم، می‌بایست در عین حال، قاطعانه و روشن، یکرشته نکات ضعف و کاستی‌ها و نواقص جدی آن را یادآوری کنیم. باید تصریح کنیم که نکات منفی درشرایط معینی میتواند اساس و ماهیت طرح را دگرگون کند و آن را ازمحتوای انقلابی خودتهی سازد.

مسئله، نه‌فقط از حادترین و حیاتی‌ترین، بلکه ازبغرنج ترین و پیچیده‌ترین مسائل کنونی انقلاب ماـ و همهٔ انقلاب‌های مشابه است. دراینجا نیروهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و سنتی بسیار باهم سرشاخ می‌شوند و هماوردی بین آن‌ها هرگز با تصویب کلیات یا با تصویب قانون و یا حتی با اتمام مراحل اجرای آن پایان نمی‌پذیرد.

پس از این گام اول و پس از تصویب قانون نهایی، این مسئله همچنان عرصهٔ نبرد جدی بین موافقان و مخالفان انقلاب و امر تعمیق آن باقی خواهد ماند. در این زمینه هیچ گونه خوش باوری و ساده‌نگری جایز نیست. اما در مرحلهٔ کنونی تا تصویب قطعی قانون وظیفهٔ مبرم همهٔ ماست که با نهایت دقت و توجه آنچه را که درنیرو داریم برای کاهش ونابودی نقاط ضعف طرح و برای تقویت و حاکم‌کردن نقاط قوت آن بکاربریم. تا آن جهت عمده ازنظر **حقوقی** و قانونی بازگشت‌ناپذیر وقطعی‌شود و آن خصلت اساسی تمامی اثرات‌تحول بخش خود را آشکار سازد و قانون به حربه‌ای دردست انقلاب و انقلابیون برای انجام تحولات‌بنیادی‌بدل‌گردد.

باید بزرگ مالکی ریشه‌کن شود

اس اساس مسئلهٔ اصلاحات‌ارضی وعصارهٔ اصلی آن ازبین بردن‌بزرگ مالکی، این نهادغارتگر زورگو و ارتجاعی است که یا مرده‌ریگ‌بقایای نظامات اربابی درطی قرون و یا از ثمرات جدید رشد سرطانی مناسبات سرمایه‌داری به هنگام سلطهٔ‌طاغوت، برای انقلاب ماست. هدف اساسی آن زمیندار کردن دهقانان زحمتکش رساندن این حق مسلم و انسانی به حقدار، تامین زندگی بهتر وآزادی برای میلیونها دهقان است.

درمیهن انقلابی ما حل این مسئله ابعاد حیاتی شگرفی برای کل سرنوشت انقلاب پیداکرده است: ازنظر برخورد آن با مسئلهٔ‌مالکیت وطرح مسائل بنیادی اجتماعیـ اقتصادی انقلاب، به قول‌نماینده‌ای "سمبلیک" شده است؛ درهم‌کوبیدن پایگاه‌های داخلی ضدانقلاب و کانون‌های توطئه‌گری براندازی به میزان زیادی وابسته به نابودی آن شده است؛ تامین استقلال کشور، رسیدن به خودکفایی مقدور، قطع وابستگی، تامین عدالت اجتماعی و زدودن آثار هولناک فقر وتهیـ دستی وستم وعقب‌ماندگی ازچهرهٔ روستاها و بردن هدیه گرانقدرآزادی به آنها، همه به نتایج مستقیم حل کامل ریشه‌ای، مداوم و پیگیر این مسئله پیوند خورده است.

ازبین بردن بزرگ مالکی، به باور ما، اگرچه دارای ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، سنتی، فرهنگی، ایدئولوژیک، اجتماعی و اداری است ولی هستهٔ‌مرکزی آنها را مالکیت بزرگ مالکان بر اراضی‌بزرگ تشکیل می‌دهد. بنابراین جوهر شیرهٔ حل این مسئله‌در وضع کنونی ایران درچگونگی انجام بند"ج" (مربوط به اراضی بایر بزرگ مالکان) و بند"د" (مربوط به اراضی دایر بزرگ مالکان) نهفته است. هرکار دیگری که ما در بارهٔ زمین و زراعت بکنیم، تا این دو بند را اجرا نکرده‌ایم یعنی زمین‌های بایر و دایر "سنددار" بزرگ مالکان را به صاحبان واقعی آن‌ها ـ دهقانان تهی‌دست ـ واگذار نکرده‌ایم، مسئلهٔ‌ارضی را درمرحلهٔ کنونی حل نکرده‌ایم. بیهوده نیست که قانون اصلاحات ارضی با بند"ج" مترادف شده است (درطرح اولیه دوسال پیش اراضی به سه بندالف و ب وج تقسیم شده بود که بندج کلیه اراضی بزرگ مالکان را دربر می‌گرفت اعم از بایر و دایر، در طرح بعدی شورای انقلاب این اراضی خود به دوقسمت ج و د تفکیک شد).

درطرحی که کلیات آن به‌تصویب رسیده چنین تعیین تکلیف شده که تاسه برابر عرف محل اززمینـ های بایر(بند"ج") و حداکثر سه برابر و گاه دو برابر و گاه هیچ از زمین‌های دایر(بند"د") میتواند دردست بزرگ مالک فعلی بماند که دراین صورت دیگر بزرگ مالک نخواهد بود. بقیهٔ اراضی توسط دولت خریداری و به دهقانان واگذار خواهدشد(ماده۳ و ۴فصل دوم طرح). بنابراین، درصورت اجرای تمام و کمال همین قانون، بطورعمده کسی (با استثناهایی که بعدا به‌آنها خواهیم پرداخت) دیگر در ایران بیش از ۴ برابر عرف‌محل (تبصرهٔ ۵ مادهٔ۴) زمین نخواهد داشت. و این، **اگر انجام شود، یعنی نابودی بزرگ مالکی.** این **امکانی** است که قانون با رفع نواقصش میتواند فراهم‌سازد، امکانی که حیاتی‌ترین منافع انقلاب اقتضا می‌کند به **واقعیت** بدل گردد. این کار مسلما باید انجام شود تاانقلاب ما پا بگیرد و درسومین مرحلهٔ خویش، مرحله‌ای که ـ محتوی اجتماعیـ اقتصادی پرباری دارد، تحکیم یابد و راه به سوی گسترش و تعمیق آن باز شود.

جوانب منفی و نقاط ضعف طرح قانونی باید اصلاح شود

طرح قانونی مصوبهٔ جلسهٔ ۱۱ اسفند متاسفانه از انسجام ویکدستی لازم که ازخصلت پیگیر انقلابی و تصمیم قاطع به عمل درجهت اهداف انقلاب و رهنمودهای مکرر امام‌خمینی و خصلت مردمی و مستضعف‌پرور خط امام و روح قانون اساسی برخیزد بی‌بهره است. تدارک و تدوین طرح آشکارا زیر فشار نیرومند محافل معینی ازنیروـ های مخالف با پیشرفت اجتماعی و مخالف با تحولات بنیادی و اصلاحات ارضی عمیق و درنهایت مخالف با خط امام قرارداشت که چه درجامهٔ لیبرالی وچه درکسوت روحانی‌نمایی وحتی انحصارطلبی افراطی عمل‌کردند. درنتیجه‌مشاهده میکنیم که بریک استخوان بندی درست ناشی از طرح قانون شورای انقلاب، انبوهی از مواد و تبصره‌ها که از مخالف‌خوانی‌های متخصصـ مآبانه لیبرالها یا ازفتاوی آنچنانی وعاظ المالکین یا ازطرح انحرافی ۱۵ نفری نشات می‌گیرد "الصاق" شده‌است.

این موارد منفی که کم‌شمارهم نیستند گاه ایجاد ابهام‌میکنند، گام سردرگمی می‌آورند، گاه خطرناکند و به حق موجب‌اعتراض میشوند و گاه دربارهٔ سرنوشت‌طرح نگرانی میآفرینند. ازاینجهت‌لازم است‌که پیروان صدیق خط امام و انقلابیون راستین درمجلس و در حاکمیت انقلابی، حساب خودرا هرچه قاطعتر با این "الصاقیات" ثمرهٔ اعمال فشارها و جوسازیها، که آشکارا با ماهیت طرح نمیخواند روشن کنند. زیرا که این نقاط منفی درجهت نقض خصلت انقلابی‌طرح است و میتواند عملا منجر به مثله شدن آن گردد. دربحث ابتدایی پیرامون کلیات طرح بحق‌سخنرانان موافق، با این نکات منفی فاصله گرفتند و آنهارا از آن خط امام و بیانگر روش قاطع ندانستند ووعدهٔ زدودن این نکات را دادند.

برخی از این موارد منفی ازاین قرارند:

۱ـ **مستثنی کردن انواع اراضی** ازشمول قانون یکی از مهمترین نکات ضعف طرح است. فراموش نکنیم که اگر بزرگ مالکان طاغوتی توانستند در زمان اصلاحات‌ارضی "ملوکانه" بخش مهمی ازمرغوبـ ترین زمینها را دردست خود نگهدارند با سوءاستفاده از همین مستثنیات بود. اگر امروزه‌حداقل وسعت زمینهای بزرگ مالکی را۳/۵ میلیون هکتار تخمین میزنند، اینها همان زمینهایی هستند که ببهانه‌های مختلف "مستثنی" شده بودند. اگر مسئله همچنان بعد از پانزده سال جار و جنجال "شاهنشاهی" با تمام حدت خود باقیست ازجمله بعلت‌وجود "مفر"ها و راههای بهره گیری از استثناها (مکانیزه، باغ، محدودهٔ‌شهر...) بود. قانون انقلابی باید جامع ومانع باشد. تکلیف کلیهٔ اراضی بزرگ مالکی را بدقت تعیین کند و بگوید که در جامعهٔ انقلابی ما با هر"گونه" از این اراضی چه‌خواهدکرد.

۲ـ تبصرهٔ واحدهٔ مادهٔ۲فصل دوم اگرچه تقسیم‌اراضی تمام مکانیزه و کشت و صنعت‌ها را بحق به "صلاح جامعه" نمیداند ولی بطور مبهم میگوید "بانظر وزارت کشاورزی باید بطرزمطلوب مورد بهره‌برداری قرارگیرد". وبطورکاملا نگران‌کننده اضافه میکند "این حکم درمورد **زمینهای تمام مکانیزهٔ شخصی** نیز معتبراست". باید درقانون‌آشکارا و صریح گفت که "طرز مطلوب" کدامست تا بعد موردسوءاستفاده قرارنگیرد. به نظرما چنین "طرز مطلوبی" بطورمشخص و با تشخیص هیئت هفت‌نفری، جز باقی‌ماندن دربخش دولتی نمیتواند باشد. واحدهای تمام مکانیزه، بدرستی، نباید و بصلاح نیست تکه تکه شود و درضمن نباید که همچنان دردست بزرگ مالک باقی بماند. وگرنه بخش مهمی از زمینهای مرغوب طاغوتیان ازدست آنها بیرون آورده نخواهد شد. هرقدر آنها ثروتمندتر، بانفوذ تر و بادربار و دستگاه دارای روابط بیشتری بوده‌اند املاکشان بیشتر "تمام" مکانیزه بوده است. در اصلاحات ارضی گذشته رژیم شاه شرایطی را درقانون فراهم کرد که نزدیک‌به یک میلیون هکتار فقط ببهانهٔ مکانیزه بودن در دست مالکان عمده باقی ماند. ایران انقلابی که نمیخواهد و نمیتواند آن تجربه را تکرارکند. وجود تبصره مزبور که لااقل مبهم و درواقع خطرناک است نکتهٔ منفی بسیار مهمی درطرح است و بایدعوض شود تا ماهیت ضداستکباری و ضدطاغوتی قانون متجلی گردد. درهرذره‌ای و درهرقطره‌ای از آن ماشین‌آلات و سیستمهای آبیاری و تاسیسات و ادوات "تمام‌مکانیزه"، کوهی ازرنج نهفته وجویی از خون و عرق زحمتـ کشان جاری است.

۳ـ تبصرهٔ ۲ مادهٔ ۴ **زمین دامداریها رامشمول این قانون نمیشناسد.** تبصرهٔ ۳ همین‌ماده تناسبی بین مقدار زمین و تعداددام تعیین کرده است یعنی هرکه دامش بیش سهمش بیشتر. هرکه ثروتش بیشتر بوده و دامداری بزرگتری احداث کرده حالا زمینهای بیشتری را ازشمول قانون خارج خواهدکرد. البته این نکته مهم و درستی‌است که دامداریها باید زمین برای کشت علوفه و تهیهٔ خوراک‌دام داشته باشند و به‌واردات علوفه ازخارج ویا خرید آن متکی نباشند تا دامپروری صنعتی ما از زنجیر فعلی مونتاژی بودن خویش رهائی یابد. ولی‌کدام حدود؟ تاچه وسعتی؟ با چه تعداد دام؟ با چند ده هکتار زمین؟ واصولا چرا دامداریهای خصوصی؟ دراینجا هم ابهام وجوددارد و هم نکتهٔ‌منفی بزرگی که میتواند دستاویز بزرگ مالکان گردد و هرقدر که درگذشته (قبل از ۵۹/۱/۲۶ ـ تبصرهٔ ۳ماده ۴) متمول‌تر و چاق وچله‌تر بوده‌اند، حالاهم از نمد زمینهای مستثنی‌شده حصهٔ بیشتری بردارند و برسرقانون گزار و مجری صدیق کلاه بگذارند. این تبصره اصولا امکان میدهد بزرگ مالکان **جدیدی** پیداشوند زیرا که در بسیاری موارد واحدهای دامداری

بقیه‌درصفحه۴

حل مسئله...

بقیه از صفحه ۳

"مونتاژی" بوده و ازخود تاکنون زمین کشت علوفه بخصوص متناسب با تعداد دام نداشته‌اند. حالا این اربابان میتوانند، ببرکت این تبصره صاحب زمینهای جدید شوند که با هیچ ضابطه و عرف محل هم محدود نمیشود.

۴- تبصرهٔ ۶ مادهٔ ۴ **اراضی باغات راهم مستثنی میکند**. در زمان گذشته هم، باغات مشمول قانون قرارنگرفتند و چه بسااربابانی که باچندنهالی، زمینی وسیع را باغ خواندند و صاحب آن باقی ماندند. استثنای باغ یکی از مهمترین راههای فرار بزرگ مالکان از اجرای قانون‌شد. آنوقت زمان طاغوت بود. اما حالا برهیچکس معلوم نیست که چرا بزرگ مالک صاحب باغ باید بتواند همچنان غارت کند و دیگران کارکنند. باغها را نباید و نمیتوان "تقسیم" کرد. درست. زمین‌ها راهم‌نباید "تقسیم" کرد. درقزوین بعد از انقلاب متاسفانه برخی باغات را تقسیم و تکه تکه کردند و ثمرات منفی آن‌را هم دیدند. ولی چرانتوان کل واحد باغ را به صورت تعاونی درآورد؟ چرا آنهمه زحمت نگهداری و برداشت و کشت و آبیاری برعهدهٔ بیل بدستان که باغداران واقعی هستند باشد ولی نعمت حاصله به جیب یک نفر دیگر برود؟ برخی از باغات مصادره شده شمال که در دست بنیاد بود و درآن با دلسوزی و حسن تدبیر و مدیریت خوب عمل شده نتایج بسیارمثبت بدست داده‌اند. پس تعاونی یا دولت میتواند مالک آیندهٔ باغات باشند. فرمول بندی این تبصره بکلی مبهم است وهیچ حدنصابی معین نشده ومعلوم نیست قانونگزار میخواهد با اینگونه اراضی چه بکند. این نکتهٔ منفی مربوط به صدها هزارهکتار میشود و مانند مادهٔ قبلی میتواند زمینهٔ مثله‌کردن جدی قانون گردد.

۵- نکتهٔ منفی دیگر **پرداخت پول به مالکین بزرگ** است (مادهٔ ۳- بند "ج" و مادهٔ ۴- بند "د") البته پرداخت غرامت به مالکان به خصوصیات عمده و ماهوی اصلاحات ارضی وابسته نیست. حتی در بنیادی‌ترین آنها، میتوان با تشخیص موارد مشخص به برخی مالکان بزرگ غرامت پرداخت. ولی درشرایط ما، نه فقط شرایط کنونی وضع اقتصادی کشور و محاصرهٔ اقتصادی امپریالیسم وخرابکاری تروریست‌های اقتصادی و... بلکه درشرایط عام کشورما که ایجاد و تقویت بزرگ مالکی نیمه‌فئودالی و شبه‌فئودالی وسرمایه‌داری وسرمایه‌داری وابسته با غارت بیحساب و زورگویی وسندسازی و تیول‌بخشی و حق‌کشی فاحش همراه بود و حتی حقوق شرعیه و مالیاتهای دولتی که بزرگ‌مالکان آنها را پرداخت نکرده‌اند از کل قیمت فعلی زمین فراترمیرود، چنین پرداخت باج سبیلی، عادلانه نیست با روح انقلاب مستضعف پرور ما آنچنانکه بارها امام‌خمینی تصریح کرده‌اند نمیخواند. و حتی درتناقض آشکار است. بسیاری از موافقان طرح کنونی با این نکته درمجلس ابراز مخالفت کرده‌اند و بحق.

۶- نکتهٔ منفی دیگر تبصرهٔ یک مادهٔ ۴ است. این تبصره واگذاری زمین دایر را درمواردی میداند که " امکان مزارعه و اجاره وجود نداشته باشد". میتوان گفت که اگر تغییرسمت یا سیاستی، تحول‌ماهیتی و یاسوءنیتی درکارمجریان بوجود آید یا اعمال نفوذهای بزرگ‌مالکان درارگانهای اجرائی ونهادهای‌مامور دراین یا آن منطقه موثر افتد، آنگاه با دستاویز همین تبصره سنگ بر روی سنگ از تمامی بند "د" و امرواگذاری زمینهای دایر باقی نخواهد ماند. این تبصره را میتوان درصورت یورش بزرگ مالکان وعمال آنان و درحالت عقب‌نشینی نیروهای صدیق‌خط‌امامی به یک بمب با ماسوره تاخیری تشبیه کرد. این، یکی از آن موارد مثله کننده‌ایست که ازطرح ۱۶ نفری به عاریت گرفته شده است. پاسخ ۱۵ نفر را بدرستی آقای فاضل هرندی در مجلهٔ "جهاد" داده و گفته است "دادن زمینهای مشروع به صورت مزارعه و اجاره نمیتواند مانع از هجرت روستاییان بشهرها شودزیرا مسئله اجاره و مزارعه در طول زمان‌های گذشته نیز بوده است و تجربه نشان میدهد که این شکل کافی نیست" حجت‌الاسلام فاضل‌هرندی قبلاهم درمصاحبه با روزنامه‌اطلاعات (۲۳ آبانماه ۶۰) گفته بود: "مزارعه یا اجاره یعنی مثل همان روال گذشته ... تا بحال هم زارع مجانی کار نمیکرده و زمینها که دردست‌زراعین بوده یا به نحو اجاره بوده یا به‌نحو مزارعه و اگر مزارعه و اجاره واقعا این مشکل را حل می‌کرد ما نبایدبامشکلی روبروباشیم". دهها و صدها هزار نامه و طومار با صدها هزارومیلیونها امضا و اثرانگشت دهقانان نشان میدهد که اجاره و مزارعه واقعا هم مشکلی راحل نمیکند. دهقانان حق مسلم خود را میطلبند. میلیونها دهقان زحمتکش ایران منتظر تصویب قانون و چشم براه هیئتهای هفت نفری هستند و هرگز تن به اجاره و مزارعه یعنی همان "روال گذشته" نخواهند داد. آنها هرگز تن به اشکال سنتی و بسیارمنفی سلطهٔ اربابی نخواهند داد. آنها این اشکال را بمثابه نحوهٔ غارت صدها سالهٔ خود و نیاکان خودمیشناسند. ازجانب دهقانان هرگز چنین "امکانی" وجود نخواهد داشت مگر با زور و خدعه و تزویر ازجانب بزرگ‌مالکان. بیادآوریم که درزمان شاه ملعون هنگامیکه شقوق سه‌گانهٔ تقسیم و اجاره و فروش مطرح شد، اربابان‌در اکثریت مطلق خود "شق اجاره" را که ادامهٔ بزرگ مالکی بشکل‌جدیدی بود برگزیدند (درکنار اجاره‌ایهای قبلی) حالاهم ازجانب مالکان بزرگ همه‌گونه "امکان" که سهل است، علاقه و تمایل و اصرار وجود دارد که‌ملک را به اجاره و مزارعه دهند و مباشر هم کارها را روبراه کند. چه خواب خوشی! ولی اگر با اجاره و مزارعه میشد که تابحال شده بود. جالب است که مخالفان طرح قانونی کنونی مسئله "امکان مزارعه و اجاره" را تنها از دیدگاه بزرگ مالکان دیدند و درجلسهٔ علنی مجلس بیان کردند یکی گفت: "اگر مالک بخواهدمی‌تواند اجاره بدهد ولی نمیتوانیم به اکراه اجبارش کنیم به اجاره و مزارعه" و دیگری گفت: "اینهارا (مالکان‌را) مجبورکردن به‌اینکه حتما باید اجاره بدهی یاندهی حق دولت نیست". این‌آقایان نمیپرسند که دهقانان چطور؟ آیا آنها را میشود اجبار و اکراه کنیم که اجاره و مزارعه‌بگیرند و آیا اینکه‌به دهقان بگوید همهٔ خواستها و حق ومبارزات تو و همهٔ وعده‌های‌من هیچ، حالا بیا واجاره بگیر یا مزارعه بگیر حق دولت هست؟ دراین گرهگاههاست که معلوم‌میشود هرکس باکیست و بناگاه نمایندهٔ محترم‌از موضع بزرگ‌مالکی سخن میگوید: ازموضع یکمشت غارتگر و فاسد. اما بنا بمحاسبهٔ آقای امامی کاشانی بی‌زمینها ۶۰۰ هزار خانوار و قریب به سه میلیون نفرند و کم‌زمینها یک میلیون وششصد هزارخانوار وقریب هشت میلیون جمعیت. پاسخ اینها را بایدداد. باید دیداینها چه "امکانی" دارند چه میگویند و چه حقی دارند وچرا انقلاب کرده‌اند و چرا از انقلاب حمایت میکنند. این نکتهٔ‌منفی، درقانون نهائی حذف شدنی‌است. درقانون شورای انقلاب هم که بتایید سه فقیه‌رسیده بود وجود نداشت.

۷- نکتهٔ منفی دیگر تعیین‌نکردن معنای **"مدیریت مستقیم و موثرمالک"** در اراضی دائر (مادهٔ ۴) است که مستمسک باقی ماندن دو برابر یا سه برابر عرف محل در دست او میشود. این نقص باید با دقت و به نحوی که هرکس ببهانه دادن بذر یا سوخت یا... خود را "مدیروموثر" جانزند مرتفع شود. اینگونه خدمات را دولت ویاتعاونی‌ها ازراه شوراهای ده میتوانند تامین کنند و سایهٔ نامبارک مالک را ازسردهقانان‌کم‌کنند. آئین‌نامهٔ اجرایی میتواند این نقص را که درواقع دستاویز حفظ بازماندگانی از بزرگ‌مالکان- اگرنه بزرگ مالکی- است مرتفع نماید. فراموش نکنیم که بزرگ مالکی تنها به‌صرف مالکیت، بختک جامعهٔ ما و سرطان اقتصاد روستایی ما نشده بلکه حضور و نفوذ فرهنگی وسنتی و سلطهٔ دیرینهٔ سیاسی وخانوادگی ونیروی عادت و بلدبودن راه وچاه وبندو بست درشهر و غیره ازمنابع سیادت اوست. ادامهٔ حضور او حتی با دو یا سه برابرعرف محل در ده‌زمینه‌ای خواهدشد تا جوانب مهمی ازسیطره سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیک و سنتی بزرگ مالکی و شیوهٔ زندگی و ارتباطات ماقبل انقلاب باقی‌بماند.

۸- بند یک از مادهٔ ۹ مربوط به **"اولویت‌ها درمورد اراضی"** چنانست که درصورت استحاله دستگاه اجرایی یا نفوذ لیبرالها و غلبه طرفداران بزرگ مالکان و طاغوتیان برآن بکلی اراضی دایر را از شمول قانون‌خارج کند. زیرا زمینهای بند "د" وطبق توضیح اضافی رئیس کمیسیون‌زمینهای دایر وبایر، "ج" و "د" هردو را هنگامی این بند مشمول واگذاری میکند که زمینهای بند الف و ب کافی برای متقاضیان نباشد. "کافی"؟ به چه معنا؟ همه کویر و بیابانها هم موات‌اند و "کافی" برای صدها میلیون متقاضی! از آنجا که حل مسئلهٔ بزرگ مالکی درزمینهای‌موضوع بند "ج" و "د" نهفته است، چنین انحرافی میتواند مسئله‌ساز گردد واز عوامل اصلی مثله‌شدن و نیم‌بندشدن بشمارآید.

اولویت واقعی انقلابی، بنظرما، دراجرای قانون با بندهای "ج" و "د" است. اگرچنین تصریحی در طرح قانون نشده لااقل حذف آنگونه تعیین اولویت و درجه‌بندی‌هامیتواند به انسجام و ثمربخشی وهدفمندی قانون کمک کند و مانع کارهیئتها نشود و بخصوص دست عمال بزرگ مالکان را دراشکالتراشی وبهانه‌سازی ببندد.

۹- مادهٔ ۱۰ مقررمیدارد که زمین ابتدا بمدت ۵ سال و درصورت عملکرد مطلوب بطوردائم دراختیار کشاورز باقی‌میماند موقت بودن وعدم قطعیت درکار دهقان و امرکشاورزی عنصری بسیارمنفی است. دادن سندو رسمیت دادن به انتقال و صورت "محضری" وحقوقی دادن به آن **وقطعیت بخشیدن به‌اصلاحات ارضی** یک نکته اساسی است. این نکته را باید از آغاز و به طورقطع درمورد اخذ زمین از مالکان‌بزرگ، بترتیبی درقانون و آئیننامه اجرایی آن گنجانید. بطوربی‌بازگشت و درهرصورتی، زمین گرفته شده از مالک بزرگ دیگرپس داده نخواهد شد و این باید درسندی قید ودر قانون تصریح گردد. این یکطرف قضیه. طرف دیگر مربوط به دهقان است. توجه قانونگزار به این که بدون قید وشرط و بدون کار روی زمین، -بدون تقویت مشاع، بدون "عملکرد مطلوب" زمین بدهقانان واگذار نشود و دهقان گیرندهٔ زمین بداند که باید از این حق استفاده کامل درجهت سود خودوخانواده خود و جامعه خودبکند، توجه‌کاملا درستی است. این ماده همچنین نظارت وتوجه دائمی دولت رانیز بیان و ایجاب میکند. اما دهقان بایدبداند که زمین قطعا و مسلما و دائما، با سند ومد رک، از آن اوست منتهی موظف است بنحو مطلوب روی آن درمشاع و تعاونی خود عمل‌کند وگرنه پس گرفته خواهدشد. پس سندیت دادن و قطعیت بخشیدن اصل است. اگرچه شرایطی میتواند آنرا زایل کند. بنابراین درشور دوم این ماده راکه دارای جنبه‌های مثبت بسیارقوی استو درضمن دارای ابهاماتی است باید تدقیق کرد وبسوی کمال برد.

۱۰- قسمت اخیر مقدمه فصل دوم طرح مبهم است. مقصود از اینکه "اجرای طرح مدت ۵ سال ضروری تشخیص داده شد" چیست؟ اگربعلت آنست که عناوین ثانویه و مورد تشخیص "ضرورت" بایددر مهلت معین و محدود و زمان‌مشخص باشد باید این نکته روشن گردد. واضح است که هرگز نمیتوان قبول کرد و حتی تصور کرد که قانون را برای مدت پنجسال اجراکنیم و زمینها را به دهقانان بدهیم وبعد بازبرگردیم به همان جای اول‌یعنی سرهمین جایی که حالا هستیم باهمه ضرورتها و تنگناها و حرجهایش. جواب دهقانان راچه میدهید؟ هر قدرهم چنین مطلبی غیرقابل‌تصور و غیرعملی باشد ولی بشکل مبهم کنونی میتواند مانع از قانونیت بخشیدن قطعی وبدون بازگشت اصل صاحب زمین‌شدن دهقانان و اصل نابودی بزرگ مالکی شود. تمام مطالب ونکات مقدمه که ازنکات قوی ومثبت طرح است حکم میکندکه‌اجرای قانون میتواند احتمالا مثلا پنج سال یا بسی کمتر طول بکشد ولی آثار و نتایج آن دائمی و قطعی بایدباشد. اهمیت قطعی‌شدن واگذاری را بنحوی آقای سلامتی وزیرکشاورزی درجلسهٔ ۱۱ اسفند مجلس چنین بیان‌داشت: "اینطورنمیتواند پایدار باشد. قطعا اگر به این شکل پیش برویم تولیددر واحد سطح کاهش پیدامیکند چرا که ممکنست احساس عدم‌امنیت شغلی کنند".

۱۱- مسئله **"منبع و ممردرآمد** دیگر" که موضوع تعریف شمارهٔ ۱۶ از فصل اول طرح قانون است تنها مربوط میشود به بزرگ مالکان (در مادهٔ ۱۴ اراضی بند "د") تعریف نیاز به دقت بیشتری دارد زیرامی‌گوید ممردرآمد باید "نیاز این خانواده را درخور شئونات آنها برطرف کند" کدام شئونات؟ معیار شئونات خانوادهٔ بزرگ مالک کدامست؟ عبارت شئونات میتواند موجب سوءاستفاده مستکبرین شود بخصوص که عمال لیبرال منش آنها دردستگاه دولتی همچنان‌نفوذدارند باید. ذکرشود "درخور شئونات یک زندگی عادی وسالم و شایسته خانواده‌ای درجمهوری اسلامی‌ایران" چنین عبارتی هرگاه درموردهقانان و "ممر درآمد آنها" و "شئونات" آنها نیز بکار رود درست است.

۱۲- از تمام روح قانون و نحوهٔ تنظیم مواد و تبصره‌ها (وهمچنین از تصریح این نکته که زارع باید بهای ماشین‌آلات دریافتی رابدهد) و ازسوابق امرکاملا واضح است که واگذاری زمین **رایگان** است. ولی این معنا هیچ جا تصریح نشده وکلمه رایگان یا مجانی یا بدون بها بکار برده نشده. این سهو ممکنست اشکالاتی ایجاد کند بنابراین تصریح آن دربند ۲ ماده ۹ ضرورت دارد.

۱۳- بند یک مادهٔ ۵ مقررمیدارد که بهای تاسیسات وماشین آلات کشاورزی که از مالک بزرگ گرفته میشود توسط دهقانان پرداخته‌شود. درتشریح شفاهی این بند درمجلس صحبت از اقساط ۸ تا ۱۰ ساله‌شده است که اول بصورت وام ازجانب دولت بدهقانان داده میشود تا نقدا به مالک بزرگ تقدیم گردد و سپس باقساط از دهقانان گرفته‌شود. دهقانانیکه براثر جور و ستم همان مالکان آه ندارند که با ناله سودا کنند چگونه میتوانند بازهم اقساط هشت - ده ساله ماشین آلات بپردازند. اگر دولت قادر نیست این‌پول را که درواقع تمرکز کارقبلی خود این دهقانان است بپردازد چگونه میتوان انتظارداشت دهقانان ازعهدهٔ آن برآیند.

علیرغم این نکات منفی که گاه بسیارجدی و نگران کننده هستند، اساس برداشت طرح قانونی ونکات مثبت موجود امکان میدهد که امیدوارباشیم بتوان این نقاط ضعف راتا حدود زیادی برطرف کرد. درجریان بحثهای روی کلیات، نمایندگان موافق، همهٔ، به این مسئله‌اشاره‌ای داشتند. یکی‌گفت: "مابه بسیاری از مواردش اعتراض هم داریم ولی به کلیات آن رای میدهیم". دیگری گفت: "ولو اینکه نواقصی درآن‌هست باید نواقص راحل کرد". دیگری‌گفت "باید الان این را قبول‌کرد و درشور دوم باید دراصلاح بنیادی آن‌کوشید" دیگری گفت: "دریک سری‌جزئیات ممکن است موافق‌نباشیم ولی در کلیات آن موافق هستیم".

اینک که کلیات طرح تصویب‌شده امیدمیرود و باید مبارزه کرد تا در کمیسیون کشاورزی وطی بحثهای شور دوم اکثریت مجلس بتواند همه کارشکنی‌ها و بهانه‌تراشی‌های روحانی نمایان ومخالفان اصلاحات‌ارضی بنیادی را کلا نقش برآب کنند وطرح را ازهمه کاستی‌ها و ابهامات ونواقص ونقاط منفی جدی آن پاک کنند وطرح انقلابی‌شایسته، یکدست و منسجمی را تهیه و تصویب کنند.

ما در این بررسی مقدماتی برخی از مهم‌ترین نکات منفی طرح را ذکر کردیم با این امید که بطورسازنده در تکمیل و تنقیح طرح موثر افتد، بااین امید که درشکل نهایی خود وپس از تصویب درشور دوم، قانون‌اصلاحات ارضی واقعا بنیادی باشد نه نیم‌بند ومثله‌شده، واقعا قاطع باشد نه‌ذبح شرعی‌شده یا کلاه لیبرالی برسر، واقعا کاربر باشد نه لولوی سرخرمن. واقعا درخط امام باشد نه مطابق میل وعاظ السالطین و ایادی بزرگ مالکان، واقعا به تحکیم جمهوری اسلامی ایران و استقلال وعدم‌وابستگی آن و خودکفایی مقدورکمک کند نه آنکه پایگاه داخلی‌امپریالیسم را دردرون جمهوری حفظ کند، واقعا منجر به‌ازبین بردن محرومیتها و ظلمها و بیعدالتی‌های قرون گردد و نه آنکه آنهمه‌امیدهای پرشورعدالت خواهانه دهقانان زحمتکش را برباد دهد.

طرح قانونی کنونی بعنوان گام اول مثبت میتواند اساس چنین قانونی باشد. ضرورت حیاتی‌دارد که سنگ اول کج نهاده نشود، ضربه متوجه اساس مالکیت بزرگ ارضی باشد و هدف، زمیندار کردن انبوه عظیم‌دهقانان تهی‌دست. اماسنگ‌های بعدی راهم باید درست نهاد. ساروج و سمنت آن باید مستحکم و عاری از عناصرناپاک و غیرمتجانس باشد. باید کاربدست معماران متعهد و انقلابی سپرده شود که دیوار را به کج نبرند و تحت‌تاثیر بزرگ‌مالکان قرارنگیرند و انقلاب و مستضعفان را ازیاد نبرند، یعنی بدست نهادهای اجرایی که انقلابی و مردمی ودرخط امام و درخدمت مستضعفان باقی بمانند وازجانب همهٔ مسئولان‌دولتی و نهادها وارگانها بطور کامل‌حمایت شوند.

هیئتهای‌هفت‌نفری، ترکیب و عملکردآنها، پیوندآنان با دهقانان و اعتماد دهقانان به آنان وجود چنین نهادی راگواهی‌می‌دهد. انقلاب‌ما توان آنرا داردکه دراین عرصه پیروز شود، علیرغم آنکه‌می‌دانیم نبردهای جدی‌وهماوردی‌های‌سهمگین در پیش است.

اسرائیل در...

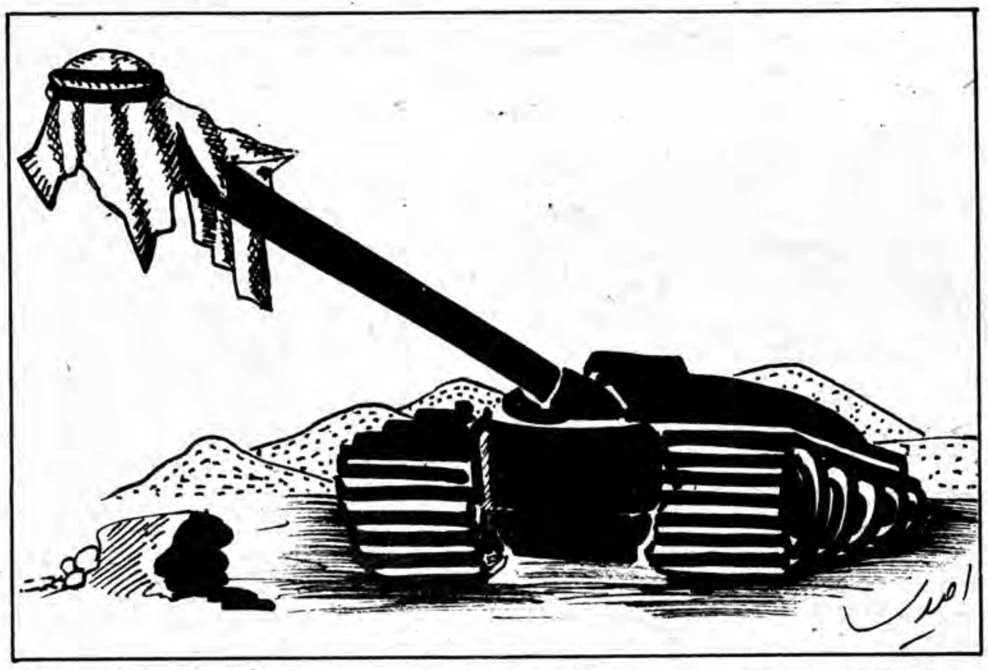
بقیه از صفحه ۱۶

آغاز سفر رسمی خود به الجزایراعلام داشت:

"خلق عربی فلسطین ازپیکار در راه دستیابی به حقوق ملی حقهٔ خود، ازجمله حق تعیین سرنوشت خویش و تشکیل کشوری مستقل، دست برنخواهد داشت".

قدومی پس از اشاره به ادامهٔ تنش‌فزایی اسرائیل درجنوب لبنان گفت، که "لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها عزم قاطع دارند، که دربرابر هرگونه تجاوز مقاومت ورزند".

تفسیر وقایع مهم جهان



در راه صلح و خلع سلاح

مسئله مبارزه در راه حفظ و پایداری صلح و خلع سلاح امروز به یکی از مهمترین مسائل جهانی تبدیل شده که با سرنوشت و مقدرات همهٔ خلق‌ها و همه کشورهای جهان پیوند دارد. حل نهائی این مسئله در سطح جهانی با آزادی و استقلال و سعادت و بهروزی همهٔ خلق‌های جهان در هر کشور و قاره ارتباط تنگاتنگ دارد. در صورتیکه نیروهای صلح طلب جهان نتوانند مسابقه تسلیحاتی بویژه سلاح‌های هسته‌ای را مهار کنند، و محافل جنگجو و نظامیگرای امپریالیستی موفق به اجرای برنامه‌های تشدید مسابقهٔ تسلیحاتی خود شوند، و جهان را به ورطهٔ فاجعه جنگ هسته‌ای بکشانند، دیگر نه تنها مبارزات رهائی بخش و استقلال طلبانهٔ خلق‌ها بی محتوا و موضوع خواهد بود، بلکه مسئلهٔ وجود یا عدم وجود کشورها و خلق‌های کامل و کل تمدن و آیندهٔ بشریت مطرح خواهد بود. و به همین علت است که مبارزه در راه آزادی و استقلال ملی و مبارزه علیه امپریالیسم با مبارزهٔ خلق‌ها در راه صلح و پایان بخشیدن به مسابقهٔ تسلیحاتی و قطع تولید سلاح موشکی و هسته‌ای و نابودی ذخائر موجود آن، باهم در پیوند هستند. در کار زار این مبارزهٔ سرنوشت ساز برای بشریت، دو جبههٔ مشخص را میتوان مشاهده نمود:

جبههٔ امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا که در تمام مناطق جهان دشمن استقلال ملی، آزادی و پیشرفت اجتماعی خلق‌هاست و به بیرحمانه‌ترین شیوه‌های براندازی و مداخله نظامی علیه رژیم‌های انقلابی و مردمی دست می‌یازد، در عین حال عامل اصلی تشنج‌فزائی در سطح جهان، تشدید مسابقه تسلیحاتی و تدارکات پرشتاب جنگ جهانی و کشانیدن بشریت به ورطه دهشتناک فاجعه هسته‌ایست.

جبهه دیگر، جبهه نیروهائی است که طرفدار صلح و تنشزدائی، طرفدار قطع مسابقهٔ تسلیحاتی و پایان بخشیدن به تولید سلاح هسته‌ای و سرانجام نابودی این سلاح در کلیهٔ زرادخانه‌های کشورهای جهان هستند. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و کلیه نیروهای ترقیخواه و صلح طلب جهان این جبهه را تشکیل میدهند. این جبهه در عین حال از مبارزات انقلابی و رهائی بخش خلق‌ها بخاطر آزادی و استقلال و از کشورهای مستقل ملی و رژیم های انقلابی در راه دفاع از استقلال پشتیبانی می‌کنند و در مبارزه علیه توطئه‌های امپریالیستی مداخله نظامی و فشار و محاصرهٔ اقتصادی به این خلق‌ها و کشورها یاری میرسانند.

تفاوت ماهوی سیاست این دو جبهه جهانی را میتوان در اقدامات و فعالیت‌های مشخص آنان در مسائل صلح و جنگ مشاهده نمود.

دولت آمریکا پس از تصویب برنامهٔ تولید سلاح نوترونی و استقرار این سلاح و موشک های هسته‌ای در سرزمین کشورهای اروپائی عضو پیمان ناتو، که موجب جنبش عظیم اعتراضی خلق‌های اروپا گردید. با بی اعتنائی به افکار عمومی محافل اجتماعی جهان، همچنان راه خطرناک تنش‌فزائی و مسابقه تسلیحاتی را ادامه میدهد. در ژانویه سال جاری (میلادی) کاخ سفید برنامهٔ گسترش تولید سلاح شیمیائی و بیولوژیکی را تصویب نمود. درسال ۱۹۷۸ دولت آمریکا صد و یازده میلیون دلار برای تولید سلاح شیمیائی تخصیص داده بود که درسال ۱۹۸۱ این مبلغ را به ۲۶۲ میلیون دلار و در سال جاری با تصویب برنامه جدید به ۴۵۵ میلیون دلار رسانده است. طبق گزارش روزنامه آمریکائی نیویورک تایمز در سال ۱۹۸۳ مبلغ ۸۱۰ میلیون دلار و در سال ۱۹۸۴ مبلغ یک میلیارد و چهارصد میلیون دلار از جانب دولت آمریکا برای هزینه‌های تولید سلاح شیمیائی و بیولوژیک منظور شده است. به دنبال تصمیم کاخ سفید در مورد تولید سلاح شیمیائی وزارت دفاع آمریکا، پس از بررسی مسئله مجهز کردن موشکهای کروز با کلاهک‌های شیمیائی پیشنهاد کرده است که این نوع موشکها با برد هزار و پانصد میل در خاک اروپای غربی استقرار داده شود.

در برابر این برنامه‌های خطرناک و فاجعه انگیز دولت آمریکا، دولت اتحاد شوروی پیشنهاد می‌کند که آماده است درباره امتناع اکید طرفین از استقرار سلاحهای هسته‌ای میان برد، در خاک اروپا توافق حاصل شود. و در صورتیکه طرف مقابل موافقت کند آماده است که کلیه سلاحهای هسته‌ای دو طرف در اروپا برچیده شوند و اروپا به منطقه آزاد از سلاح هسته‌ای تبدیل شود. اتحاد شوروی اظهار آمادگی کرده است که حتی حاضر است در صورت آغاز مذاکرات برای چنین توافقی، به طور یک جانبه بخشی از سلاحهای میان برد خود در منطقه اروپائی اتحاد شوروی را تقلیل دهد. لئونید برژنف رهبر اتحاد شوروی در پاسخ به پیام گروهی از نویسندگان ژاپن که در راه قطع مسابقه تسلیحاتی و منع سلاح هسته‌ای مبارزه می‌کنند، خاطرنشان کرده است که دور جدید مسابقه تسلیحاتی بویژه سلاح هسته‌ای که دولت آمریکا آغاز کرده برای بشریت خطر جدی در بر دارد. این گروه از نویسندگان ژاپن پیامهائی به سران دولت اتحاد شوروی و ایالات متحدهٔ آمریکا ارسال داشته و در آن پیام خواستار اتخاذ تدابیر جدی و عملی برای پایان دادن به مسابقهٔ تسلیحاتی شده‌اند. لئونید برژنف در پاسخ به این پیام تاکید نموده است که اتحاد شوروی آماده است هرگونه کوشش و اقدام عملی را جهت جلوگیری از گسترش مسابقه تسلیحاتی به عمل آورد. اتحاد شوروی حاضر است که مذاکرات مربوط به قطع تولید انواع سلاح هسته‌ای و نابودی کامل تمام ذخائر این سلاح را بلادرنگ آغاز کند.

کشورهای رشد یابنده و مسئله روابط اقتصادی جهانی

مسائل همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی و روابط اقتصادی جهانی برای کشورهای رشد یابنده با مبارزه این کشورها در راه استحکام مبانی استقلال اقتصادی پیوند دارد. کشورهای رشد یابنده که تا چندی پیش یعنی پیش از کسب استقلال و رهائی از زیر سلطهٔ استعماری و وابستگی به کشورهای سرمایه داری و دول امپریالیستی زائدهٔ اقتصاد جهان سرمایه‌داری را تشکیل میدادند، امروز بخاطر استحکام مبانی استقلال سیاسی و بازگشت ناپذیری آن، در راه کسب استقلال اقتصادی و پایان بخشیدن به وابستگی‌های اقتصادی خود به جهان سرمایه‌داری مبارزه میکنند.

نظام کهنه روابط اقتصادی جهان که از جانب انحصارات امپریالیستی به این کشور ها تحمیل شده بود، امروز به مانع بزرگی در راه رشد مستقلانه صنعتی و اقتصادی این کشورها تبدیل شده است و به همین علت است که کشورهای نواستقلال و جنبش کشورهای غیر متعهد، مدتها است که مسئلهٔ تغییر بنیادی در نظام روابط اقتصادی جهان را مطرح ساخته و خواستار استقرار نظام عادلانه و برابر حقوق مبتنی بر سود متقابل در روابط بازرگانی و اقتصادی خود با جهان سرمایه‌داری هستند. نظام اقتصادی کهنه در همکاری‌های بازرگانی و اقتصادی میان کشورهای رشدیابنده با کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، در واقع اهرمی است در دست انحصارات غارتگر امپریالیستی که همواره به سود این انحصارات و به زیان کشورهای نواستقلال به کار گرفته میشود. به وسیله همین اهرم کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته با سوءاستفاده از نیازهای مبرم کشورهای نواستقلال به تکنولوژی پیشرفته و کالاهای صنعتی، قیمت‌های سرسام آور کالاهای وارداتی به این کشورها و نازل ترین قیمت‌های خرید مواد خام و کالاهای سنتی صادراتی از این کشورها را تحمیل میکنند. و از همین راه بیشتر ین سنگینی بار پدیده‌های بحرانی اقتصاد جهان سرمایه‌داری، مانند بیکاری، تورم و رکود تولیدی را به کشورهای نواستقلال منتقل ساخته و اقتصاد این کشورها را دچار نابسامانی و ورشکستگی مینماید و بدین طریق وابستگی اقتصادی این کشورها را به سیستم اقتصاد و بازار جهان سرمایه‌داری حفظ کرده و در تشدید این وابستگی‌ها میکوشند.

کنفرانس ۴۴ کشور از قاره‌های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین که در هفتهٔ گذشته در دهلی نو پایتخت هند برگزار گردید، به همین مسئله روابط اقتصادی جهانی کشورهای رشد یابنده و نظام اقتصادی بین‌المللی تخصیص داده شده بود.

نمایندگان کشورهای رشد یابنده در جریان کار این کنفرانس پی‌آمدهای زیانبار و مخرب سیاست نواستعماری امپریالیسم جهانی را در اقتصاد کشورهای نواستقلال خاطرنشان کردند و خواستار پایان دادن به این سیاست و استقرار نظام نوین در روابط اقتصادی بین‌المللی شدند. در اغلب سخنرانی‌های نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده در این کنفرانس خاطرنشان شده است که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برخلاف جهان سرمایه‌داری غرب، از خواست کشورهای رشدیابنده درباره استقرار نظام نوین در روابط اقتصادی جهان حمایت میکنند و در روابط اقتصادی و بازرگانی خود با کشورهای نواستقلال از اصول برابر ی حقوق، سود متقابل و احترام به حق حاکمیت و استقلال این کشورها پیروی میکنند. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در روابط بازرگانی و همکاری‌های اقتصادی با کشورهای رشدیابنده منافع استقلال اقتصادی این کشورها را درنظر میگیرند و در پایه‌گذاری صنایع ملی، دستیابی به تکنولوژی امروزین و پرورش کادرهای ملی متخصص به این کشورها یاری میرسانند نمونه های این همکاری‌ها را در کلیه کشورهای نو استقلال در قاره‌های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین که با کمک‌های فنی و اقتصادی و همکاری‌های کارشناسان اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، صدها واحد صنعتی بزرگ و تاسیسات تولیدی و فرهنگی و آموزشی احداث گردیده میتوان مشاهده نمود.

تدارکات نظامی آمریکا در منطقه همچنان ادامه دارد

امپریالیسم آمریکا با هزینه‌ای معادل با چهار میلیارد دلار پایگاه‌های نظامی خود را در خاک سودان تاسیس میکند. طبق گزارش هفته‌نامه لبنانی "المصر" میان رژیم سودان و دولت آمریکا قرارداد محرمانه‌ای درباره تاسیس سه پایگاه نظامی آمریکا درخاک این کشور منعقد شده است. یکی از این پایگاه‌های نظامی دریائی و هوائی در شمال شهر بندری پورت سودان، پایگاه دیگر در غرب سودان، و پایگاه سوم که پایگاه هوائی و ارتباطاتی است در ناحیه جنوبی تاسیس خواهد شد. در عین حال دولت ریگان به رژیم سودان وعده داده است که کمک‌های نظامی خود را از ۱۰۰ میلیون دلار به ۲۰۰ میلیون دلار افزایش خواهد داد.

ادریس الصبری وزیر کشور مراکش در پایان دیدارش از بغداد که هفته گذشته انجام گرفت وارد ریاض پایتخت عربستان سعودی شد. وزیر کشور مراکش در جریان دیدار از عربستان سعودی قرارداد درباره‌ٔ همکاری امنیت داخلی میان عربستان و مراکش منعقد نمود. بدین ترتیب رژیم مراکش نیز با کشورهای "شورای همکاری خلیج" (فارس) هم پیمان میشود. از سوی دیگر طبق گزارش خبرگزاری تاس از واشنگتن، وزارت دفاع آمریکا کمک نظامی جدیدی معادل ۲۰۰ میلیون دلار در اختیار تونس میگذارد. هواپیماهای جنگنده (اف‌ـ۵)، (اف‌ـ۵ـاف) و قطعات یدکی و دیگر تجهیزات جنگی از جمله این کمک های نظامی است که به تونس داده خواهد شد. سال گذشته ۵۴ دستگاه تانک (ام‌ـ۶۵) به ارزش ۹۲ میلیون دلار طبق برنامه کمک‌های نظامی آمریکا به تونس به این کشور تحویل شده است. ارسال جنگ افزار و تجهیزات نظامی آمریکا به تونس از جمله مواد قراردادی است که به موجب آن ارتش تونس طی پنجسال بوسیلهٔ وزارت جنگ آمریکا بازسازی و تجدید سلاح خواهد شد.

عملیات تحریک آمیز و تجاوز نظامی اسرائیل در جنوب لبنان همچنان ادامه دارد شورای امنیت سازمان ملل متحد باتوجه به پیامدهای خطرناک این اقدامات تجاوزگرانه اسرائیل اوضاع این منطقه را که روز به روز رو به وخامت میگذارد مورد بررسی قرار داد. به موجب گزارش‌های رسیده از بیروت دولت صهیونیستی اسرائیل یکان‌های بزرگی از نیروهای مسلح خود را به مناطق مرزی جنوب لبنان منتقل نموده و تدارکات گسترده‌ای برای حمله به خاک این کشور می‌بیند. به گفتهٔ مقامات رسمی اسرائیل احتمال میرود که ارتش اسرائیل به مواضع رزمندگان فلسطین در جنوب لبنان حمله کند و درگیری مسلحانه گسترده‌ای را در این منطقه بوجود آورد. این عملیات تجاوزی و تدارکات جنگی دولت صهیونیستی اسرائیل دامنه تجاوزات خود در این منطقه را گسترش می‌دهد، دولت ریگان برای فریب افکار عمومی فرستاده ویژه خود فیلیپ حبیب را به عنوان "سفیر صلح" به این منطقه اعزام میدارد. درواقع سیاست آمریکا نسبت به اقدامات تجاوزکارانه اسرائیل و از جمله اعزام فرستاده ویژه به این منطقه نه در جهت جلوگیری از تجاوز و کمک به حل بحران خطرناک این منطقه بلکه در جهت تشویق و ترغیب دولت صهیونیستی اسرائیل به ادامه تجاوزکاری و حمایت و پشتیبانی از آنست.

اقیانوس هند و تدارکات جنگی آمریکا در این منطقه

روز دوشنبه اول مارس (دهم اسفند) اجلاس کمیته ویژه سازمان ملل متحد مربوط به منطقه اقیانوس هند گشایش یافت. این کمیته ده سال پیش به منظور یافتن راه تحقق پیشنهاد سازمان ملل متحد برای اعلام منطقهٔ اقیانوس هند به عنوان منطقهٔ صلح و امنیت تشکیل یافت. کشورهای مستقل ملی این منطقه، جنبش غیرمتعهدها، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی که خود از مبتکرین ارائهٔ چنین پیشنهادی هستند، با اعلام این منطقه به منطقهٔ صلح و امنیت موافقت دارند و همواره در راه تحقق یافتن این پیشنهاد کوشش میورزند. اکثریت شرکت کنندگان در اجلاس کنونی کمیتهٔ ویژه سازمان ملل متحد مربوط به اقیانوس هند ضمن اصرار براجرای این پیشنهاد، توجه کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد و محافل اجتماعی جهان را به این مطلب جلب کردند، که توطئه‌ها و تدارکات جنگی گسترده امپریالیسم امریکا و هم پیمان‌های آن در بلوک نظامی، صلح و امنیت این منطقه پهناور جهان را با خطری جدی روبرو کرده است. اکنون ناو گروه‌های بزرگ ایالات متحد آمریکا از جمله ناوهای هواپیما بر آمریکا در آبهای اقیانوس هند و مجاور آن استقرار دارند. طی سه سال اخیر شمار ناوهای جنگی آمریکا در اقیانوس هند سه برابر شده است. ۶۰ ناو جنگی آمریکا و کشورهای عضو پیمان ناتو در آبهای این اقیانوس در رفت و آمدند.

طبق گزارش روزنامه هندی "هندوستان تایمز" دولت امریکا در پنج سال آینده ۵ میلیارد دلار جهت اجرای برنامه نظامی کردن کامل این منطقه هزینه صرف خواهد کرد. وجود پایگاه‌ها ی نظامی و حضور دائمی ناوگان جنگی آمریکا در این منطقه صلح و امنیت همهٔ خلق‌ها و کشورهای این منطقه را با خطری جدی تهدید میکند و به همین علت است که کشورهای مستقل ملی منطقه در کلیه مجامع بین‌المللی و از آنجمله سازمان ملل متحد، مسئله غیر نظامی کردن منطقه اقیانوس هند و تبدیل آن به منطقه صلح را مطرح کرده و مصرانه خواستار عملی شدن این پیشنهاد هستند.

مجلس شورای اسلامی درهفته‌ای که‌گذشت:

طرح قانون اصلاحات ارضی با رای مثبت اکثریت نمایندگان مجلس به تصویب رسید

* ابهامات طرح اصلاحات ارضی در شور دوم باید برطرف گردد.
* نمایندهٔ تاکستان: ماکه‌ادعای پیروی خط‌امام را داریم، باید بیش از همه به‌قانون احترام بگذاریم. قانون‌شکنی پذیرفته‌نیست.
* نزدیکی (شیوخ‌خلیج فارس) به آمریکا، دوری از مردم است.
* آمریکا باید از منطقه خاورمیانه خارج‌شود.

مجلس‌شورای‌اسلامی هفته‌گذشته، یکی ازپربارترین هفته‌های فعالیت‌خود راپشت‌سرگذاشت. در این‌جلسات که‌به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی تشکیل شد، طرح‌قانون‌اصلاحات‌ارضی به تصویب‌رسید ونمایندگان مجلس خواستار پی‌ریزی صنعت ملی، انجام اصلاحات بنیادی به‌نفع توده‌های زحمتکش و مقابله با بی‌قانونی‌ها شدند.

دراولین‌جلسه علنی مجلس شورای‌اسلامی درهفتهٔ‌گذشته که روز ۹ اسفند، تشکیل شد، ابتدا قهرمان رحمانی‌نمایندهٔ مردم‌تاکستان به‌عنوان ناطق پیش ازدستور سخن‌گفت. وی‌ضمن اشاره به آغاز چهارمین سال پیروزی انقلاب "چهارمین‌سال مبارزهٔ همه جانبه وجهانی با استکبارجهانی به سرکردگی آمریکا"، گفت: انقلاب‌اسلامی درطول‌این‌مدت مراحل‌خطرناکی را با شیطان‌بزرگ طی‌کرده وسرانجام خط اصیل خودرا تثبیت‌کرده‌است. نماینده مردم‌تاکستان آنگاه با تاکید براینکه تثبیت انقلاب موجب شدیدتر شدن توطئه‌های آمریکا می‌شود، خاطر نشان ساخت: امپریالیسم‌آمریکا ومزدوران خارجی‌اش برای مقابله‌باانقلاب‌طوفان زای‌اسلام قصد محاصره انقلاب مارا کرده‌اند که‌محاصرهٔ اقتصادی،سیاسی و تبلیغاتی از آن جمله‌است

وی سپس افزود: "جمهوری‌اسلامی ایران‌ازتمامی دولت‌های‌منطقه‌وبه ظاهر اسلامی‌خواسته که اگر واقعا اسلامی هستید با اتحاد خود در وهلد اول به مقابله‌با امریکا برخیزید و همان‌سلاح نفت راکه دراختیارتان هست‌بکارگیرید وازاین‌طریق‌امریکای‌جنایتکار را به زانو درآورید. عربستان‌را که‌نفت‌سرشارش قسمت‌اعظم مخازن امریکا را پرکرده و چرخ‌صنایع‌استعماری را می‌چرخاند، وادار به‌قطع نفت‌کنید. اگر شما اسلامی هستید چرا اینکار را نمی‌کنید. جواب این‌چراها را باید این‌رژیم‌های به‌ظاهر اسلامی به‌مردمشان‌بدهند."

ناطق دربخش‌دیگری از سخنان خودضمن‌اشاره‌به تذکر رئیس مجلس به دولت درخصوص اجرای‌مصوبات‌مجلس ازتاخیر دولت دراین‌مورد انتقاد کردو چنین‌گفت: "به‌صلاح دولت جمهوری اسلامی ایران‌نیست‌که‌دراجرای‌مصوبات مجلس تاخیر کند. مردم مسلمان و مستضعف ایران از قوانین سابق سخت درفشارند. تاکی‌باید در انتظار اجرای این‌قوانین جدید باشند. در زمان بنی‌صدر خائن، عذر دولت موجه بود ولی الان دولت چه‌عذری برای اجرا نکردن مصوبات مجلس دارد."

احترام به قانون

نمایندهٔ مردم تاکستان آنگاه خطاب به همه‌ادارات وسازمان‌های دولتی ونهادهای‌انقلابی درخصوص اجرای صحیح قانون تذکر دا دو ضمن اشاره به تاکید **امام‌خمینی**، وزیر کشور و دیگرمقامات‌بلندپایه جمهوری اسلامی ایران دراجرای قانون‌گفت: "ما هم که ادعای پیروی خط‌امام راداریم باید بیش‌از همه به‌امام ومقامات بلندپایه مملکت وقانون احترام‌بگذاریم ومطابق آن‌هاعمل‌کنیم و لواینکه‌در بعضی‌موارد به‌ضرر شما و ماباشد. باید به قانون گردن‌نهیم. از شما پذیرفته‌نیست که قانون‌شکنی کنیدوخلاف قانون عمل کنید - ". وی سپس افزود: "این‌به‌این معنی‌است‌که‌شمابی‌نظمی می‌کنید وبی‌نظمی را دراجتماع توسعه‌میدهیدوبی‌نظمی درجمهوری‌اسلامی‌گناه‌بزرگی‌است.

دومین‌ناطق پیش‌ازدستور این جلسه‌حسن بازقندی نمایندهٔ‌درود وازنا بود که‌ضمن‌سخنانی بااشاره به توطئه‌های آمریکاعلیه انقلاب ایران، گفت: اگر دشمن می‌توانست از طریق ترور، محاصرهٔ اقتصادی، تهمت وافترا و نقشه‌های‌خائنانه پیروز شود، دست به این‌کارنمی‌زد."

وی سپس گفت: "مجلس تا کنون آن‌لوایح چشمگیر، آن‌لوایحی که‌مردم را ازسرگردانی درآورد فکر می کنم تصویب نکرده ومهم‌ترین واساسی‌ترین مشکلات‌مردم، مخصوصا روستائیان مسئله کشاورزی و زمین کشاورزی‌است ... اگر به‌همین منوال باشد باز اگروام کشاورزی‌است به‌همان مستکبران وسرشناسان‌میرسد. اگر امتیازاست، باز به آن‌ها می‌رسد، اگراداره‌ای است، باز متاسفانه در ادارات کاغذبازی وپارتی‌بازی‌هست، بازآنها بر سرهمین‌محرومین وبرسرهمین‌به‌قول امام‌ولی‌نعمتان ما دارند می‌تازند... لوایح‌اساسی رابه مجلس‌آورید ومردم راازسرگردانی‌بیرون آورید. مردم‌ازاین‌مسئله‌زمین رنج‌می‌برند‌چون می‌بینند که هنوز که هنوز است‌زمینداران‌بزرگ‌خون‌آنهارا می‌مکند"

درپایان این‌جلسه چند لایحه به تصویب رسید.

زمینداران بزرگ مخالفان جمهوری اسلامی

در دومین جلسه علنی مجلس شورای‌اسلامی که‌روز ۱۱ اسفند‌تشکیل شد ابتداعزت‌الله‌دهقان نمایندهٔ‌مردم تربت‌جام طی سخنانی با اشاره به حکم اخیر **امام‌خمینی** درمورد واگذاری حق تشخیص‌ضرورت به مجلس‌شورای‌اسلامی، تاکیدکردکه: "یکی‌از مصادیق بارز این مقال یعنی تشخیص توسط مجلس‌واعمال ولایت‌ازطرف‌امام، لایحه‌اصلاحات‌ارضی است." ناطق افزود: "آیا پس از ثبوت ادلهٔ نامحدود این‌ضرورت ازقبیل‌عدم خودکفائی‌کشاورزی، تورم، بیکاری، فقر روستائیان سوءاستفاده ملاکین‌عمده و بکارانداختن سرمایه‌های کلان‌علیه‌کیان اسلام وجمهوری‌اسلامی مانندتهیه‌خانه‌های‌تیمی، خرید اسلحه و در اختیار منافقین‌قراردادن، گرداندن‌رادیوی صدای‌ایران وصدای بختیار وغیره‌کوچک ترین‌ابهامی در ضرورت اجرای این‌طرح (اصلاحات‌ارضی) باقی می‌گذارد؟"

کاظم‌اکرمی نماینده‌بهار و کبوتر آهنگ، نیز ضمن سخنان پیش از دستور خود، بااشاره به‌توطئه‌هاو مانورهای آمریکا درمناطق مختلف جهان، گفت: "اگرسیاست های‌ریگان‌ادامه‌پیداکند... ویتنامی به‌وسعت‌خاورمیانه‌بوجودخواهد آمد وآمریکا هر روزمنزوی‌تر خواهد شد؟"

ناطق سپس افزود: "هرچه شیوخ خلیج (فارس) به‌آمریکانزدیک‌ترشوندآز مردم‌دورتر شده‌اند وبه‌مرگ خودشان نزدیک، این‌یک فرمول شده‌است"

نماینده کبوتر آهنگ در ادامهٔ سخنان خود از بازرسی کل‌کشورخواست تاپای صحبت مردم بنشیند، زیرامردم احساس‌میکنند دربعضی‌جاهارابطه به جای ضابطه نشسته‌است" وی سپس به مسئله‌گزینش و وضع امورتر بیتی در آموزش‌وپرورش پرداخت و گفت: مسئلهٔ اساسی این‌است‌که‌آیا کسانی‌که به‌گزینش می‌پردازندویابعضی‌ازبرادران‌وخواهران که‌به‌عنوان امور تربیتی درمدارس درکل مملکت مشغول‌اند، چقدر در مسائل تربیتی، مسائل اخلاقی‌وبرخورد با معلمین طاغوت‌زده، موفق اند؟ بعضی ازبرادران که درگزینش دخالت‌دارندو درامورتربیتی، به‌جای حذب معلمین و محصلین به‌اسلام بسیاری ازآن ها را دفع می‌کنند."

پس از پایان سخنان پیش‌ازدستور طرح‌اصلاحات‌ارضی‌توسط‌حجت‌الاسلام فاضل‌هرندی رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس مطرح‌گردیدونخست‌آقا رحیمی سخن‌گفت. وی‌ازجمله‌اظهار داشت: "آیا اصلا دراسلام این‌مالک‌های بزرگی که امروزبه‌عنوان‌مالک شمرده‌میشوند، مالکیت‌های‌اسلامی دارندیانه؟ ناطق سپس ضمن تاکیدبراینکه‌این‌لایحه اولین‌گام مثبت درجهت‌اجرای مفاد قانون‌اساسی‌است، موادی‌ازاین‌لایحه راکه‌برای‌زمینداران‌بزرگ‌امکان طفره رفتن ازاجرای‌قانون رافراهم می‌آورد، مورد‌انتقاد قرار داد.

آنگاه‌شجاعیان درموافقت با این طرح‌گفت: "آیازمین‌هائی که دست فئودالهاست حاصل‌رنج خودشان است یانه؟ با این‌طرح‌ما‌میتوانیم حداقل‌ظلم وستمی که‌برگرده توده‌کشاورز رفته جبران‌کنیم و دست‌ستمگران را کوتاه کنیم و زمین‌هائی که حق خودشان‌است به‌آن‌ها بدهیم. ضرورت دیگر برای اجرای این‌قانون رفع استثمار و از بین بردن‌آن‌است.

موافقت با اصل طرح اصلاحات ارضی

حجت‌الاسلام مجتهد شبستری‌نیز که‌درموافقت بااین طرح‌سخن گفت، از جمله اظهار داشت: ابهامات زیادی در این‌طرح‌است که در شور دوم بایداصلاح شود... صحیح‌این‌است‌که به‌اصل‌لایحه رای‌داده‌شود وابهامات را که زیادهست رفع‌کنیم ... برای اصل ۴۹هم درهمین قانون باید فکری بکنیم."

پس از سخنان مجتبی میرجعفری به‌عنوان‌مخالف، کاظم‌نوروزی، بعنوان موافق در مقام پاسخگوئی به‌ناطق‌قبلی گفت: "ایشان‌فرمودند اگر زمین‌ها در روستاهاتقسیم شود کارگر برای بیل‌زدن روزی ۱۲۰تومان هم پیدانمیشود، خوب ماهم‌همین رامی‌گوئیم، که‌اگر آن آقائی که در روستا زمین‌دارد، بیل نمی زند، درونمی‌کند، شخم نمی‌کند، این چه جور کشاورزی‌است؟ واصولا‌چرا زمین‌دردست اوباید باشد؟ وچرادیگران‌که‌خون‌ایشان ازآن‌ها سرخ‌ترنیست برای اوبیل‌بزنند و محصول‌را ایشان‌ببرد؟ اگر فرزند دارد خوب‌آن‌هابرایش کارمی‌کنند واگر فرزند ندار دوخودش هم‌نمی‌تواند کارکند چطور این زمین را از اول دراختیار خودش گرفته. معلوم‌است‌که بازد وبندهائی‌که‌داشتند، زمین‌راغصب‌کرده‌بودند.

ناطق افزود: "الان دنیا ناظر به این‌است‌که ما که‌ازبین محرومین آمده‌ایم برای‌محرومین‌چه‌می‌خواهیم‌بکنیم. آیا واقعا‌یک موضعی را اتخاذمی‌کنیم که محرومین که وارث اصلی‌انقلابند والان دارندخون‌می‌دهند ودرهمین درگیری اخیر آمل‌که‌وحشی‌های جنگلی به شهر حمله‌ورشده‌بودند، اکثرکسانی که ازمابه شهادت‌رسیدند ازمحرومین وروستائیان بوند، حالا ماتاکی‌بنشینیم وببینیم‌آنها (زمینداران‌بزرگ) از درآمد ومحصول و دسترنج روستائیان به وحوش جنگل‌کمک کنند، به‌سلطنت‌طلبان پول‌برسانند. اما این‌هائی که‌دارند برای انقلاب جان و مال‌میدهند چیزی درکیسهٔ‌آن‌هانیست.

وی درخاتمه ضمن‌تاکید برلزوم تصویب این‌طرح تصریح‌کردکه "البته‌مابه‌بسیاری ازمواردش اعتراض‌داریم" دراین‌جلسه همچنین حجج‌اسلام محلاتی، یزدی و ملازاده به‌عنوان‌مخالف وامامی‌کاشانی وموسوی تبریزی‌بعنوان‌موافق‌سخن‌گفتند درپایان رای‌گیری بعمل آمد و کلیات لایحهٔ اصلاحات‌ارضی با اکثریت قاطع آراء نمایندگان به‌تصویب رسید.

در جلسهٔ علنی روز ۱۳اسفند، طاهری نمایندهٔ‌ایذه‌ضمن‌سخنانی‌تاکید کردکه "آمریکا باید بداند که عمرش به سرآمده وباید از منطقه خاورمیانه‌خارج شود." حسین‌کمالی‌نمایندهٔ تهران دومین ناطق این‌جلسه‌نیز، ضمن‌اشاره به‌پیروزی‌های جمهوری‌اسلامی‌ایران‌در سه‌سال گذشته واشاره به‌لزوم کسب استقلال اقتصادی، گفت: مامی بایست صنعت ملی خودرا از پایه به شکل‌ملی‌و خودکفاپی‌ریزی کنیم. ناطق سپس به طرح‌مسئله "امنیت‌سرمایه" درجامعه پرداخت‌وآن را" شعار کشورهای کاپیتالیستی" خواند. ناطق‌در پایان تاکیدکرد که‌سرمایه‌گذاری‌های‌تولیدی نباید "مبنای‌کارشان بر استثمار باشد" باید "درجهت‌صنعت‌ملی ونه‌صنعت وابسته سرمایه‌گذاری شود."

درپایان‌این‌جلسه آئین‌نامهٔ‌داخلی مجلس مطرح‌گردید و چند ماده از آن به تصویب رسید.

بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد استقلال غنا (۱۵ اسفند/ ۶ مارس)

غنا در آغاز راهی دشوار

جری رائولینگز، رئیس "شورای موقت دفاع ملی" غنا در چند ین سخنرانی رادیوئی مردم‌کشورش را فراخواند، تا در دگرگون سازیهای دمکراتیک کنونی شرکت‌فعال‌جویندو از رهبری‌جدید‌پشتیبانی‌کنند. "کنگرهٔ سندیکائی غنا" نیزفراخوانی‌همانند خطاب به غنائی‌ها منتشرساخت. در این‌فراخوان از مردم غناخواسته‌شد، که آرامش‌راحفظ کنندوبسرکارخود بروند.

"شورای‌موقت‌دفاع‌ملی" روز ۱۰ دی ۱۳۶۰ (۳۱ دسامبر ۱۹۸۱) پس‌از کودتائی برهبری ستوان‌خلبان جری راتولینگز زمام‌امور را بدست گرفت، دولت‌هیلالیمان راسرنگون‌ساخت، پارلمان غنا را منحل‌کرد، احزاب سیاسی راممنوع اعلام داشت و قانون اساسی رابه تعلیق درآورد.

راتولینگز در نخستین پیام رادیوئی خودخاطرنشان ساخت، که نابسامانی‌اقتصادی کشورنظامیان رابه برداشتن این گام وادار کرد. جری لینگزاعلام داشت، که‌غنا به‌تعهدات خود در "سازمان‌ملل‌متحد"، "سازمان وحدت‌آفریقا" و "جنبش غیرمتعهدها" وفادار خواهدماند وبه‌همکاری با همهٔ کشورها ادامه خواهد داد.

جری راتولینگز نخستین‌بار در ۱۴ خرداد ۱۳۵۸ (۴ ژوئن ۱۹۷۹) در پیامدکودتائی دولت‌ژنرال‌آکوفو را سرنگون ساخت ودر راس "شورای انقلابی نیروهای‌مسلح "قدرت را به دست گرفت. درآن‌هنگام نیزانگیزهٔ کودتا "رهائی‌غنا ازفلاکت‌اقتصادی‌و فساد "اعلام‌گردید. اما دوماه بعد "شورای‌انقلابی "کناره‌گرفت‌و زمام‌امور را به‌لیمان‌سپرد. درهمان‌روز (۲مهر ۱۳۵۸ / ۴ ژوئن ۱۹۷۹)، جری راتولینگز هشدار داد:

"چنانچه‌حکمرانان ازمقام خود برای‌پیشبرد منافع خویش بهره‌جویند، با‌مقاومت خلق روبروخواهندگردید و مقام‌آنها از ایشان‌گرفته خواهدشد".

دربهاره ۱۳۶۰ (اواخر مه ۱۹۸۱)، جری‌راتولینگز، که بر اثر اعمال‌فشار محافل بورژوائی غنا از ارتش اخراج‌گردیده‌بود، تحولات‌غنارا "خیانت به‌روح‌انقلاب ۴ ژوئن (۱۴ خرداد) "خواند.

در دوران پیش از کودتای اخیر تضادهای جامعه غنا روزبروزعمیق‌تر می‌شدودولت‌لیمان، که‌خودزیرشعار مبارزه‌بافساد‌به‌حکومت رسیده‌بود، از هرگونه‌کوششی در راه‌چیرگی‌بر دشوارای

– های کشور خود داری می‌ورزید. فزون براین، ستیزه‌های‌داخلی‌هرچند یکبار به "ترمیم "کابینه می‌انجامید.

لیمان، که همراه با سه تن‌از محافظان خود قصد گریختن‌به‌خارج را داشت، چندروزپس ازسرنگونی دولت خویش، دستگیرشد. یکی از نخستین گامهای "شورای‌موقت‌دفاع‌ملی" نظارت بردادوستدهای‌پولی‌بود.

اکنون‌این جمهوری آفریقای باختری با شرایط‌اقتصادی جانکاهی روبروست. تولیدکشاورزی‌غنا، که ۶۰% مردم‌این‌کشور درآن‌اشتغال دارند، سالهاست، که روبه‌کاهش است. برای نمونه، محصول کاکائو – مهمترین

فرآورده صادراتی غنا – از ۵۵۶ هزار تن در سال ۱۹۶۵ به ۲۸۰هزارتن در سال ۱۹۸۰ تقلیل‌یافت. انتظارمی‌رود، که‌تامین‌خودکفائی غنادرزمینه‌خواربار هنوز‌سالها طول‌بکشد. فزون‌براین‌باید ازرکود تولید، ازجمله در رشته‌ها ی استخراجی، چون‌طلا، الماس وبوکسیت تورم سرسام‌آور (درحدود ۶۰%در سال ۱۹۸۱) وبیکاری فزاینده‌سخن‌گفت.

بگفته‌راتولینگز، که‌رژیم‌لیمان رایکی ازننگ‌آورترین‌حکومت‌های غنا خوانده‌است:

"مردم‌غنا ازهمه‌حقوق‌بشری و بنیادی خود، بویژه‌ازحق‌بهره‌گیری‌از محصول‌کارخویش محروم شده‌اند... دمکراسی تنهاتضمین آزادیهای مجرد بر روی کاغذ نیست، بلکه‌در درجهٔ نخست بمعنای تامین‌خوراک، پوشاک و مسکن‌است، که‌بدون آنها زندگی‌مفهوم خود را از دست می‌دهد".

راتولینگز بحق‌می‌گوید:

"وقت‌آن فرارسیده‌است‌که‌جامعه غنادگرگون‌وبدینسان‌به‌دمکراسی (در غنا) معنای راستین‌آن‌بازگردانده‌شود.

استراتژی امپریالیسم آمریکا:

بازگشت به رویاروئی

● محافل امپریالیستی آمریکا فکر می‌کنند که می‌توانند با عودت به "جنگ سرد" امپراطوری جهانی خود را نجات دهند و جنبشهای انقلابی و رهائی بخش را با شکست روبرو سازند.

● ما در دورانی از مبارزات اجتماعی ـ تاریخی زندگی می‌کنیم که به احساس حداکثر مسئولیت انسانی و ایرانی نیازمند و موظفیم.

آنچه که اکنون در دوران مضطرب ما می‌گذرد، عبارتست از تلاش خشن و خشمناک امپریالیسم آمریکا برای از میان بردن همه‌گونه آثار تشنج‌زدائی و بازگشت به دوران رویاروئی با جبههٔ صلح و دمکراسی و سوسیالیسم و بازی بر لبهٔ پرتگاه جنگ.

کابینه **ریگان** می‌خواهد نتایج کنفرانس هلسینکی را به هیچ و پوچ بدل کند، در این امید که به کمک تجدید فضای "جنگ سرد" در جهان، میتواند برای خود به چند نتیجه "عالی" برسد:

۱ـ حریف سوسیالیستی خود را به تشدید تسلیحات وادارد و از بهبود وضع اقتصادی مردم در کشورهای سوسیالیستی جلوگیری کند و نظامات آنها را به اصطلاح خود "پوک سازد" و بسوی فروپاشی خود بخودی ببرد.

۲ـ متحدان اروپای غربی و ژاپونی خود را، که "فضول شده‌اند" و در بازار جهانی با وی رقابت می‌ورزند و دلارش را دچار وضع دشواری کرده‌اند، تحت عنوان "تشدید خطر شوروی"، "برتری تسلیحاتی شوروی"، بترساند و به آغوش "پرمهر" "آقائی دلار (!)" بازگرداند و عهد طلائی "جان فاستر دالس" ورهبری آمریکا بر "جهان آزاد!" را تامین کند.

۳ـ جنبشهای رهائی بخش، استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی "جهان سوم" (و از آنجمله انقلاب اسلامی ایران) را خفه کند و این کشور ها را دوباره به زیر چکمه دلار بازگرداند.

۴ـ وضع اقتصادی بحران آمیز خود را، که دچار بیکاری (تاقریب ۱۰ میلیون)، رکود، تورم دورقمی و "بحران اعتماد "سیاسی ـ اجتماعی" است، در پرتو غارت جهان، و از آن جمله متحدان خود، بهبود بخشد و بهانه "منطقی" برای بالابردن هزینهٔ تسلیحاتی تا یک تریلیون و نیم دلار! پیدا کند و تنگی بازار جهانی را با گسترش بازار تسلیحاتی به حساب مالیات ده آمریکائی جبران نماید.

این حسابها در پایه استراتژی کنونی دولت **ریگان** است، که آنرا مرکز استراتژیک **"دانشگاه جرج تائون"** تنظیم کرده است و در پشت سر این سیاست محافل نفت، اسلحه، صهیونیستهای جهانی، **"مافیا"** (شرکتهای قاچاق اسلحه، مواد مخدر، وسایل عیش ونوش و غیره) قرار دارند. پلیدترین، ضد انسانی‌ترین، فاشیست مآب ترین، ماجراجوترین محافل سرمایه داری بزرگ پشتوانه این سیاست جانورانه هستند.

"عقابهای" جنگ طلب هیئت حاکمه آمریکا مانند **ریگان**، **بوش** (معاون رئیس جمهور) **هیگ** (وزیر امور خارجه) **واین برگر** (وزیر دفاع)، **میس** (مشاور ریگان)، **کیسی** (رئیس سیا)، نمایندگان عمده اجراء این سیاستند.

اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی و همه کشورهای مستقل و غیر متعهد مخالف امپریالیسم و از آن جمله جمهوری اسلامی ایران، در مقابل این سیاست ددمنشانه امپریالیسم، سیاست: صلح، خلع سلاح، تشنج‌زدائی، منع سلاح اتمی، ازمیان بردن پایگاه نظامی، حل مسائل مورد اختلاف در پس میز مذاکرات را نهاده‌اند.

واقعیت‌های جهانی از موقع آمدن **رنالد ریگان** بر سرکار تا امروز چه نشان داد؟

گسترش **"نیروی واکنش سریع"** تا مرز سیصد هزار نفر، عملیات "**نور آبی**" در طبس، مانور "**ستاره درخشان**" در مصر و عمان، طرح "**تریپ وایر**"، تمرکز ناوگان نظامی آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند، حمله به هواپیماهای لیبی و کره دمکراتیک، حمله آفریقای جنوبی به آنگولا، ایجاد پایگاه در سومالی و مصر و عمان و سینا، تسلیح شدید رژیم نظامی پاکستان و رژیم نظامی ترکیه، کمک نظامی به عراق برای تقویت او در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران، تشدید فعالیت خرابکارانه علیه افغانستان، مداخلهٔ خشن در امور داخلی لهستان و اعلام تحریم اقتصادی اتحاد شوروی و لهستان، نقشه استقرار موشکهای میان ـ برد در اروپای غربی، ساختن بمب نوترونی، پیش کشیدن طرح فهد، فعالیت سعودیها علیه ایران و غیره، نمونه‌هائی از فعالیت تب آلود آمریکا است. هیگ رسما گفته است که او در ایران خواستار "**دولت معتدل طرفدار ارزشهای غربی**" است و در صورت پیدایش آشوب داخلی در ایران، آمریکا، "**به طرف مطلوب**" کمک خواهد کرد. کاملا صریح گفته شده است.

وضع کنونی و آتی کشور ما را در داخل این وضع بین‌المللی باید درک کرد.

آمریکا کلیه وسائل، از **مسخ انقلاب تا ایجاد شورش مسلح داخلی و تجزیه کشور را** برای امحاء انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در دست اجراء دارد و البته هرقدر که از هدفهای تجاوزکارانه وتوطئه‌های ضدانقلابی آمریکا علیه ایران غفلت شود و عمال مستور و درپردهٔ آنها موفق شوند، **دل آسودگی** ایجاد کنند، بهمان اندازه آمریکا بیشتر قادر خواهد شد کارخود را از پیش ببرد.

همه‌چیز حاکی از آنست که سال ۱۳۶۱، سال پرحادثه‌ای خواهد بود و کشور ما باید آمادگی و گوش بزنگی فراوانی نشان دهد.

هرگونه غفلتی نابخشودنی است

اکنون این سئوال مطرح می‌شود: آیا استراتژی جدید کاخ سفید، امپریالیسم را از سرنوشت تاریخی‌اش، که شکست حتمی است، نجات خواهد داد؟

به این سئوال می‌توان بطور قطع پاسخ منفی داد، ولی نباید تصور کرد که این پاسخ منفی، در صحنهٔ مشخص تاریخ جهان و کشورها، آسان تحقق می‌پذیرد. برای تحقق آن تلاش عظیم وپیگیری ضروراست.

امپریالیسم خطر انهدام خود را حس کرده و مانند کفتار زخم خورده، درنده‌تر و مهاجم‌تر شده است. لذا به خطرش نباید کم بهاء داد. وضع یاس ـ آور تاریخی نظام امپریالیستی او را دمبدم ماجراجوتر می‌سازد. خیانت عظیم رهبران چین او را در کارش تشویق می‌کند. لذا بشریت به یک نبرد پر خطر فراخوانده شده است و باید این نبرد را با توام کردن ابتکار، جسارت، قدرت صبر و شکیب، احتیاط، قاطعیت وسازش ناپذیری، تحریک نشدن، ذله نشدن و به ستوه نیامدن و حفظ عناد و گوش بزنگی انقلابی انجام دهد. نبرد نبرد بسیار مشکلی است. آیا چنین نیست؟

هرگز پیکار اجتماعی بسود حقیقت و عدالت مردمی تا این حد حساس، دقیق وپیچیده نبوده است.

بقیه در صفحه ۹

ورزش در هفته گذشته:

کمیتهٔ المپیک ایران پیشنهاد عربستان سعودی دربارهٔ بازیهای آسیائی را رد کرد

*** تیم ژیمناستیک جوانان کشور اسفند ماه جاری و تیم دوچرخه‌سواری فروردین ماه آینده در بازی‌های آسیائی درهند و تایلند شرکت می‌کنند**

ورزش در هفتهٔ گذشته در مقایسه با هفته‌های قبل که شاهد مسابقات ورزشی تماشائی و حساس بودیم، از تحرک کمتری برخوردار بود. با این‌وجود، در این هفته، خبر پیروزی تیم پرسپولیس در جام وحدت، دیدارهای تیم فوتبال جمهوری دمکراتیک خلق کره با تیم های ورزشی کشورمان ونیز اخباری در زمینهٔ تشکیل تیم ملی ژیمناستیک ونیز تدارک اعزام تیم دوچرخه‌سواران به تایلند حائز اهمیت بودند. در زیر نگاهی کوتاه به برخی از اخبار مهم ورزشی هفته گذشته داریم.

فوتبال

در این رشته، ابتدا باید از پیروزی درخشان تیم ایران در پاکستان و ورود پیروزمندانه آن به کشور سخن گفت. تیم منتخب ایران در جریان این سفر ورزشی با شایستگی فراوان به‌عنوان تیمی از جمهوری اسلامی ایران که نه تنها نمایندهٔ ورزش فوتبال ایران، بلکه بیانگر گوشه‌ای از شور عظیم ضدامپریالیستی مردم قهرمان مان بود، ظاهر شد و توانست جام را به کشورمان بیاورد. در جریان ورود این تیم، مردم ورزشدوست وانقلابی ایران به‌گرمی از آنان استقبال کردند. از سوی کمیتهٔ ملی المپیک ایران نیز میهمانی ناهاری به‌افتخار این قهرمانان برگزار شد.

هفتهٔ گذشته شادی دیگری نیز نصیب مردم کشور و فوتبال دوستان و علاقمندان به‌ورزش شد. و این شادی پیروزی در مسابقات جام وحدت و در نتیجه ماندن این جام در کشور بود. تیم پرسپولیس توانست در بازی نهائی الجزایر را یک بر صفر شکست دهد و مقام قهرمانی را به‌خود اختصاص دهد. این بازی از زیبائی، سرعت و تکنیک خوبی برخوردار بود. تیم الجزایر که در این جام بخوبی درخشید و چهرهٔ نیرومند و باتکنیکی از فوتبال الجزایر عرضه کرد، در مقابل بازی یکدست پرسپولیس که این بار علی پروین نیز درخدمت آن بود، راه بجائی نبرد و در پایان ۹۰ دقیقه تلاش جام را به پرسپولیس واگذار کرد. در این میان باید از تیم خوب وپرتلاش ملوان که با بازی‌های چشمگیر، نظر بسیاری را بخود معطوف کرد نیز نام ببریم. این تیم توانست با پیروزی ۳ـ۰ در مقابل ارتش سوریه مقام سوم را احراز کند.

درهفتهٔ گذشته همچنین بازی های تیم جمهوری دمکراتیک خلق کره با تیم های فوتبال چند شهرستان خبرساز بود. این تیم که منتخب جوانان یکی از ایالت‌های کشور جمهوری دمکراتیک خلق کره است در دیدار با تیم منتخب بوشهر در این شهرستان با نتیجه یک برصفر شکست خورد و مسابقهٔ بعدی خود با منتخب شیراز را با نتیجه مساوی صفرـ صفر به‌پایان برد.

بازیهای آسیایی

درهمین هفته اعلام شد، کمیته ملی المپیک ایران بشدت با پیشنهاد فهد ولیعهد عربستان سعودی در مورد حذف مسابقات گروهی از رقابت های بازی‌های آسیائی مخالفت کرده است. کمیته ملی المپیک ایران این پیشنهاد را موجب "ازبین رفتن تعاون" و نیز "استثمار جوانان ورزشکار آسیا" دانسته است. لازم به‌تذکر است که پیشنهاد فهد ولیعهد عربستان سعودی مبنی بر حذف بازی‌های گروهی از رقابت‌های بازی‌های آسیائی و صرفا" برگزاری رقابت‌های انفرادی در این بازی‌ها، در نامه‌ای خطاب به کمیتهٔ تشکیلاتی بازی‌های آسیائی هند عنوان شد و مخالفت کمیته ملی المپیک ایران با این پیشنهاد، توسط داودی سرپرست سازمان تربیت بدنی اعلام گشت.



صحنه‌ای از دیدار پرسپولیس ـ الجزایر؛ یک بازی خوب و پرهیجان، پیروزی ۱ـ۰ تیم پرسپولیس "جام وحدت" را نصیب ایران کرد.

ژیمناستیک

هفتهٔ گذشته مسابقات انتخابی ژیمناستیک جوانان کشور پس از ۲ روز رقابت ژیمناستهای جوان سراسر کشورمان پایان یافت ونفرات شرکت کننده در رشته‌های مختلف که در اسفند ماه جاری جهت شرکت در مسابقات جوانان آسیا به هندوستان اعزام می‌شوند، انتخاب شدند. در مجموع امتیازات انفرادی مجید ثقفی از قزوین باکسب ۳۸/۹۵ امتیاز به مقام اول رسید. نفرات دوم وسوم به ترتیب حسن میرقائمی از تهران با ۳۲/۳۵ امتیاز وناصر خضری از یزد با ۳۱/۱ امتیاز بودند.

دوچرخه‌سواری

درهفتهٔ گذشته اعلام شد که فدراسیون دوچرخه‌سواری کشور تصمیم دارد، گروهی از دوچرخه‌سواران زبده کشور را در اواخر فروردین سال آینده به مسابقات دوچرخه‌سواری قهرمانی آسیا که در روزهای ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱ فروردین ۶۱ در تایلند برگزار می‌شود، اعزام دارد. منوچهر روشن پور رئیس فدراسیون دوچرخه‌سواری در مصاحبه‌ای با نشریهٔ کیهان ورزشی در این ارتباط اعلام کرد، تعدادی حدود ۲۰ تن از زبده‌ترین دوچرخه‌سواران ایران که در مسابقات قهرمانی کشور (پیست جاده)، مسابقات دور شمال (بنام جمهوری اسلامی) و بالاخره مسابقات سالگرد انقلاب موفقیت‌هائی کسب کرده‌اند به‌اردوی تدارکاتی که از ۱۵ اسفند ماه جاری تشکیل میشود، فراخوانده می‌شوند و ازبین آنان حداکثر ۱۰ نفر انتخاب خواهند شد و در مسابقات قهرمانی آسیا در تایلند شرکت خواهند کرد. لازم به‌یادآوری است که تیم دوچرخه سواری ایران درطی بیست سال گذشته در رقابت‌های آسیائی به‌نتایج خوبی دست یافته است. درسال ۱۳۴۲ در مسابقات آسیائی در مالزی در چند رشته عنوان‌های دوم وسوم را به‌خود اختصاص دادند، دربازی‌های ۱۹۶۶ در بانکوک جمعا در ۲ رشته موفق به کسب مقام دوم شدند، درسال ۱۹۷۰ دربازی‌های آسیائی که مجددا! در بانکوک برگزار شد در یک رشته مقام دوم را احراز کردند و درسال ۱۹۷۴ درتهران عنوان دوم مسابقات را بدست آوردند و دررشتهٔ استقامت جاده توانستند تمام مدال‌های اول تا سوم را بخود اختصاص دهند. درسال ۱۹۷۶ نیز دوچرخه‌سواران ایران در بازی‌های آسیائی در فیلیپین حضوریافتند و در رشته تایم‌تریل مقام دوم را به خود اختصاص دادند. درسال ۱۹۷۸ یعنی زمانی که مصادف با اوج جنبش ضدامپریالیستی مردم ایران علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه ملعون بود، دوچرخه‌سواران ایران و نیز تمامی ورزشکاران ایرانی ترجیح دادند که درمسابقات آسیائی که در بانکوک برگزار میشد حضور نیابند. اکنون در آغاز چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب ایران دوچرخه‌سواران ایرانی خود را آماده می‌کنند تا در بازی‌های آسیائی امسال در تایلند شرکت کنند. موفقیت ورزشکاران ایرانی را آرزومندیم.

جشنواره ورزشی انقلاب در دزفول قهرمان

به مناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب شهر قهرمان و مقاوم دزفول نیز همپای تمامی شهرها وروستاهای کشورمان با برگزاری جشنواره ورزشی باشکوهی این ماه بزرگ را ارج نهاد. این مسابقات در رشته‌های فوتبال، دو صحرانوردی، دوچرخه‌سواری، وزنه‌برداری، والیبال، بسکتبال وتنیس روی‌میز برگزار شد. در رشته والیبال تیم پایگاه وحدتی دزفول، در بسکتبال تیم بنائی فرد و در فوتبال تیم حفاظت بیرونی به‌مقام اول دست یافت. در دو چرخه‌سواری، محمدحسین حیدری نسب از میان ۵۰ دوچرخه‌سوار اول شد. دوصحرانوردی در مسافت ۷ کیلومتر و باشرکت ۱۲۰ نفر ازباشگاه‌های دزفول تیم پرسپولیس با ۱۲ امتیاز به مقام قهرمانی رسید.

حقوق مردم محروم که عمری است مالکین و سرمایه داران بزرگ خورده اند به محرومین بازپس داده می شود

امام خمینی

بمناسبت "روز انقلاب" درجمهوری عربی سوریه (۱۷ اسفند ۱۳۴۱ - ۸ مارس ۱۹۶۳)

سوریه

پشتیبان صدیق انقلاب و جمهوری اسلامی

* عبدالحلیم خدام: "گسترش همکاری با اتحاد شوروی هسته اصلی سیاست خارجی سوریه را تشکیل می‌دهد.
* عبدالحلیم خدام: امپریالیسم امریکا تلاش دارد نظر اعراب را به‌سوی افغانستان منحرف سازد و بدین ترتیب کشورهای عربی را وادارد تا دشمن اصلی را نادیده گیرند.
* وزیران خارجه کشورهای "جبهه پایداری" هدف تبلیغات امپریالیسم پاشیدن بذر نفاق میان اعراب واتحاد شوروی است.



بمناسبت نخستین سالگرد امضای "پیمان دوستی وهمکاری" میان اتحاد شوروی وسوریه، پیام هائی میان رهبران دوکشور مبادله شد.

لئونید برژنف در پیام خود نوشت که:

"پیمان دوستی وهمکاری به‌عامل تقویت نیروهای میهن دوست عرب بدل گردیده است، که خواهان صلح عادلانه در خاورمیانه و مخالفت با سیاست بندوبست‌های جداگانه‌اند".

حافظ اسد درپیام خود "ضرورت اتحاد نیروهای سوسیالیستی وجنبش‌های آزادیبخش ملی را درمبارزه برای صلح‌وپیشرفت اجتماعی" یادآور گردید.

بهمین مناسبت عبدالحلیم خدام، درمصاحبه‌ای با روزنامه لبنانی "النهار"، خواستار تقویت اتحاد کشورهای عرب با اتحاد شوروی‌شد، "تابدینوسیله بتوان به‌مقابله موثر با نیروهای امپریالیستی وصهیونیستی پرداخت".

حافظ اسد در مصاحبه‌ای با سردبیر "رای‌العام"، که متن آن در "البعث" منتشرشد وترجمه آن نیز در اول دیماه ۶۰ در "اطلاعات" به چاپ رسید، درباره مناسبات میان اتحاد شوروی وسوریه خاطرنشان ساخت:

"درمورد اتحاد شوروی باید بگویم که، این‌کشور درکنار ماست و از ما از نظر تسلیحاتی حمایت خوبی میکند وگسترش روابط سوریه با اتحاد شوروی به‌نفع سوریه، اعراب و اتحاد شوروی است. ازدیدگاه ما (اتحاد) شوروی همچنان دوست نیرومندی درکنار هم‌پیمانان خود خواهد ماند وهمانگونه که تجربه جنگ اکتبر ثابت کرد ودیدیم که درجنگ مزبور در کنار سوریه‌و مصر قرارگرفت واسلحه ومهمات زیادی در اختیار آنها گذارد. بحث‌هاوگفتگو‌های ما با (اتحاد) شوروی در یک چارچوب دوستی واعتماد متقابل صورت می‌گیرد".

درباره "همکاری استراتژیک" اسرائیل وآمریکا ومقایسه آن با "پیمان دوستی وهمکاری" میان سوریه‌واتحاد شوروی، حافظ اسد گفت:

"پیمان ما با (اتحاد) شوروی صرفا یک پیمان دوستی است، که مضمون آن نیز واضح است. اما آنچه ایالات متحده واسرائیل در مورد آن به توافق رسیده‌اند و نام آنرا "همکاری استراتژیک" گذارده‌اند، درحقیقت پیمان دشمنی وتجاوز به‌امت عرب است ... دقیقا پیمان تجاوز در مورد آن صدق می‌کند".

* عبدالحلیم خدام: مسئلهٔ دفاع ازاسلام درفلسطین، قدس ولبنان مطرح است ونه درافغانستان.
* هنری کیسینجر: (من) استراتژی خودرا درقبال حل مسئله (خاورمیانه) برپایه خنثی سازی روابط اعراب و (اتحاد) شوروی قراردادم.
* حافظ الاسد: رژیم بغداد حق ندارد جنگی راکه علیه ایران شروع کرده، جنگ ملت عرب علیه فارس‌ها قلمداد کند.
* حافظ الاسد: وظیفهٔ ماست که از انقلاب اسلامی ایران حمایت کنیم.

و بالاخره عبدالحلیم خدام در سفرزمستان ۱۳۶۰ خود به‌اتحاد شوروی اظهار داشت:

"گسترش همکاری با اتحاد شوروی هستهٔ اصلی سیاست خارجی سوریه را تشکیل می‌دهد".

دولت سوریه‌ازآغاز به دام کارزار ضدافغانی امپریالیست‌های آمریکا و متحدان آنها، برتری‌جویان "پکن" و "مسلمانان" آمریکائی پاکستان، عربستان سعودی و غیره نیفتاد و در اینباره موضعی اصولی برگزید.

حافظ اسد، رئیس جمهوری عربی سوریه، درملاقات خود با شاه محمد دوست، وزیرخارجهٔ جمهوری دمکراتیک افغانستان، در دمشق، در اواخر فروردین ۱۳۵۹، توطئه های آمریکا راعلیه افغانستان بشدت محکوم کرد.

چندروزبعد، عبدالحلیم خدام، وزیرخارجه سوریه، در مصاحبه‌ای با روزنامه الجزایری "المجاهد"، گفت:

"امپریالیسم آمریکا تلاش دارد نظر اعراب را بسوی افغانستان منحرف سازد وبدین ترتیب کشورهای عربی را وادارد تا دشمن اصلی را نادیده بگیرند".

وزیران خارجه سوریه، جمهوری دمکراتیک خلق یمن، الجزایر ولیبی و نمایندگان "سازمان آزادیبخش فلسطین" در اوج کارزار ضدافغانی وضدایرانی ایالات متحده آمریکا، چین، پاکستان و کشورهای ارتجاعی عرب در به‌اصطلاح دفاع از "اسلام" و "مسلمانان" در افغانستان وایران، دربیانیه‌ای مشترک اظهار داشتند:

"هدف از جنجالی که امپریالیسم جهانی، بسرکردگی ایالات متحدهٔ آمریکا، دربارهٔ رویدادهای ایران وافغانستان بپاکرده‌است و رژیم های اسرائیل ومصر نیز به آن پیوسته‌اند، منحرف ساختن خلق‌های عرب ومسلمان ازپیکارعلیه خطراصلی، یعنی اشغالگری صهیونیستی، اخلال در همبستگی اعراب ومسلمانان، رهائی تبانی "کمپ دیوید" از بن بست وپاشیدن بذر نفاق میان اعراب ودوستان آنها، بویژه اتحاد شوروی ودیگر کشور های سوسیالیستی است".

عبدالحلیم خدام، معاون نخست وزیر و وزیرخارجه سوریه، درمصاحبه‌ای با روزنامه "السفیر"، گفت:

"مسئلهٔ دفاع از اسلام در فلسطین، قدس ولبنان مطرح‌است، که درآنها جنگ‌افزارهاوهواپیماهای ایالات متحدهٔ آمریکا مسلمانان را بهلاکت می‌رسانند، و نه در افغانستان. ایالات متحده می‌خواهد بخاطر پیشبرد استراتژی جهان‌شمول خود علیه اتحاد شوروی ازکشورهای اسلامی بهره جوید. چنانکه درانقلاب ایران دیدیم، محافل امپریالیستی ازیکسو کارزار گوشخراشی برای دفاع از اسلام براه‌می‌اندازند واز سوی‌دیگر به‌سرکوب مردم مسلمان دست می‌یازند".

برای درک بهتر واقعیات بالا،

ایران

قسمت آخر

یادآورمی‌شویم که هنری کیسینجر در سخنرانی‌که در سال ۱۹۷۵ در برابر گروهی‌از رهبران صهیونیست آمریکا ایراد کرد و متن آن چندماه پیش (از جمله در روزنامه‌های ایران) به چاپ رسید، گفته‌بود:

"(من) استراتژی خودرادر قبال حل‌مسئله (خاورمیانه) برپایه‌خنثی‌سازی روابط اعراب و (اتحاد) شوروی قرار دادم، چه‌درصورت تیره شدن روابط اعراب و (اتحاد) شوروی (می) بود، که‌می‌توانستیم بسوی‌صلح (البته‌ازنوع "کمپ دیوید" - "اتحاد مردم") درخاورمیانه‌گام برداریم".

* یوسف فیصل (معاون دبیرکل حزب کمونیست سوریه): هدف ازجنگ عراق علیه‌ایران مقابله با راستای‌ضدامپریالیستی وشکست انقلاب ایران است.
* ازاعلامیه‌نهائی رهبران اتحاد شوروی وسوریه پس ازامضای "پیمان دوستی وهمکاری":

"دولت‌های اتحاد شوروی وجمهوری عربی سوریه‌برای نقش‌تاریخی انقلاب شکوهمند ایران، که‌رژیم "شاهنشاهی" راسرنگون ساخت ومظالم امپریالیسم رادرکشورازمیان برداشت، ارزش بسزائی قائل هستند".

جستجو برای یافتن راه‌حل مسئله خاورنزدیک رکن‌اصلی سیاست خارجی سوریه‌است. همخوان با قطعنامه های سازمان‌ملل‌متحد، سوریه‌معتقداست‌که، راه‌حل عادلانه‌وپایدار این مسئله‌را باید تنها در خروج اسرائیل ازهمهٔ مناطقی که این‌کشور در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) به‌تصرف خود در آورد وتضمین حقوق حقه خلق فلسطین، ازجمله‌حق تشکیل کشوری‌مستقل، جستجوکرد. جمهوری عربی سوریه‌سیاست "راه‌حل" جداگانه امپریالیسم رامردود می‌شمرد وپیگیرانه در راه پاسداری ازحقوق ومنافع خلق‌های‌عرب‌گام برمی‌دارد.

احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی

"حزب کمونیست سوریه" ("الحزب الشیوعی السوری") در سال ۱۹۲۴ پایه‌گذاشته‌شد. این حزب به‌عنوان بخشی‌ازجنبش‌جهانی کمونیستی فعالانه‌علیه‌امپریالیسم وصهیونیسم و در راه پیشرفت اجتماعی‌وسوسیالیسم می‌رزمد "حزب کمونیست سوریه" در دولت‌و "جبههٔ مترقی ملی" همکاری سازنده دارد و در راه پیشبرد پیگیر هدفهای‌مترقی جمهوری‌عربی سوریه کوشش می‌ورزد. دبیرکل‌کمیتهٔ مرکزی "حزب‌کمونیست سوریه" "خالد بکتاش" است.

پنجمین‌کنگره "حزب‌کمونیست سوریه"، که‌درسال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) در دمشق‌برگزارگشت، همه‌احزاب "جبههٔ مترقی‌ملی" را فراخواند، تا نقش "جبهه" راتقویت بخشندواز آن هرچه بیشتربرای بسیج خلق سوریه‌درمبارزه علیه‌امپریالیسم وسرسپردگان آن در خاورمیانه‌استفاده جویند.

کمونیست‌های‌سوریه‌معتقدند‌که باید بخش دولتی را در اقتصاد‌ملی گسترش بخشید، اصلاحات‌ارضی را پیگیرانه جامه‌عمل‌پوشاند و از نفوذ کلان زمینداران در روستا کاست.

نمایندگان کنگره‌پنجم "حزب کمونیست‌سوریه" برای مبارزه در راه دگرگون‌سازیهای بنیادی و فعالیت سازمانهای توده‌ای اهمیت‌فراوان‌قائل شدندونتایج هفتمین‌کنگره‌منطقه ای "حزب سوسیالیستی عربی بعث" را مثبت‌ارزیابی کردند.

"حزب سوسیالیستی عربی بعث" ("حزب‌البعث‌العربی‌الاشتراکی")، این‌حزب در سال ۱۹۴۷ بعنوان "حزب نوزایش عربی" تاسیس‌شد، در سال ۱۹۵۰ با "حزب‌سوسیالیستی عربی" به‌وحدت رسید و به "حزب سوسیالیستی عربی بعث" تغییر نام یافت. حزب‌نامبرده درسال ۱۹۶۳ به قدرت رسید.

پس ازستیزه‌ای‌سخت‌میان‌نیرو‌های‌چپ‌و راست، سرانجام‌جناح چپ درسال ۱۹۶۶ پیروزشد. بیش از یازده سال است (ازسال ۱۹۷۰) که "حزب بعث" در "جبههٔ مترقی‌ملی" با دیگر نیروهای‌مترقی درائتلاف‌است. حافظ اسد دبیرکل‌این‌حزب‌است.

درمصوبات‌سیزدهمین "کنگرهٔ ملی" "حزب‌سوسیالیستی عربی بعث" (تابستان ۱۳۵۹ / ژوئیهٔ ۱۹۸۰) وظائف این‌حزب در دوران کنونی چنین‌تعیین شده‌است:

"۱- ادامه‌مقابله قاطعانه‌با باند‌های "اخوان‌المسلمین" ونابودی این‌سازمان‌ارتجاعی‌وجاسوسی، که از

بقیه‌درصفحه۹

مهمترین رویدادهای تاریخ سوریه

۶۴ تا ۳۹۵ قبل ازمیلاد - سوریه‌بخشی از امپراتوری‌روم‌است.
۱۹۱۶تا ۱۵۱۶- زیر سیادت ترکها.
۱۸۴۰تا ۱۸۳۱- بخشی‌ازسوریه زیرفرمانروائی‌مصراست.
۱۸۶۰/۶۱ - مداخله نظامی‌فرانسه دربیروت ؛آغازتبدیل‌سوریه به نیمه‌مستعمره‌فرانسه.
۱۹۱۶- قرارداد "سایکس - پیکو" میان بریتانیا و فرانسه سوریه را مستعمره فرانسه‌می‌سازد.
۱۹۲۰- "جامعه‌ملل" سوریه رابه‌قیمومت فرانسه‌می‌سپرد.
۱۹۲۴- وحدت‌محفل‌های‌کمونیستی‌وتاسیس "حزب‌کمونیست سوریه".
۱۹۲۷ تا ۱۹۲۵- جنگ‌بزرگ آزادی‌بخش خلق‌سوریه.
۱۹۴۰- سیادت‌رژیم‌وابسته به‌فاشیسم "ویشی" (فرانسه) بر سوریه، تاسیس "حزب‌بعث" (تاسیس رسمی: ۱۹۴۷)
۱۹۴۱- مبارزات مردم علیه‌رژیم وابسته به فاشیسم، اعلام صوری استقلال.
۱۹۴۴- فرانسه ازقیمومت خود دست برمی‌داردوحاکمیت رابه‌دولت سوریه‌بازمی‌گرداند.
۱۹۴۵- سوریه به‌آلمان‌فاشیستی‌اعلان‌جنگ‌می‌دهد: این‌کشور به عضویت "سازمان‌ملل متحد" و "جامعه‌عرب" درمی‌آید.
۱۹۴۶ (۱۷ آوریل)- خروج نیروهای‌فرانسه، "روزاستقلال".
۱۹۴۸/۴۹- شرکت درجنگ اعراب - اسرائیل.
۱۹۵۵- خودداری ازپیوستن به "پیمان‌بغداد" وشرکت درکنفرانس غیرمتعهدها در باندونگ.
۱۹۵۷/۵۸- ایالات‌متحده‌آمریکا و "ناتو" سوریه‌راتهدیدبه تجاوز می‌کنند.
۱۹۵۸- وحدت‌سوریه ومصردر "جمهوری‌متحدعرب".
۱۹۶۱- کناره‌گیری سوریه از "جمهوری‌متحده عرب".
۱۹۶۳ (۸مارس)- "حزب‌بعث" قدرت رابدست می‌گیرد ("روز انقلاب").
۱۹۶۶- اخراج راستگرایان از "حزب‌بعث"، اعلام سمتگیری سوسیالیستی، امضای‌پروتکل‌میان‌سوریه واتحاد شوروی‌درباره‌احداث "سد فرات".
۱۹۶۵ (۵ ژوئن) - تجاوز اسرائیل، اشغال "بلندیهای جولان" و بخش‌هایی ازاستانهای و قنیتره.
۱۹۷۰ (نوامبر)- احرازحکومت ازسوی‌حافظ الاسدوانتخاب او به ریاست‌دولت‌و "حزب بعث" ("جنبش اصلاح").
۱۹۷۱ - تشکیل "شورای‌عالی‌خلق" (۱۶ فوریه) و انتخاب حافظ الاسد به ریاست جمهوری.
۱۹۷۳ (۱۲مارس)- تصویب قانون‌اساسی‌جدید.
۱۹۷۴ (۳۱ مه)- قرارداد‌خروج‌نیروها از جبهه‌اسرائیل- سوریه.
۱۹۷۷- سوریه وبرخی‌دیگر از کشورها "جبههٔ پایداری" راپایه می‌گذارند.
۱۹۷۸ (۸ فوریه)- انتخاب‌دوباره حافظ الاسد به‌ریاست‌جمهوری.
۱۹۸۰ (۸ اکتبر) - امضای "پیمان‌دوستی‌وهمکاری" میان سوریه‌و اتحاد‌شوروی.
۱۹۸۱ (۲۹ نوامبر) بمب‌گذاری "اخوان‌المسلمین" در دمشق‌دست‌کم ۱۵۰ کشته و ۲۰۰ زخمی بجای می‌گذارد.
۱۹۸۱ (۱۴ دسامبر)- "الحاق" بلندیهای جولان ازسوی اسرائیل به خاک خود.

سوریه...

بقیه از صفحه ۸

پشتیبانی امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم های مرتجع عرب برخوردار می گردد؛

۲ــ ژرفش دگرگون سازیها ی سوسیالیستی در "جمهوری عربی سوریه" در راستای تقویت بخش سوسیالیستی، براندازی مناسبات استثمارگرانه تحکیم وگسترش تغییرات مترقی درهمه زمینه‌ها؛

۳ــ توسعهٔ دمکراسی مردمی، تحکیم همبستگی با مردم و سازمانهای خلقی؛ تقویت وگسترش "جبههٔ مترقی ملی" و افزایش کارآیی آن درجهت وحدت ملی کشوروشرکت دادن هر چه بیشتر تودهٔ مردم در همه گستره‌های زندگی اجتماعی".

دیگر احزاب سوریه عبارتنداز: "اتحادیه سوسیالیستی عرب" ("الاتحاد الاشتراکی العربی")، "سوسیالیستهای وحدت خواه" ("الوحدویون الاشتراکیون") و "جنبش سوسیالیستهای عرب" ("حرکة الاشتراکیین العرب").

پنج حزب نامبرده و "فدراسیون عمومی سندیکاهای کارگری جمهوری عربی سوریه" در "جبهه مترقی ملی" ("الجبهه الوطنیه تقدمیه")، برهبری حافظ الاسد، شرکت دارند.

بموجب منشور وآئین نامه "جبهه مترقی ملی"، مهم ترین وظایف این سازمان عبارتست از: تحکیم و گسترش پایگاه توده‌ای، اجتماعی و سیاسی حکومت؛ بررسی مسائل مربوط به صلح و جنگ؛ بحث درباره فعالیت‌های مشخص دولت، بویژه در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی.

بدینسان، "جبههٔ مترقی ملی" ازیکسو، ائتلافی است ازسازمانهای ملی وضدامپریالیستی و، ازسوی دیگر، بخشی ازقدرت حکومتی.

درآخرین انتخابات "شورای خلق" سوریه، "جبهه مترقی ملی" لیستی از ۱۹۵ نامزد مشترک خود را به مردم معرفی کرد، که ۱۴۴ تن آنها انتخاب شدند.

"فدراسیون عمومی سندیکا های کارگری جمهوری عربی سوریه" (Fédération Générale Des Synicats Des Travailleurs De La R. A. S.) ۲۱۰ هزار عضورا دربرمی گیرد و عضو "فدراسیون سندیکائی جهانی" و "کنفدراسیون بین المللی اتحادیه‌های کارگری عرب" است. دیگر سازمان‌های اجتماعی سوریه عبارتست از: "اتحادیه دهقانان"، "اتحادیه جوانان انقلاب سوریه" و "اتحادیه زنان".

نمونه‌هایی از همبستگی دولت، خلق و سازمانهای سوریه با انقلاب اسلامی ایران

سوریه نخستین کشورعربی بود که تجاوز دار و دسته صدام را به جمهوری اسلامی ایران علنا محکوم ساخت.

روزنامه "البعث" نوشت:

"هدف این جنگ بسیار روشن است: منحرف ساختن انظار از مبارزهٔ اصلی با اسرائیل ودادن بهانه به ایالات متحده ونیروهای صهیونیستی برای مداخله درمنطقه خلیج فارس، در عین برخورداری ازپشتیبانی رژیم ها ی ارتجاعی عرب".

حافظ الاسد، رئیس جمهور ی عربی سوریه، درسخنرانی در مراسم جشن فاغ التحصیلی گروهی ازچتربازان سوریه در پائیز ۱۳۵۹ گفت (به نقل از مطبوعات ایران):

"آنچه درحال حاضردر مرز های عراق وایران جریان دارد، خود یکی از توطئه هائیست که به هیچوجه به نفع آرمان ملت عرب نیست، زیرا یکطرف این جنگ ایران است ــ کشوری که در آن انقلاب اسلامی بوقوع پیوسته وازهرنظر خودرا ازمسائل ضدانسانی وضد بشری وبالاخره ضد عربی بدورساخته است. درایران پیش ازانقلاب رژیمی حکمفرما بودکه دشمن اعراب وهمکاراسرائیل بود وپایگاهی نظامی وسیاسی بسیارخطرناک دراین منطقه استراتژیکی بود، که با جدیت وکوشش بسیار درجهت احرای توطئه‌های امپریالیستی کارمی کرد. ولی اکنون بجای چنین رژیمی، انقلابی اسلامی وتحت شعاراسلام در ایران، به وقوع پیوسته، که توانسته است کلیهٔ امور سیاسی ونظامی واستراتژی رادرمنطقه از اساس واژگون سازد. آری انقلابی اسلامی درایران روی کارآمده، که تما م روابط خارجی خود را باامپریالیستها قطع کرد وپایگاه‌های نظامی بیگانگان را دراین کشور از میان برداشت و تمام روابط ایران زمان شاه رابارژیم اسرائیل ازبین برد و راه سرفرازی را ازهرجهت درپیش گرفت، سیاست روشن این انقلاب را درمورد قدس اعلام داشت و مسئله فلسطین وملت فلسطین را در دل انقلابی پرتپش خویش جای داد و شعار آزادی کامل شهربیت المقدس و فلسطین رابرافراشت و از دادن هر نوع کمک سیاسی ومعنوی ومادی دراین زمینه دریغ نکرد".

رئیس جمهورسوریه خاطر نشان ساخت:

"... حتی دشمنان ملت عرب و ملل تحت ستم دنیاوحتی خود رژیم اسرائیل بارها وبارها از انقلاب اسلامی ایران ابراز نگرانی کرده‌اند. رژیم اسرائیل آنچنان ازانقلاب اسلامی ایران بوحشت افتادکه بارهاازاربابش، یعنی آمریکا، گله کردکه، چرانمی تواند جلونفوذ و تاثیرانقلاب اسلامی ایران را، که منجر به پیروزی فلسطین می شود، بگیرد."

حافظ الاسد آنگاه مسئلهٔ جنگ تحمیلی عراق برایران رامورد بررسی قرار داد و گفت:

"رژیم بغداد حق ندارد جنگی را که علیه ایران شروع کرده، جنگ ملت عرب علیه فارس‌ها قلمدادکند، زیرا این جنگ، که برپایه هیچ معیار و اصول انسانی وبین المللی تکیه ندارد، جنگ ملت عرب نیست، بلکه توطئه و دغل بازی رژیم بغداد علیه همه اعراب است چنانکه علیه ملت ایران است".

رئیس جمهورسوریه تاکیدکرد:

"باتوجه به حقایقی که بازگوکردم ونیزباتوجه به حقیقت‌های دیگری که نمایانگر تدارک توطئه‌های درپشت پرده‌ای علیه آرمان ملت وامت اسلامی منطقه است، بعنوان یک وظیفه وجدانی وانسانی واسلامی وعربی وانقلابی، بار دیگر تاکید می کنم که، باید در پشت انقلاب اسلامی ایران باشیم و از آن حمایت کنیم، زیراکه حمایت و پشتیبانی از این انقلاب درحقیقت حمایت از تمام آرمانها ومقدسات ملی ومذهبی اعراب است ودشمنی باانقلاب اسلامی ایران، دشمنی باملت عرب، ملت فلسطین وبیت المقدس وخصومت و عداوت با تمام مبارزات ملل مبارز و زیرفشار استعمار و امپریالیسم جهانی است".

حافظ الاسد درپایان گفت:

"لازم می دانم ازسران رژیم بغداد سئوال کنم؛ چرا حکام کنونی بغداد، که خوداسناد ومدارک مربوط به قراردادهای سال ۱۹۷۵ الجزایررا امضا کردند، تازمانیکه رژیم سرسپردهٔ شاه خائن به آرمان اعراب درایران برسرکار بود، کوچکترین ادعائی نداشتندو حال پس ازپیروزی انقلاب اسلامی ایران یک باره تمام حقوق شان پایمال شده است؟ واگرهم اختلافی بود چرا بطورمحرمانه وخصوصی وحتی من باب دوستی با هیچ یک ازبرداران عرب مطرح نکردند تا این اختلافات از راه مذاکره و وساطت حل شود؟ که البته پاسخ به این چراها را همه ملت سوریه وامت اسلامی وملت عراق و ملل مبارز جهان می دانند و به همین جهات است که سوریه وظیفهٔ خود میداند ازانقلاب اسلامی ایران حمایت کند".

حافظ اسد، درمصاحبه‌ای دیگر با سردبیر "رای العام"، که متن آن در "البعث" منتشرشدوترجمه آن نیزدراول دیماه ۶۰ در "اطلاعات" بچاپ رسید، دوباره درباره جنگ تجاوزکارانهٔ رژیم عراق علیه ایران اظهارنظرکردوی گفت:

"این جنگ ارتش عربی رادرعراق از دست ماگرفت ونیروی عظیم انقلاب ایران راضعیف کرد ــ انقلابی که ازلحظهٔ نخست اعلام کرد، مسئله "قدس" مسئلهٔ اوست ودرنتیجه باهمه امکانات خوددر کنار اعراب برای آزادی "قدس" خواهد ایستاد".

یوسف فیصل، معاون دبیر کل "حزب کمونیست سوریه"، درسخنرانی خود در "کنفرانس علمی بین المللی" پائیز ۱۳۵۹ (اکتبر ۱۹۸۰) برلین گفت:

"روشن است که ایالات متحدهٔ آمریکا را درپس جنگی بایدجست که رژیم عراق علیه انقلاب ایران برافروخت و هدف آن مقابله با راستای ضدامپریالیستی وشکست انقلاب ایران است. انگیزه جنگ نامبرده این بودکه حضورنظامی امپریالیسم آمریکا (درمنطقه) گسترش یابدو وحدت وهمبستگی اعراب نابود گردد. هدف همچنین آنست که انظار از خطر اصلی، یعنی تلاش سلطه جویانهٔ ایالات متحدهٔ آمریکاوخودداری اسرائیل ازترک مناطق اشغالی عرب، منحرف شود. وسرانجام منظورنابودی توان خلق های دوکشور است".

چند روز پس از آغاز جنگ تحمیلی دارو دسته صدام حسین علیه ایران، فاروق شرعیه، وزیرمشاوردر امور خارجی سوریه، گفت:

"نبایدگذاشت ایران بعد از انقلاب دوباره بدست افرادی بی قید، که به آرمان اعراب ومسلمانان لطمه زده‌اند، بیفتد. ایران پس ازسقوط شاه دوشادوش اعراب وخلقهای مسلمان علیه دشمن صهیونیست ونیروهای امپریالیستی مبارزه کرده است".

دراعلامیهٔ نهائی، که بمناسبت امضای "پیمان دوستی وهمکاری" میان اتحاد شوروی وجمهوری عربی سوریه، یعنی چندروز پس از آغازجنگ عراق علیه ایران منتشرشد، آمده است:

"دولت‌های اتحادشوروی وجمهوری عربی سوریه برای نقش تاریخی انقلاب شکوهمند ایران، که رژیم "شاهنشاهی" راسرنگون ساخت ومظالم امپریالیسم رادرکشورازمیان برداشت، ارزش بسزائی قائل هستند". پایان

استراتژی...

بقیه از صفحه ۷

هرگز درتاریخ قاطعیت و سرنوشت ساز بودن نبرد، تا به این حد نرسیده بود. هرگز!

لذااگرنیروهای ضدامپریالیستی بتوانند درعمل مشخص این همه مختصات گاه متضاد (مثلاقاطعیت و احتیاط) راترکیب کنند، موج ظلمانی هجوم سیاه "کاخ سفید" درهم خواهد شکست، زیرا مبارزه مردم علیه امپریالیسم عدالت محض است.

کشورما دراین نبرد تنها نیست و نباید بگذارد که تنها بماند. باید دوستان راجست ویافت و، بازو در بازوی آنها، دراین نبرد ماوراء بغرنج و ماوراء متناقض شرکت جست. باید به روش "دوست آزاری" خاتمه داد.

"تفاله‌های آمریکا" درست در این جهت عمل می کنند که ایران آن کاری را که بایدبکند، نکند و آن کاری را که نبایدبکند، بکند.

اگرایران دراین نبرد عظیم علیه امپریالیسم بسرکردگی آمریکا، خطابروده اگرانقلاب ایران مسخ شود یاشکست بخورد، ریگان برد عظیمی کرده است.

آنچه که می تواندمایه آرامش خاطر شود، یکی درایت سیاسی وقاطعیت امام خمینی درنبرد باآمریکاست (امپریالیسم بسرکردگی آمریکا) ودیگری علاقه توده‌های زحمتکش به انقلاب واعتماد آنها به رهبری امام خمینی. والاچیزهای نگرانی آوربهیچوجه کم نیست.

بهرصورت، مابه آینده جهان و ضمن آن، به آینده ایران خوشبینیم، ولی وظیفه داریم که باهشیاری حوادث را دنبال کنیم و باتمام ایثاردرنبرد بسود جبهه ضدامپریالیسم شرکت جوئیم. دهه هشتاد قرن بیستم میلادی، یک دههٔ سرنوشتی درمقیاس تاریخ جهانی است.

اخوان المسلمین

ابزار دست امپریالیسم آمریکا، عراق واردن

نامه‌ای که در زیر می خوانید از سفارت جمهوری عربی سوریه به "اتحاد مردم" رسیده است که متن کامل آن را چاپ می کنیم:

از: سفارت جمهوری عربی سوریه
درتهران
به: مطبوعات:
اطلاعات
کیهان
جمهوری اسلامی
آزادگان
اتحادمردم

بسم الله الرحمن الرحیم

با ایمان به خداوقدرت همبستگی ملت ورهبریت، سوریه قادراست توطئه‌های امپریالیسم وصهیونیسم را در هم شکند.

برادران انقلابی مسلمان در جمهوری اسلامی ایران ... ای کسانی که تمام توطئه‌های آمریکا وصهیونیسم را خنثی ساخته و بزرگترین امپراتوری طاغوتی در جهان را برانداخته و آزادی ملت خود را با خون خود به دست آورده وحکومت خدا را درسرزمین ایران برقرارنموده اید.

بدانیدکه توطئه‌های امپریالیسم و صهیونیسم برعلیه انقلاب عظیم شما در داخل و خارج ازمرزها تا زمانیکه انقلاب شما دنباله روی خط فعلیش می باشد ادامه خواهد داشت. وجنگ تحمیلی عراق برعلیه انقلاب بزرگ تان چیزی جز توطئه‌ای که حکام بغدادآنرا بدستور آمریکا اجرا می کنند نیست و پیوستن اردن به این جنگ نیز بدستور آمریکا وپس از ناکامی رژیم بغداد در تحقق ساختن رویاهای آمریکا صورت گرفته است.

برادران عزیزمان درانقلاب اسلامی ایران! توطئه‌ها برعلیه شما بخصوص پس ازتصمیمتان مبنی برادامهٔ جنگ درکناربرادران عرب تاآزادی کامل سرزمین فلسطین شدت یافته وتوطئه هائی کامروزه برعلیه ایران صورت می گیرد، همانندتوطئه هائیست که این روزها بر علیه سوریه انجام می گیرد.

این توطئه‌ها بدلیل روشن بودن مواضع سوریه برای جهانیان طی سالهای متمادی و رویاروئی آن بادسیسه های امپریالیسم وصهیونیسم ودست نشاندگانشان درمنطقه وقرارگرفتن در خط مقدم جبهه نبرد برعلیه امپریالیسم وصهیونیسم انجام می گیرد.

وآمریکا از روزیکه سادات خائن به منظور تحقق توطئه کمپ دیوید به فلسطین اشغالی رفت تمام سعی و کوشش خود رامبذول توطئه برعلیه سوریه نموده است، زیرا سوریه درمقابل این توطئه که هدف آن ازبین بردن مسالهٔ اصلی مان که همانا آزادی فلسطین عزیز است ایستادو آمریکا در پاسخ به این موضع محکم و با اتکاء بقدرت همکاری دست نشاندگانش سودای خاموش کردن سوریه را دارد، بنابراین دخالت های آشکاری که درامور داخلی سوریه می نماید و با کمک به اصطلاح حزب اخوان المسلمین اقدام به قتل و خرابکاری علیه ملتمان نمود وتاکنون صدها تن ازعلما وپزشکان وروشنفکران وبیگناهان از زن وکودک کشته و برخی از تاسیسات اقتصادی را منهدم نموده است.

توطئهٔ کنونی که برعلیه سوریه با کمک دو رژیم وابسته یعنی اردن وعراق، صورت می گیرد به منتهی درجه خود رسیده واین دو رژیم اخیرا اقدام به آموزش و دادن اسلحه به عوامل جنایتکار اخوان المسلمین نموده وآنها راجهت خرابکاری به سوریه گسیل میدارد.

این توطئه درست در زمانی انجام می گیرد که سوریه موفق به احراز یک پیروزی سیاسی درسازمان ملل متحد شدوتوانست نیروهای خودونیروهای عربی واسلامی را جهت مقابله با اسرائیل پس از الحاق جولان بسیج نماید.

ای برادران ما درانقلاب اسلامی، ارتباط اخوان المسلمین با آمریکا و رژیمهای مرتجع و وابسته آشکار گشته است.

* اخوان المسلمین درعراق در کنار رژیم پلید بغداد ایستادندورهبر آنان درعراق «عبدالکریم زیدان» نام دارد وی مستشارمخصوص صدام حسین می باشد، همچنین «اسامه التکریتی» نمایندهٔ اخوان المسلمین عراق در اتحادیهٔ بین المللی اخوان المسلمین کەازکمکهای مالی رژیم عراق برخوردار است، می باشد.

* اخوان المسلمین در اردن با رژیم همگام هستندو حسن برادرشاه حسین ریاست سازمان آنها را بعهده دارد وشخصادرآموزش اخوان المسلمین جهت خرابکاری درسوریه نظارت دارد.

* اخوان المسلمین درمصر، عمر تلمسانی، رئیس اخوان المسلمین مصر می باشدکه چندهفتهٔ پیش بدستور رئیس رژیم حسنی مبارک انقلاب اسلامی ایران را مورد حمله قراردادو درعین حال مجله (الدعوه) ارگان این سازمان مدتیست که لبه تیز حمله ها ی خودرا متوجه سوریه نموده است.

همکاری بیش ازپیش امپریالیسم آمریکاوارتجاع عرب بااخوان المسلمین که هرروزه شاهدتوطئه‌های مشترک آنان هستیم این سئوالات را برمی انگیزدکه:

برادران عزیز چه کسی ازتضعیف سوریه که درمقابل اسرائیل وامریکا ایستاده است سود میبرد؟ طبیعی است آنها دشمنان سوریه واسلامند. و آیا کشتن بیگناهان درخیابان‌های شهرهای بزرگ سوریه کاریست مشروع در شرع مبین اسلام؟ وآیا دو رژیم معلوم الحال عراق و اردن نمایندهٔ اسلامند وبه اسلام نزدیکند تا ازیک سازمان به اصطلاح اسلامی بعنوان عامل اجرائی استفاده نمایند؟

این سئوالات که اذهان رابخود مشغول داشته ازواقعیات تلخی حکایت مینماید که در راس آنها ابزار بودن اخوان المسلمین در دست امپریالیسم آمریکا وعراق واردن است.

تاکنون نشنیده‌ایم که اخوان المسلمین اقدامی برعلیه رژیم عراق انجام داده‌اند، بهمین دلیل اخوان المسلمین را باید به دور از اسلام دانست ــ آنها تاکنون به هیچ گونه اقدامی برعلیه صهیونیسم یا برعلیه امریکا ویارژیم های وابسته به امریکا مبادرت ننموده‌اند.

امپریالیسم امریکا می کوشد با مهره‌های خود سوریه را تضعیف وآنرا ازمسئلهٔ فلسطین ورویاروبی با رژیم اشغالگر فلسطین که دشمن اصلی مسلمین است دور سازد.

برادران عزیز!

ما در سوریه باقدرت ایمان به خدا و به حقوق حقه خود و همبستگی ملت ورهبریت توانائی درهم شکستن تمام توطئه‌ها را هرچه باشد داریم واز تهدیدات هم ترسی نداریم وبا اتکال به نیروی لایزال الهی مقاومت خودرا دربرابرامپریالیسم وصهیونیسم همچنان تاآخرین قطره ازخون ملت مان به پایداری خود ادامه خواهیم داد و دوشادوش برادران انقلابی مسلمان ایران تاآزادی کامل سرزمین فلسطین باصهیونیسم خواهیم جنگید ودرکنار مظلومین دنیا خواهیم ایستاد...

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۱۴)

جنگ‌های تجاوزکارانهٔ اسرائیل علیه خلق‌های عرب

در ۱۳۲۷(۱۹۴۸) ، ۱۳۳۵(۱۹۵۶) و ۱۳۴۶(۱۹۶۷)

خاورمیانه برای امپریالیسم بسرکردگی آمریکا همواره از اهمیت استراتژیک سیاسی ، اقتصادی و نظامی برخوردار بوده و هست. فلسطین در این منطقه و از این جهات دارای اهمیت ویژه‌ای بوده و هست . در این باره خود این محافل چنین اعتراف می‌کنند :

"این منطقه بدلیل مجاورت بسیار نزدیک خویش ، با اتحاد شوروی ، مناسب‌ترین موضع استقرار نیروهای نظامی و ضربت‌زدن به این کشور به‌شمار می‌آمد . به این دلیل فلسطین برای ایالات متحده مهمترین نقطهٔ استراتژیک جهان محسوب می‌گردید" (فرانک مانوئل)

از جنگ دوم جهانی به‌بعد ، این اهمیت ، بویژه برای امپریالیسم آمریکا ـ سرکرده جهان سرمایه‌داری امپریالیستی ـ بازهم افزایش یافت . امپریالیسم آمریکا تنها در سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱) میزان سرمایه‌گذاری خود را در فلسطین چهار بار افزایش داد . در واقع پیش از پایان یافتن سرپرستی بریتانیا ، ۶۰٪ هزینه‌های گوناگون این منطقه توسط دلارهای آمریکائی پرداخت می‌شد . در اواخر سال ۱۳۲۵ و اوایل سال ۱۳۲۶ (نیمه‌نخست سال ۱۹۴۷) ایالات متحدهٔ آمریکا بیکباره به‌بزرگترین واردکننده کالا به‌بازار همه‌کشورهای منطقه ، به ویژه عراق ، لبنان و فلسطین تبدیل گردید .

بدینسان روشن بود که تقسیم فلسطین و تشکیل دولت اسرائیل و سپس تشویق و پشتیبانی از دولت صهیونیستی اسرائیل برای از بین بردن دولت عربی فلسطین و تبدیل اسرائیل به‌پایگاه امپریالیسم و صهیونیسم جهانی ، دقیقاً طبق نقشه ، برای نیل به‌اهداف استراتژیک ، سیاسی ، اقتصادی و نظامی امپریالیسم و صهیونیسم جهانی بسرکردگی آمریکا ، در این منطقه فوق‌العاده مهم و فوق‌العاده حساس انجام می‌گرفت .



روز ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ ، (۱۵ مه ۱۹۴۸) ، روز پایان یافتن سرپرستی بریتانیا ، هفت کشور عرب : مصر ، اردن ، عراق ، سوریه ، لبنان ، عربستان سعودی و یمن ، با بسیج نیروئی به تعداد ۲۱۵۰۰ تن ، که به‌طور عمده جنگ‌افزارها و آتشبارهای سبک در اختیار داشتند ، با دولت نوبنیان توسعه طلب و جنگ‌افروز اسرائیل و ارتش نیرومند ۵۶ هزارنفری آن ، که تا بن دندان مسلح بود ، در گیر پیکار شدند . این جنگ شوم به دست امپریالیستهای بریتانیا و آمریکا طراحی و برانگیخته شد . آنها از این راه چنین می‌خواستند از اجرای قطعنامهٔ ۸ آذرماه ۱۳۲۶ (۲۹ نوامبر ۱۹۴۷) مجمع عمومی سازمان ملل متحد حلوگیری بعمل آورند .

در این جنگ تجاوزکارانه و توسعه طلبانه که از پیش با دقت برنامه‌ریزی شده بود ، **اسرائیل** بر بخش بزرگی از سرزمین‌هائی که برپایه طرح سازمان ملل متحد می‌باید در آنها **دولت عربی فلسطین** برپا گردد ، دست یافت ، از آن جمله جلیلهٔ باختری و بخش نوساز بیت‌المقدس به‌وسعت ۶۶۰۰ کیلومتر مربع . **اردن** هم قسمت خاوری فلسطین و بخش قدیمی بیت‌المقدس را به وسعت ۵۵۰۰ کیلومترمربع ، و **مصر** نیز خطه کوچکی از غزه به وسعت ۲۵۰ کیلومتر مربع را به‌اشغال خود درآوردند . در نتیجه اسرائیل بر چهار پنجم خاک فلسطین چنگ افکند و وسعت سرزمین خود را به ۲۰۷۰۰ کیلومترمربع رساند ، و کوچ و آوارگی فلسطینی‌ها میوه تلخ آن شد : برپایه برآوردهائی، ۴۰۰ هزار فلسطینی پیش از ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ (۱۵ ماه مه ۱۹۴۸) و ۵۰۰ هزار تن نیز بعدازجنگ ۲۸–۱۳۲۷ (۴۹–۱۹۴۸) از تیغ ترور صهیونیستی گریختند .

شورای امنیت در اول خرداد و ۸ خردادماه ۱۳۲۷ (۲۲ و ۲۹ ماه مه ۱۹۴۸) اعلام آتش بس کرد . این آتش بس در ۲۱ خردادماه (۱۱ ماه ژوئن) اجرا گردید . آتش بس فقط چهار هفته به‌درازا کشید و پس از آن دگربار آتش جنگ شعله‌ور شد . این جنگ در ۲۸ تیرماه ۱۳۲۷ (۱۹ ژوئیه ۱۹۴۸) بدستور شورای امنیت پایان یافت و منطقه کمی رنگ آرامش بخود دید .

ولی پس از آتش بس نیز امپریالیسم ، با بهره‌جوئی از **"کنت برنادوت*"** میانجی سازمان ملل متحد در فلسطین ، تلاش می‌ورزید که خواستهای خویش را برمردم فلسطین تحمیل کند .

در ۶ مردادماه ۱۳۲۷ (۲۸ ژوئیهٔ ۱۹۴۸) گزارش کار و برنامه **"برنادوت"** در قاهره ، تل‌آویو و جزیرهٔ رودس انتشار یافت . "برنادوت" پیشنهاد کرد که اردن خاوری و اسرائیل با یکدیگر پیمان اتحاد ببندند و از این راه دو کشور متحد پدید آورند ، یک سازمان سیاسی مشترک ، نیازهای اقتصادی هر دو را برآورده سازد ، کارهای مربوط به رشد و پیشرفت دو کشور را انجام دهد و سیاست خارجی و عملیات نظامی شان را هماهنگ کند .

"طرح برنادوت" دگرگونی های گسترده‌ای را در منطقه پدید می‌آورد . بر پایه این طرح منطقه نقبه و بیت‌المقدس در بخش غربی به‌اردن می‌پیوست ، در حالیکه "برنادوت" خود بر این نکته آگاه بود که برابر **"قطعنامه تقسیم"** سازمان ملل متحد ، بیت‌المقدس می‌باید بر بنیان نظام ویژه‌ای اداره شود . وی همچنین با گشاده دستی و پافشاری خواستار شد که سرزمین "جلیله باختری" به‌دولت اسرائیل واگذار گردد ، در نظام فرمانروائی شهر "یافا" تجدیدنظر به عمل آید ، بندری آزاد و فراگیرندهٔ بخش پالایشگاه‌های نفت و ایستگاه‌های راه‌آهن ، در کنار "حیفا" بنیان گذارده و فرودگاهی در شهر "لود" ساخته شود .

"طرح برنادوت" آشکارا با قطعنامه ۸ آذر ماه ۱۳۲۶ (۲۹ نوامبر ۱۹۴۷) مجمع عمومی سازمان ملل متحد ناهمساز بود ، از این رو نمایندگی اتحاد شوروی و برخی کشورهای دیگر انتقاد سختی از آن بعمل آوردند . گذشته از آن اعراب و یهودیان ، هیچیک " طرح برنادوت " را نپذیرفتند .

در اوایل سال ۱۳۲۸ (اواخر ۱۹۴۹) بدنبال زمینه چینی خیانت‌آمیزی که میان سرد مداران اسرائیل و ملک عبدالله پادشاه دست نشاندهٔ اردن صورت گرفت ، اسرائیل و اردن سرزمین‌های **"کشور عربی فلسطین"** را بین خود تقسیم کردند . این کار ملک عبداله که به‌یاری بریتانیا و برخلاف قطعنامهٔ ۸ آذرماه ۱۳۲۶ (۲۹ نوامبر ۱۹۴۷) مجمع عمومی سازمان ملل متحد انجام یافت ، خیانت آشکاری به‌آرمانهای خلق‌های عرب بود .

اسرائیل همچنان سیاست تجاوزکارانه وجنگ افروزانه خود را دنبال میکند

در ۱۶ خردادماه ۱۳۲۹ (پنجم ژوئن ۱۹۵۰) کنشت (پارلمان اسرائیل) قانونی بنام "قانون بازگشت" از تصویب گذراند که مهاجرت به‌اسرائیل را بصورت قانونی درآورد . در این سالها از یک سو موج مهاجرت به‌اسرائیل و از سوی دیگر مهاجرت از اسرائیل ـ بخاطر سیاست‌های ضد ملی ، استثمارگرانه و شرایط دشوار و سرشار از محرومیت گذران برای قشرها و طبقات زحمتکش آغاز شد ، به طوری که در سال ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) ۱۰ هزار تن از نقاط گوناگون جهان وارد این کشور شدند و ۱۳۰۰۰ هزار تن این کشور را برای همیشه ترک گفتند .

در ۷ آبانماه ۱۳۳۵ (۲۹ ماه اکتبر ۱۹۵۶) در پیامد ملی کردن آبراه سوئز و دیگر تحولات ضد امپریالیستی در کشورهای عرب ، صهیونیستهای تجاوز کار ، توسعه‌طلب و جنگ‌افروز ، هم پیمان با امپریالیسم بریتانیا و فرانسه ، دگربار ارادهٔ جنگی خویش را برای دست‌اندازی بر سرزمین‌های عربی به حرکت درآوردند . ارتش صهیونیستی اسرائیل سراسر شبه‌جزیره سینا را اشغال کرد . ولی این تهاجم گسترده ، در پرتو اخطار قاطع اتحاد شوروی به‌امپریالیست‌ها و صهیونیستهای تجاوزکار ، به شکست انجامید .

ولی اسرائیل همچنان سیاست تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه خود را دنبال می‌کرد . "بن گوریون" ، نخست وزیر پیشین اسرائیل ، بر این ادعای گستاخانه پای می‌فشرد که :

"این نقشه ، نقشهٔ کشور ما نیست . ما نقشهٔ دیگری داریم که شما جوانان و دانشجویان مدارس اسرائیل باید آن را تحقق بخشید . ملت اسرائیل باید قلمرو خود را از فرات تا نیل گسترش دهد ."

"مناخیم بگین" ، نخست وزیر کنونی اسرائیل ، در ۶ آبانماه ۱۳۳۷ (۲۸ اکتبر ۱۹۵۸) هنگامیکه هنوز نماینده "کنشت" بود ، خطاب به نمایندگان ارتش اسرائیل گفت :

"شما اسرائیلی‌ها نباید تاسفی از کشتن دشمن بخود راه دهید . شما نباید با او همدردی کنید ، تا بتوانیم این فرهنگ به‌اصطلاح عربی را نابود کنیم و برخرابه‌های آن تمدن خود را بنا نهیم ."

* کنت فولک برنادوت ، بعدها از آنجا که مهر تائید بر ضمیمه‌سازی نقبه به‌اسرائیل نگذارد ، بدست صهیونیست‌ها ترور شد .

ادامه دارد

رفع کمبود معلم و دبیر به برنامه‌ای جامع و منطقی و سیاستی درست و واقع‌بینانه نیاز دارد

در جلسهٔ علنی روز شنبه ۱۸ اسفند مجلس شورای اسلامی ، آقای موحدی ساوجی از آقای پرورش ، وزیر آموزش و پرورش در مورد کمبود معلم و دبیر در مدارس شهرها و روستاها ، نحوهٔ توزیع عادلانه معلم و سیاست دولت در این زمینه سئوال کرد .

آقای پرورش در پاسخ این سئوال مهم آقای ساوجی اظهار داشت که :

"باحسابی که معاونت آموزش و پرورش و برآوردی که درسطح کشور کرده منهای مناطق جنگ‌زده که نتوانسته است در آنجا محاسبه بکند ، آماری که بدست آمده به‌این صورت است : در مدارس ابتدائی سراسر کشور ۲۳۲۰۰ نفر و در دورهٔ راهنمائی ۱۳۹۰۷ نفر و در دوره متوسطه ۱۰۲۳۰ نفر که جمع نیاز ما در مقاطع مختلف آموزشی ۴۷۳۲۷ نفر می‌باشد . "همچنین ، "نیاز ما به معلم درقسمت فنی و حرفه‌ای و مدارس کودکان استثنائی ۵۰۱۰ نفر می‌باشد " .

آقای پرورش در زمینه اقدامات انجام شده و رفع کمبودها اظهار داشت :

"دروهلهٔ اول بطور آزمایشی از دیپلمه‌هائی که واجد شرایط هستند استفاده می‌کنیم پس از دوسال آموزش اگر مورد قبول باشند استخدام میشوند . دروهلهٔ دوم از معلمین حق التدریس استفاده می‌شود . ... برای سال آینده مقدار زیادی از این کمبودها از طریق تربیت معلم رفع خواهد شد زیرا در نوبت اول آموزش و پرورش ۱۷ هزار نفر ودرنوبت دوم ۵ هزار نفر را از طریق کنکور برگزیده است و برای اوائل سال تحصیلی آینده ۲۰ هزار نفر جذب روستاها خواهند شد ."

آقای موحدی ساوجی جوابهای آقای پرورش را قانع کننده ندانست و اظهار داشت :

"هم اکنون دوهزار معلم‌ (؟) در تهران وجود دارند که ازنظر شما زیادی هستند چنانچه این عده صلاحیت معلمی را ندارند اینها را کنار بگذارید و بازنشسته کنید و اگر صلاحیت دارند و شما در تهران نیازی به آنها ندارید آنها را به مناطق مورد نیاز بفرستید . من فکر می‌کنم وزارت آموزش و پرورش موفق نبوده و باید از مدیریت قوی برخوردار باشد " .

متاسفانه همانطورکه آقای ساوجی اشاره کرد ، آموزش و پرورش برای حل این مشکل بزرگ و حیاتی آموزش و پرورش یعنی رفع کمبود معلم ، برنامهٔ درست ، جامع ، روشن و حساب شده‌ای که پاسخگوی نیازهای حیاتی کشور باشد در دست ندارد . تعداد معلم مورد نیاز آموزش و پرورش که آقای پرورش اعلام کرد با احتساب کمبود معلم در مناطق جنگ‌زده و همچنین تعداد زیادی معلم که در تهران و شهرستانها به دلایل مختلف ، روا یا ناروا ، پاکسازی شده‌اند رقم قابل توجهی است که آموزش و پرورش بدون در دست داشتن برنامه دقیق قادر به‌حل این مشکل بزرگ نخواهد بود .

۲۰ هزار معلم فارغ‌التحصیل از مراکز تربیت معلم ، چنانچه همهٔ آنها هم بقول آقای پرورش پس از دوسال "مورد قبول باشند" ! باز هم مشکل کمبود معلم را بطور بنیادی حل نخواهند کرد .

در شرایط کنونی لازم است آموزش و پرورش طی یک برنامه دقیق ، علاوه بر رفع کمبود کنونی که بیش از ۴۷۳۲۷ نفر معلم در سراسر کشور (که رقم واقعی نیازهای کشور ما بیش از اینهاست) ، جهت جذب کودکان و نوجوانانی که به‌دلایل مختلف نتوانسته‌اند به‌مدارس وارد شوند و یا کودکانی که هر ساله به سن تحصیل می‌رسند معلم تربیت کند . لذا با توجه به این وظیفهٔ سنگین و پر مسئولیت بنظر ما نیز جواب آقای پرورش قانع کننده نیست و انتظار می‌رود که وزارت آموزش و پرورش با ارائه طرح جامعی ، متکی بر سیاستی درست و واقع بینانه ، به سئوال نمایندهٔ محترم مجلس ، که سئوال میلیونها تودهٔ مستضعف کشورمان است پاسخی قانع کننده بدهد .

مضحکهٔ « انتخاباتی » آمریکا در السالوادور

درحالیکه هر روز ده‌ها تن از مردم السالوادور بدست دژخیمان رژیم دیکتاتوری و آموزگاران آمریکائی آنها "تنبیه" (بخوان : کشته) می‌شوند ، "خونتا"ی وابسته به آمریکا "باصطلاح "انتخابات" "مجلس قانونگذاری" را تدارک می‌بیند . در این "انتخابات" تنها دمکرات‌های مسیحی راستگرا و پنج حزب ابر ارتجاعی شرکت خواهند داشت . از جمله این احزاب ، "اقدام ملی" و **"اتحادیه جمهوریخواهان ملت گرا"** هستند . سرکردهٔ حزب اخیر دوبوئیون (D'AUBUISSON) ، مامور امنیتی پیشین است ، که قتل **رومرو** ، بزرگ‌اسقف سان سالوادور و رهبر برجستهٔ مخالفان رژیم را سازمان داد . هر دوحزب نامبرده با هرگونه اصلاحاتی سخت مخالفت می‌ورزند .

"جبههٔ آزادی بخش ملی فارابوندومارتی" و **"جبههٔ دمکراتیک انقلابی"** ، که دوسازمان مهم انقلابیون السالوادور به‌شمار میروند ، از شرکت در این مضحکه "کاخ سفید" خودداری کرده و آنرا **"پوششی برای ترور و بی‌قانونی"** خوانده‌اند . آنها به‌حق می‌پرسند : چگونه میتوان در شرایطی که هرروز دهها تن بدست نیروهای "خونتا" فجیعانه بقتل می‌رسند و ۷۰۰ هزار تن بخاطر رهائی از پیگرد ، کشور را ترک گفته‌اند ، انتخابات راستین برگزار کرد؟

دوجبههٔ نامبرده اعلام داشته‌اند ، که پیش از انتخابات " و در جریان آن و پس از پایان خیمه‌شب‌بازی **"ریگان ـ دوآرته"** به پیکار خود ادامه خواهند داد . آنها ، در همان حال ، آمادگی خویش را برای یافتن راه حل سیاسی ابراز کرده‌اند . تنها شرط آنها اینست که ، همهٔ نیروهای سیاسی در مذاکرات سیاسی شرکت جویند و ایالات متحدهٔ آمریکا از دخالت در امور السالوادور دست بردارد .

اما این به‌مذاق "واشینگتن" سازگار نیست . سردمداران آمریکا برای پوشش گذاشتن بر پشتیبانی فزایندهٔ خود از رژیم سرکوبگر السالوادور به تغییراتی چند در دکور صحنه سیاسی السالوادور نیازمندند .

در این زمینه ، باید یادآور گشت که چندی است شرایط آموزش ۱۵۰۰ سرباز السالوادوری در پایگاه های نظامی آمریکا تدارک دیده میشود . بدینسان ، باید انتظار داشت که ایالات متحده آمریکا مداخلات خود را در السالوادور بیش از پیش گسترش بخشد .

از سوی دیگر ، هم اکنون آشکار است که "واشینگتن" از به‌اصطلاح "انتخابات" السالوادور توشه‌ای نخواهد برد . توده مردم السالوادور پیکار آزادی بخش خود را علیه "خونتا"ی وابسته به آمریکای السالوادور همچنان قاطعانه و پیگیرانه ادامه خواهند داد .

پیش بسوی ...

بقیه از صفحه ۱

"یک مملکتی که زاغه‌نشین‌هائی آنچنانی داشته باشد و مردم بفکر آنها نباشند، این مملکت، مملکت اسلامی نیست". (امام خمینی - ۵۸/۳/۹)

امام خمینی بارها و بارها بر لزوم استقرار عدالت اجتماعی تاکید کرده‌اند: غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلم‌ها از بین برود، ستم‌گریها از بین برود، ضعفا بهشان رسیدگی بشود. قیام به قسط بشود". (۶۰/۶/۲۱)

این سمتگیری اساسی از همان آغاز پیروزی انقلاب ازجانب پیروان صدیق خط امام اعلام شد. استاد شهید آیت‌الله مطهری، زیر عنوان "عدالت اجتماعی" در فروردین ماه ۱۳۵۸، در مسجد فرشته سخنرانی کرد. شهید مطهری در این سخنرانی ازجمله گفت:

"درجلسات گذشته دربارهٔ سه رکن اصلی وبقاء وتداوم انقلاب اسلامی ایران، یعنی عدالت اجتماعی، استقلال وآزادی، ومعنویت اسلامی به اجمال واختصار توضیح دادم. امشب درباره رکن اول، یعنی عدالت اجتماعی نکات بیشتری را بیان خواهم کرد". (از کتاب "پیرامون انقلاب اسلامی" - ص ۱۱۵)

استاد شهید اضافه کرد: "درمورد وضع آینده انقلاب اسلامی خودمان، یکی از اساسی ترین مسائل، همین مسالهٔ عدالت اجتماعی است..." (همانجا - ص ۱۱۹)

شهید مطهری درجای دیگری گفت: "حساسیتی که اسلام درزمینه عدالت اجتماعی وترکیب آن بامعنویت اسلامی ازخودنشان می دهد، درهیچ مکتب دیگری نظیر ومانند ندارد". (همانجا ص ۱۲۲)

استاد مطهری سخنرانی خود را چنین پایان داد:

"این حساسیت هائی است که ائمه وپیشوایان ما - که اسلام مجسم و معلمان راستین اسلام اصیل بوده‌اند - در زمینه عدالت اجتماعی ازخودنشان دادند. انقلاب اسلامی ما نیز اگر می‌خواهد با موفقیت به راه خود ادامه دهد، راهی جزاعمال چنین شیوه ها و بسط روشهای عدالت‌جویانه و عدالت‌خواهانه درپیش ندارد". (همانجا ص ۲۳)

این سمتگیری اساسی، درسه‌سال گذشته، پیوسته ازجانب دیگر پیروان صدیق خط امام دنبال‌شده است.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور اخیرا در مصاحبه‌ای با مجلهٔ "جهاد"، ارگان "جهادسازندگی" (ویژه سومین سالگرد انقلاب) بر این امرتاکید کردو گفت:

"در زمینه اقتصاداسلامی باید بگویم که اقتصاد بر روی یک محور اساسی حرکت می‌کند وآن عبارتست از تامین عدالت اجتماعی..."، رئیس جمهور درتشریح عدالت اجتماعی افزود:

"...لازمه عدالت اجتماعی این است که اختلافهای مالی بسیار زیاد در جامعه وجود نداشته باشد، یعنی شکافهای عمیق مردم را از لحاظ برخورداری از وسائل زندگی ازهم جدا نکند..."

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه ۶۰، خطبه‌های نماز جمعه چند هفته را به‌بحث پیرامون عدالت اجتماعی اختصاص داد.

فواد کریمی، رئیس کمیسیون اقتصاد ودارائی مجلس شورای اسلامی هم درتشریح اهداف اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، ازجمله گفت:

"الف - نفی هرگونه ستم‌گری وستم‌کشی وبهره‌کشی واستثمار و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری اقتصادی واستقرار قسط و عدل وپی‌ریزی اقتصاد صحیح وعادلانه (این هدف دراصل دوم بندج و اصل سوم بند ۱۲ واصل ۴۳ بند ۴ قانون اساسی ذکرگردیده است)

ب - ریشه‌کن‌کردن فقرومحرومیت وبرآوردن نیازهای انسان در جریان رشد باحفظ آزادگی او (اصل چهل وسوم)" (کیهان - ۶۰/۱۲/۱)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم، چنانکه در سخنان رئیس کمیسیون اقتصاد ودارائی مجلس آمده است، سمتگیری مردمی انقلاب اسلامی ایران را تامین عدالت اجتماعی تعیین کرده است.

جامعهٔ دوقطبی

انقلاب ما، اکنون بعد ازپشت سرگذاشتن توطئه‌های متعدد، درشرایطی می‌خواهد عدالت اجتماعی را مستقر سازدکه وارث یک‌جامعه دوقطبی است، که‌از رژیم منفور پهلوی بجامانده است؛ جامعه‌ای که ثروت وامکانات‌آن دردست معدودی کلان سرمایه‌دار و بزرگ مالک غارتگر بود وبدبختی و فقر ومسکنت‌آن نصیب اکثریت زحمتکش. بنا به قول حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی:

"جامعه‌ای که دچار این‌دو قطبی میشود، یک‌عده‌ازمردم زندگی‌هایشان از حداقل پائین‌تر باشد ویک‌عده ازمردم بخواهند مسرفانه‌زندگی کنند... بدترین حالت ممکن اجتماع است و مضرترین حالت اجتماع است. ضعفا را می‌کشد، رحم را می‌کشد، کینه‌توزی ایجادمی‌کند، دوئیت ایجادمی‌کند، برادری را از بین می‌برد وحالتی درست می‌کند که مردم مثل گوسفندوگرگ بایدبه‌هم نگاه بکنند ... وفقط گرگ می‌تواندازاین‌وضع لذت ببرد". (نمازجمعه ۳۰ بهمن ۶۰)

امام خمینی رهبر انقلاب وبنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، این "مضرترین حالت اجتماع" را چنین تصویر می‌کنند:

"در این ۵۰سال ذخائر مارا، که باید صرف مستمندان و زاغه‌نشینان ما بشود، برده‌اندبه‌کاخ‌نشینان داده‌اند." (مصاحبه باخبرنگارژاپنی - ۵۸/۹/۷)

وجای تاسف است که "... هنوز مملکت ما هم همینجور است. البته‌یک مقدار بهتر شده، اما بازاینجوری است". (حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی - نماز جمعه ۳۰ بهمن ۶۰)

برای دگرگون‌کردن این‌وضع ناهنجار وتامین عدالت اجتماعی، همچنانکه امام خمینی در دیدار با اعضای کابینهٔ شهیدرجائی در ۲۰ شهریور ۵۹ گفتند: "طریق‌اسلامی این است که مستضعفین‌را حمایت کنند، بیشتر توجهشان به‌آنها باشد."

و: "اگر ما شجاعت اسلامی و قرآنی داشته‌باشیم و مثل علی (ع) بخواهیم فکربکنیم، بایددست مستکبرین را بگیریم وآنقدر فشار بدهیم و مشت بر سرشان بزنیم که‌تسلیم حق‌بشوند. این‌تفاوت زندگی موجود در شمال تهران وشهرهای شمال کشور و نقاط مرفه با نقاط مستضعف قابل‌قبول‌نیست وباروح‌اسلام‌نمی‌سازد". (حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی - نمازجمعه - ۳۰ بهمن ۶۰)

چگونه باید عدالت اجتماعی را تامین‌کرد

امام خمینی در جهت دگرگونی این وضع وتامین عدالت اجتماعی، رهنمودهای روشن ومشخصی داده‌اند. رهبرانقلاب در پیام خود به مناسبت افتتاح مجلس شورای‌اسلامی تاکید کردند:

"طرحها وپیشنهادهائی را که مربوط به‌عمران ورفاه‌حال‌ملت، خصوصا مستضعفین‌است، انقلابی و با سرعت تصویب کنید."

رهبر انقلاب همچنین در دیدار با فقهای عضو شورای نگهبان فرمودند:

"باید قوانینی وضع شود که حقوق‌محرومین و فقرا به‌آنها بازگردانده شود. این‌وظیفهٔ شماست."

آیت‌الله‌العظمی منتظری‌نیزبارها نظر خود را مبنی بر لزوم خدمت به مستضعفین‌وطردنظام استثماری، از جمله درعبارت زیرین‌بیان‌داشته‌اند:

"تمامی‌نهادها وضوابط و روابط فاسد سرمایه‌داری و شبه سرمایه‌داری استثماری باید از بین‌برودوکلیه‌ضوابط و روابط اسلامی برتولید ومبادله‌وبازار وتوزیع ومصرف حاکم‌گردد." (نقل از کتاب "مالکیت در اسلام")

شهید آیت‌الله‌بهشتی، که در حقیقت قربانی نظریات مترقی خود درباره "عدل‌اسلامی" شد، در یکی‌از سخنرانی‌های‌خود تاکیدکرد که:

"... به‌سهم‌خوداجازه‌نمی‌دهم که در آینده جامعه‌ام به سرمایه داری کشانده‌شود."

شهید بهشتی اقدام "یک‌تاجر و یک‌کاسب" را برای سودورزی و "اینکه بخواهد هرماه‌صفرهای حساب بانکی خودش رازیادکند"، "ضد عدالت اسلامی" دانست وگفت:

"دراقتصاد اسلامی - این را به صراحت‌می‌گویم - جائی برای‌اینگونه سودبری‌ها وجود ندارد وبراساس‌همان اصولی‌که در قانون‌اساسی آورده‌شده و به‌یاری خدا وبه همت و همکاری همه‌تان زمینه این‌نوع‌سودبری‌ها رادرزمان

بقیه‌درصفحه ۱۳

عدالت اجتماعی از دید امام خمینی، شهید مطهری وحجت‌الاسلام خامنه‌ای:

امام خمینی:

"وغایت‌این‌است‌که‌مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی دربین مردم باشد، ظلم ها از بین برود، ستمگریها ازبین برود، ضعفا بهشان رسیدگی بشود. قیام به قسط بشود". (ازسخنان امام خمینی - ۶۰/۶/۲۱)

شهید مطهری:

"سه‌رکن اصلی وبقاء وتداوم انقلاب‌اسلامی ایران، یعنی عدالت‌اجتماعی استقلال وآزادی ومعنویت‌اسلامی..." (سخنرانی درمسجدفرشته، فروردین ۱۳۵۸)

حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور:

"در زمینه‌اقتصاد اسلامی باید بگویم که‌اقتصادبر روی‌یک‌محوراساسی حرکت‌می‌کند وآن عبارت است ازتامین عدالت‌اجتماعی..." (مصاحبه‌با نشریه‌جهادسازندگی، - بهمن ۱۳۶۰)

اندیشه‌کن

چراکه خصم بهارمان رابخون کشیده است!

از زبان خوانندگان

* سافتاده‌دور (؟) طی‌نامه‌ای که برای "اتحادمردم" ارسال داشته، ۳ ایراد لغوی واملائی رامتذکر شده‌است:

نخست - نویسنده کلمه "دگراندیش" را، که‌درمقالات "اتحادمردم" بکاربرده‌میشود، کلمه‌ای‌مبهم دانسته، که‌مفاهیم متعددی چون "غیراندیش، بیگانه‌اندیش، خوب‌اندیش، بداندیش کج‌اندیش و..." رادربرمی‌گیرد و "بحکم سائقهٔ محیط وغیره معنی بدآن به‌ذهنهامی‌نشیند."

تذکر دوست‌نویسنده‌بجاست‌وبه همین‌دلیل‌هم‌این‌کلمه‌همواره‌درمقالات "اتحادمردم" همراه‌باصفت "انقلابی" یاصفتی نظیر آن‌بکار میرود، همچون "انقلابیون دگراندیش"، "دگراندیشان انقلابی"، "دگراندیشان‌مدافع‌انقلاب" و...

ازآنجاکه درقاموس زبان فارسی برای‌اطلاق آن‌گروه از مبارزان‌انقلابی ومدافع انقلاب، که در چارچوب طرز تفکری‌خاص‌نمی‌گنجند و به‌مسلک ها و عقاید دیگر تعلق دارند، لغت‌مناسب‌تری‌یافت‌نشده، از این کلمه‌استفاده می‌شود.

دوم - دوست‌نویسنده متذکر شده‌است که‌بهتراست‌بجای‌نوشتن کلماتی چون "بیاندیشد، بیافکند، بیافتد، بیاندازد..." و به طورکلی کلماتی که ریشهٔ‌آنها با الف شروع‌میشود، در ساختن فعل مضارع، چنین‌نوشته شود: "بیندیشد، بیفکند، بیفتدو..."

در مقالات "اتحادمردم"، این تذکرنویسنده، بطورکلی رعایت‌میشود، ولی‌ضمنا باید متذکر شد که‌دراین‌مورد درزبان‌فارسی، قاعده عمومی وجود ندارد و هر دو شکل پیشگفته در نشرهای‌موجود بکار رفته‌اند.

سوم - نویسنده متذکر شده‌است که "مشوه" املای صحیح کلمه‌ای است که‌معادل‌با "قبیح‌الشکل" در زبان عربی‌بکارمیرود.

ازتذکرات نویسنده‌متشکریم.

* دوستانی ازشهرستان‌بابلسر، ازماتقاضا کرده‌اند که‌یک‌صفحهٔ "اتحاد مردم" رابه‌شعر شاعرانی که مورد علاقهٔ آنهاست، اختصاص دهیم.

انجام این‌تقاضا متاسفانه از عهدهٔ نشریهٔ‌ما، با امکانات‌محدودی که‌دارد، خارج‌است.

دوستان ما‌میدانند که انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی‌و مردمی‌ایران، دریکی‌ازحساسترین‌وخطیرترین‌لحظات زندگی‌خود بسرمیبردو نبرد جمهوری اسلامی‌ایران با امپریالیسم‌آمریکا و جبههٔ‌جهانی سرمایه‌داری، سرنوشت سازترین مرحلهٔ‌خود را میگذراند. بی شک برای یک‌نشریهٔ‌انقلابی و متعهد، که تنها در هفته ۱۶ صفحه برای‌اظهار نظردرباره دهها‌وصدها مسئلهٔ‌حیاتی در اختیار دارد، جای زیادی‌برای‌نقل شعر، آنهم اشعار شاعرانی که شما خواسته‌اید، باقی نمیماند. ما ازشعر، شعری که بامحتوای‌انقلاب ما و نبرد کنونی مردم کشور ماتطبیق کند، شور پیکار برانگیزد، محرک پایداری و پایمردی‌باشد، چهرهٔ پلید دشمن‌تبه‌کار را افشا نماید، حماسه‌های خلق را بستاید و نظایر آن استفاده‌کرده‌ایم و خواهیم‌کرد. (ضمنا امیدواریم‌وانتظار داریم که‌شاعران متعهددر این زمینه بیش از این به‌ما کمک‌کنند). اما انتظار داریم که‌دوستداران "اتحادمردم" نیز واقعا قلب وجانشان با وظایف سترگی که‌این‌نشریه پیش روی نهاده است، همراه‌باشد. "اتحادمردم"، منادی اتحاد مردم‌انقلابی‌ایران علیه‌دشمنان کوچک وبزرگ‌آرمان‌های والای انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران، یعنی‌استقلال، آزادی و عدالت‌اجتماعی‌است، نه‌چیز دیگر...

* ع - طبیب، شعری خطاب به "گم‌کرده‌راهان‌هنوزهم صادق‌مجاهدین خلق"، بانام "اندیشه‌کن‌چراکه خصم بهارمان رابخون‌کشیده‌است"، سروده است، که‌بخشهائی از آن چنین‌است:

باری برادرم
شب را بکش، بیرون ز خانه شو
اندیشه را ز محبسی به طول و عرض حقیر خانهٔ پنهان
بالی بده به باغ تماشا
آنجا! نه دور دست نزدیک خانه‌ات!
در کوچه ات، در نیمه‌های خیابان، در هر گذر
هر کوی و برزن میهن
سنگر شده علیه خصم
آنجا!
جمعی به وسعت اعداد
یکجا و یکصدا آوازشان سرود دلنواز رهائی

* * *

وقتی که آسمان مه گرفته میهن شد قاب آفتاب
وقتی که امتداد فصل سرخ رهائی
در عرصهٔ نبرد میهنی
باشعله‌های خشم خروشان خلق دلاوری
در بیکرانی از گلوله و ایثار بیدار می‌شود
پنهان ز کیستی؟
باری برادرم دیگر گذشت زمان خانهٔ پنهان

* * *

اینک به نو بهار میهنم جشنی به نام رهائیست
جشنی به خون تپیده!
اما دریغ و درد، در جشن ما جای تو خالیست برادرم!
جشنی به ساز گلوله!
رقصی به نام سینه خیز تا آخرین رمق در تپه‌های غرب
بزمی به رنگ سرخ در دشت نفت خیز
اندیشه کن چرا که خصم بهارمان را به خون کشیده است

* * *

اینک زمان طلاست
اندیشه کن
با من بگو چرا در جمع توده‌ها جای تو خالیست برادرم؟

* اشعار رسیده: شعر "خورشیدانقلاب‌مردم" ازبهروزپژواک، شعر "صفیر آوای‌تو" ازهایده‌خیرخواه، شعر "ای‌دوست‌بایدهشیار" ازع - طبیب، شعر "۲۲بهمن" از م.ط.

ازهمه‌دوستان سپاسگزاریم

یک سال از توطئهٔ ۱۴ اسفند

گذشت ، اما :

خط منسی کردن آمریکا باقیست ...

یک سال پیش در ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ جبههٔ متحدضدانقلاب در دانشگاه تهران گردآمده بود . ازلیبرال‌ها گرفته تا ساواکی‌ها وفریب‌خوردگان "مجاهد" و پیکار و رنجبری واقلیتی . . . همه وهمه حاضربودند .

دربالای تریبون ، طبق قرار قبلی، رهبرجبهه متحدضدانقلاب که بنی‌صدر ملقب به "بزرگترین اندیشهٔ معاصر" باشد، فرمان علنی برای حمله به انقلاب راصادر می‌کرد .

آنچه درمرکزاین توطئه ضدانقلابی قرار داشت این بود : " . . . **کف میزنند وسوت می‌کشند وآمریکا را از یاد می‌برند. خط این بود که اصلا آمریکا منسی شود. یک دسته شوروی را مطرح می‌کردند تا آمریکا منسی بشود . یکدسته الله‌اکبر را کنار می‌گذاشتند سوت می‌زدند . آن‌هم در روز عاشورا خط این که قضیهٔ مرگ برآمریکا منسی بشود . . .**

می‌خواستند که ما را از استقلال بیرون بیاورند و به دامن آمریکا بیندازند . . . " (سخنان امام خمینی در دیدار باخانواده شهدای ۷ تیر ــ ۱۳ تیر ۱۳۶۰) .

عین آنچه رهبر انقلاب گفته‌اند در ۱۴ اسفنداجراشد که خود دنباله مراسم ۱۷ شهریور و ۷ اسفند لیبرال‌ها بود . ومقدمه توطئه‌های بعدی وبعدی که قراربودبالاخره با کودتای متحدضدانقلاب به رهبری بنی‌صدرآمریکا رابه ایران برگرداند .

توطئهٔ ضدانقلابی بنی‌صدر چند ماه بعداز ۱۴ اسفند شکست خورد و رهبر جبهه با صدراعظمش به آغوش ازهاری گریخت و درکنار اویسی پناه گرفت ، تا به "مبارزات ضدامپریالیستی" ادامه‌دهد . بله‌بنی‌صدرگریخت . خانه ــ های تیمی جبههٔ متحدضدانقلاب در داخل از هم پاشیدوبقایای افراد آن به‌جنگل گریختند .

اماــ وهمه‌حرف دراین اما ست ــ خط بنی‌صدر باقیست .

ضدانقلاب داخلی که‌اکنون زیر پرچم قشریگری موضع گرفته‌است ، همان خط بنی‌صدر را دنبال‌می‌کند . کمی توجه به‌سیاست تبلیغاتی جبههٔ متحد ضدانقلاب ، از بلندگوهای متعدد خارجی گرفته تا آنچه موذیانه درداخل اعمال‌می‌شود ، نشان‌می‌دهدکه درمحور اساسی توطئه‌ضدانقلاب کمترین‌تغییری داده‌نشده‌است . نقشه همان است که برژینسکی به‌وضوح تمام‌آنراطرح کرد : "لازم‌است حوسوءظن وعدم‌اعتماد را که بین‌ایران وهمسایگانش وجود دارد مورد بهره‌برداری قرار داد . رئیس جمهور (کارتر) معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصاً توسط اتحاد شوروی حتما به‌تضعیف سیاست‌خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد" (از دستورــ العمل برژینسکی به وزارت خارجهٔ آمریکا)

آری ازهمان روز اول‌انقلاب نقشه‌چنین‌بود : خارج‌کردن آمریکا از زیرضربه وجانشین‌کردن شوروی بجای آن .

سال پیش در چنین روزهائی بنی‌صدرفراری با تمام‌نیرو این‌نقشه‌را اجرامی‌کرد . بعداز اوکسان دیگری ــ پیدا و ناپیدا ــ خط ونقشه‌او رادنبال می‌کنند . هشیار باشیم . درسالگرد توطئه ۱۴ اسفند ، نقشهٔ بنی‌صدر رابه یاد بیاوریم و ادامه دهندگان آن را رسوا کنیم .

درحاشیهٔ برگزاری دهمین کنگرهٔ فدراسیون سندیکایی جهانی

(بقیه از صفحه اول)

زحمتکشان جهان با سلاح همبستگی علیه انحصارات امپریالیستی و برای صلح و ترقی مبارزه می‌کنند

*** فدراسیون سندیکایی جهانی تجلی‌گاه پیکار یکپارچه زحمتکشان جهان برای طرد عواقب مرگبار حاکمیت انحصارات امپریالیستی و تلاشهای تب‌آلود آنان برای سدکردن پیشرفت اجتماعی است .**

*** سرمایه در اعمال حاکمیت خود درسطح جهانی متحد است ، جنبش سندیکایی نیز ناگزیر است درعرصهٔ جهانی متحدشود و زهر سرمایه را به کام خود سرمایه بازگرداند .**

*** جنبش سندیکایی جهانی ، با آماجهای ضدامپریالیستی ، دمکراتیک و سرمایه‌ستیز خود، خویشاوندی عمیق با آرمان‌های انقلاب شکوهمند اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی ایران دارد .**

*** جنبش سندیکایی میهن ما از پیگیرترین مدافعان انقلاب وجمهوری اسلامی ایران است .**

*** هرجا کارگران متحد و متشکل بوده‌اند ، استوارتر در برابر ضدانقلاب و توطئه‌های آن ایستاده‌اند . بیشتر و بهتر تولید کرده‌اند و آگاه‌تر و منسجم‌تر از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده‌اند .**

*** جمهوری اسلامی ایران باید همهٔ نیروهای زحمتکش انقلابی را آزاد گذارد و به این وسیله راه را برای تحقق آماجهای اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ، یعنی استقلال ، آزادی و عدالت‌اجتماعی ، هموار سازد .**

نه‌گانهٔ قبلی ، نمایندگان کارگران و زحمتکشان پنج قارهٔ جهان ، قطع نظر از تفاوت‌های نژادی، جنسی ، ملی ، مذهبی و مرامی ، بهم پیوستند ، تا با یگانه سلاح برا و کارای خویش، یعنی **اتحاد** ، عمده‌ترین مسائل و وظایفی را که در برابر زحمتکشان جهان قراردارد ، ارزیابی کنند و راه حل انقلابی غلبه برمشکلات موجود را براساس دورنمای روشن آینده، که خود ترسیم کرده‌اند ، به زحمتکشان جهان و همهٔ انسانهای شریف وآزاده و مبارز ارائه دهند .

امروز صدها میلیون مرد و زن زحمتکش جهان ، به مثابه سترگ‌ترین نیروی اجتماعی ، در برابر تهاجم سراسری انحصارات غارتگر سرمایه‌داری بین‌المللی به سرکردگی آمریکا ، در برابر خطر جنگ تجاوزکارانهٔ مرگباری که این نیروها با تمام قوا در برــ افروختن آن می‌کوشند . در برابر عوارض جانکاه ناشی از سلطهٔ سرمایه همچون گرسنگی ، فقر ، عدم تامین آتیه ، بی‌بهره‌گی‌ازبهداشت ، آموزش ومسکن و انبوه پرشماری از دشواریــ های دیگر قراردارند .

فدراسیون سندیکایی جهانی تجلی‌گاه پیکار یکپارچهٔ زحمتکشان جهان برای طرد عواقب مرگبار حاکمیت انحصارات امپریالیستی و تلاشهای تب‌آلود آنان برای سد کردن پیشرفت اجتماعی است . همین تلاش است که درسند کنگره ، با تمام ابعاد تاریخی خود ، بازتاب یافته است .

واقعیت‌های جهان امروز و وظایف جنبش سندیکائی

جهان ما ، علیرغم امکانات شگرف و منابع غنی موجود و با وجود دستاوردهای چشمگیر علم وفن ، که سبب‌ساز بهروزی میلیاردها انسان در حال و آینده می‌تواند بود ، جولانگاه بحران‌های عمیقی است ، که تماما از سرشت ضدبشری نظام سرمایه‌داری امپریالیستی حاکم بربخشی ازجهان نشات می‌گیرد .

بیکاری ، بهره‌کشی ددمنشانه از کارگران و کار کودکان خردسال ، تبعیض درمورد زنان و گرسنگی بخش عظیمی از مردم رنجبر . از عوارض بلافصل این نظام است . بیسوادی قریب به یک میلیارد نفر و فقرسیاه آنان ، که وضع اجتماعی آنان را به تباهی سوق می‌دهد ، درکنار تنعم و قهر و غلبه اقلیتی محدود و معدود دریک نظر اجمالی ، گویای تضاد دردناک دوران ماست . این گره را باید گشود .

دوران ما ، دوران دگرسازی این نظم پوسیده است . هم‌اکنون در جوامع **سوسیالیستی** میلیونها کارگر و زحمتکش تمام بندهای اسارت را گسسته‌اند و ناقوس مرگ سرمایه را بر بام جهان به صدا درآورده‌اند . دراین نظام شالودهٔ جهان دیگری پی‌ریزی شده است که مبشر نفی جنگ و استقرار صلح عادلانه است .

این جا دموکراسی به معنا و مضمون همه خلقی خود : برابری انسان‌ها و توزیع عادلانه نعم موجود ، شکوفایی همهٔ استعدادها و پرورش انسان نوین ، دیگر نه یک آرمان محرد ، که یک واقعیت‌تاریخی‌چشمگیر وابدی است .

درگوشه‌ای دیگر از جهان ، استعمار به برکت خیزش خلقها درهم‌شکسته شده ، بسیاری از خلق‌ها راه سرمایه‌ــ داری را طرد کرده‌اند و رشدی‌مستقل و راه‌گشا راتجربه می‌کنند .

درمرکز حاکمیت انحصارات امپریالیستی ، در دژهای سرمایه ، نیر آتش دیرمان مبارزه بالا میگیرد . نظامی‌کردن اقتصاد ، تورم و رکود ، بیکاری و فقر . . . دربند بند این نظام میرنده راه یافته است . از اینجاست که سرمایه‌داری‌امپریالیستی یگانه مفرخود را درتشدید استثمار تجاوز به حاکمیت خلقها و راندن جهان به لبهٔ پرتگاه جنگ‌جهانی می‌جوید . اما کارگران کشورهای رشدیافتهٔ سرمایه‌داری در راستای مبارزهٔ ضدانحصاری ، پاسداری از صلح و پیکار برای عدالت‌اجتماعی فوج فوج به میدان می‌آیند . جنبش کارگران درکشورهای رشدیابندهٔ سرمایه‌داری نیز در راستای مبارزه برضدامپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته ، بخاطر صلح ، استقلال ، دمکراسی وعدالت اجتماعی گسترش می‌یابد . اعتلای این مبارزهٔ جهانی بند برپای سرمایه می‌نهد و بند از پای پیشرفت و عدالت اجتماعی برمی‌گیرد . سرطان‌سرمایه‌داری از پیکرجامعهٔ بشری به دست اعجازگر کارگران و زحمتکشان ریشه کن‌میشود . امروز برتری نیرو، نه با امپریالیسم و نواستعمار ، نه با زالوهای تاریخ ، که با اردوی ظفرنمون آینده است .

انحصارات چندملیتی البته زهر خود را می‌ریزند و بار بحران را بر دوش زحمتکشان می‌غلطانند . این بحران اقتصاد جهانی راتضعیف می‌کند و از رشد نیروهای تولیدی جلو می‌گیرد . سند کنگره دراین زمینه می‌گوید :

" در زمینهٔ اقتصادی ، تورم و رکود اقتصادی در مبادلات اقتصادی با کشورهای رشدیابندد و با کشورهای سوسیالیستی آثار عمیقا منفی دارند و بدین‌سان درسطح اشتغال درکشورــ های سرمایه‌داری ، قطع نظر ازدرجهٔ رشد آن‌ها تاثیر می‌بخشند .

ازسوی دیگر حاکمیت سرمایهٔ انحصاری میان زحمتکشان کشورهای مختلف رقابت ایجاد می‌کند ، تا ضمن تقلیل بهای نیروی کار . تصعیف قدرت زحمتکشان و ایجاد تاخیر در وحدت صفوف آنان ، استثمار را جاودانه کند .

جنبش سندیکایی جهانی موجودیت خود رامصروف لجام‌زدن بر این سیاست و تلاش خود را معطوف به تحکیم اتحاد ضدانحصاری کرده است ، تا ضمن دفاع از آزادی زحمتکشان ، به رهائی بشریت ازقید بندگی کمک کند . لازمهٔ این نبرد ، نه ضربات پراکنده برشاخه‌های این درخت مسموم ، بلکه به دست‌گرفتن اهرم تولید و کنترل فعالیت‌های صنعتی و تولیدی و انحصارزدایی آنهاست .

سرمایه در اعمال حاکمیت خود درسطح جهانی متحداست ، جنبش سندیکایی نیز ناگزیر است درعرصه جهانی متحد شود و زهر سرمایه را به کام خود سرمایه بازگرداند .

جنبش سندیکایی جهانی دربرابر سیاست جنگ‌افروزانه و تجاوزگرانهٔ سرمایهٔ جهانی ، بر ایجاد نظم نوین اقتصادی ــ اجتماعی در گستره جهان تاکید دارد :

"تحولات ژرفی در دستور روزقرار دارند . که عبارتند از تغییرات دموکراتیک در درون کشورهای سرمایه داری ، درمناسبات میان کشورها برای پایان دادن به سلطه‌گری امپریالیسم برای برقراری نظام نوین اقتصادی بین‌المللی .

مبارزه برای آزادی ، دموکراسی و استقلال خلق‌ها در دستور روزاست . سخن برسرآینده جهان صلح و تفاهم و توافق میان خلق‌ها برای‌برانداختن قطعی همه اشکال بهره‌کشی انسان از انسان می‌رود . زمان ، زمان‌گسترش پرشور علوم وفنون و بهره‌گیری از آنها برای رفاه خلقهاست " .

سندیکاها نمایندهٔ منافع زحمتــ کشان‌اند کانون‌هایی هستند که در آنجا همبستگی و آگاهی به ضرورت تشکل و وحدت عمل شکل‌می‌گیرد . فدراسیون **سندیکایی جهانی** با تمام نیرو می‌کوشد ، تا این وحدت گسترش یابد و اشکال عالی‌تری از همکاری را درمبارزات متحد زحمتکشان جهان سازمان دهد . سند جامعی که در دستور کار دهمین کنگرهٔ **فدراسیون سندیکایی‌جهانی** بود ، نمونهٔ کم نظیر چنین تلاش برنامه‌ای را عرضه می‌دارد . دراین سند واقعیت‌های سترگ جامعهٔ بشری بادقت شگرفی ارائه شده وچشم‌انداز آیندهٔ مبارزه سندیکایی ترسیم شده است .

درمیهن ما

برگزاری دهمین کنگرهٔ **فدراسیون سندیکایی جهانی** مقارن بود با برگزاری سومین سالگشت پیروزی انقلاب درمیهن ما . این تقارن خجسته متاسفانه ، چنان که‌سمت‌گیری مردمی انقلاب ما ایجاب می‌کند ، بازتاب شایستهٔ خود را درجراید و رسانه‌های گروهی میهن انقلابی ما نداشت .

واقعیت این است که جنبش سندیکایی جهانی ، با آماج های ضدامپریالیستی ، دمکراتیک وسرمایه ستیزخود ، خویشاوندی عمیق با آرمان‌های انقلاب شکوهمنداسلامی ضدامپریالیستی ومردمی ایران دارد . ما که خود با زرادخانهٔ توطئه‌های امپریالیستی درگیرهستیم و بدرستی براهمیت پیکار جهانی علیه شیطان بزرگ ــ آمریکا انگشت می‌گذاریم ، باید بدانیم که یگانگی مبارزهٔ خلقــ های میهن ما . از نظرمضمون و هدف با آرمان‌های جنبش سندیکایی‌جهانی نه تصادفی ، بلکه قانونمند و طبیعی است . همهٔ نیروهای صلح دوست و ترقی‌خواه ، همهٔ انسان‌های تحت ستم ، مبارز و زحمتکش در سراسر جهان ، دروجود امپریالیسم به سرکردگی آمریکا دشمن واحدی دارند و درمبارزه علیه آن ناگزیر در سنگر واحدی قرار می‌گیرند .

جنبش سندیکایی میهن ما نیز ، که متجاوز از هفتاد سال از عمرآن می‌گذرد ، از پیگیرترین مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است و برای **استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی** . که سه هدف بنیادی‌جمهوری‌اسلامی‌ایران‌است‌پیکار می‌کند . ولی این‌مبارزه‌دشواری‌است . جمله‌این‌دشواریها تشکل‌ستیزی ، بمثابه میراث ضدمردمی رژیم جابرپهلوی و بعنوان روش جنایتکارانهٔ سرمایه‌داران بزرگ‌وکارفرمایان طاغوتی‌است ، که هم اینک ، که‌به‌سبب‌حضورنیرومند سیاست لیبرالی در برخورد مدیران لیبرال و پاره‌ای‌مسئولین طاغوت‌زده‌نهاد های دولتی ، دنبال‌می‌شود .

نیروهائی که‌برشمردیم ، به‌لحاظ سرشت‌طبقاتی میرنده‌خویش، چشم دیدن اتحاد زحمتکشان را ندارند . انقلاب ما وجمهوری انقلابی ما نیز چشم دیدن‌این‌نیروها را ندارند . بناــ براین تاسف این جانیست . زیرا از دشمن جزاین انتظار نمی‌رود . اما با کمال تاسف باید ازپاره‌ای نیروهای درون‌جبهه‌انقلاب یاد کرده ، بنابر پاره‌ای‌کج‌اندیشی‌ها ، با تشکل‌های صنفی‌کارگران وزحمتکشان میانه‌ای ندارند . آنان‌چنین می‌اندیشند که‌گویا طبقهٔ‌کارگرمتحد درتشکل‌های مستقل صنفی ، باضرورت افزایش تولید ، مبارزه‌باضدانقلاب‌وشکوفائی‌اقتصادی جمهوری‌تناسبی‌ندارد . با این نگرش نادرست ، آنان می‌کوشندتا هر گونه تجمع کارگری را ، درصورت امکان ، مهار کنند ، آن را زیرکنترل خویش گیرندو ، درصورت عدم توفیق ، تیشه برآن‌نهند .

خوشبختانه واقعیت سه ساله جنبش سندیکائی‌ایران ، بویژه بر این اندیشه وعمل نادرست‌خط قرمزکشیده است . تجربه موجود بقوت نشان می‌دهدکه‌هرجا کارگران‌متحد و متشکل بوده‌اند ، استوارتردربرابر ضد انقلاب وتوطئه‌های آن‌ایستاده‌اند ، بیشتر و بهتر تولیدکرده‌اند وآگاه‌ترومنسجم‌تر ازانقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران دفاع کرده‌اند .

هم‌ازاین‌روست که جمهوری اسلامی‌ایران بدرستی‌باید پیوند زحمتکشان‌ایران را ، هم‌از درون‌وهم‌با جنبش سندیکائی‌جهانی ، مغتنم‌شمارد موانع موجود برسراین وحدت ــ از درون وبیرون ــ را از پیش پای‌آن بردارد و از این رهگذر نیروی عظیمی راآزاد گذارد ، که‌درنوک‌پیکان مبارزه علیه‌امپریالیسم‌جهانی ، به‌سرکردگی، شیطان‌بزرگ‌آمریکا می‌رزمد .

به‌بندکشیدن جنبش‌سندیکائی ایران تنها‌بسودامپریالیسم و ارتجاع جهانی وداخلی‌است . زیبنده‌جمهوری اسلامی‌ایران آن‌است که‌همه‌نیروهای زحمتکش‌انقلابی‌را آزاد گذارد وبه‌این وسیله‌راه را برای تحقق آماج‌های‌اصلی انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی‌ایران یعنی ، **استقلال ، آزادی وعدالت‌اجتماعی** ، هموار سازد .

در هفته‌ای که گذشت:

شناخت دوستان انقلاب

یکی از مهمترین وگرهی ترین شناخت‌هائی که هرانقلاب باید به آن مسلح شود، تاخود را حفظ کند، شناخت دوستان ودشمنان واقعی در داخل و خارج است.

پاسخ پیام تبریک حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهوری که هفته‌گذشته برای کیم ایل سونگ رئیس جمهور کره شمالی مخابره شد؛ نشان دادکه ایران انقلابی بطورچشمگیری در این سمت حرکت می‌کند.

درپیام رئیس جمهور ایران ازجمله آمده است: "ملت مادرجریان انقلاب و پس از آن به هنگام مداخلات و دست اندازیهای عمال امپریالیسم، دوستان وفادارومبارزان همدوش خود راعلیه امپریالیسم جنایتکاروقدرتمندان هم پیمان آن بخوبی شناخت. ملت و دولت جمهوری دمکراتیک خلق کره در این مورد مقامی ارزنده دارد. مبارزات پیگیرملت کره علیه امپریالیسم آمریکا و ایستادگی درمقابل این قدرت غارتگر برهیچکس پوشیده نیست و ملت ما که مبارزه وجهادی راستین رابرضد سلطه ـ گری وسلطه پذیری آغازکرده است، بخوبی ارزش دوستان همرزم خود در کشور شما را می شناسد و به دستاورد ـ های آنها بدیده‌ء تحسین می نگرد. دوستانی این چنین باکمک یکدیگرمی ـ توانند بخوبی مشکلات راه پیشرفت خود را برطرف نمایند..." (کیهان ـ ۱۲ اسفند ۱۳۶۰)

جنایت تازهٔ رژیم عراق

رژیم جنایتکار عراق که سرانجام بر اثرسیاست درست ایران مجبورشد، طرح ابتکاری کشورانقلابی ما رابرای ملاقات خانواده اسرای جنگی بپذیرد، هفته‌ء گذشته دست به جنایت تازه‌ای زد.

مزدوران صدامی بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر از معاودین را باپای برهنه درکوهستانهای پربرف غرب رهاکردند تا گرسنه وعریان خود را به ایران برسانند.

این زنان، پیرزنان، کودکان و پیرمردان بیگناه که با مشقت فراوان خود رابه ایران رسانده بودند؛ "خواستار رسیدگی به وضع رقت بارخود از سوی سازمانهای جهانی شدند.

امپریالیسم خبری که به قول حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی ـ در نمازجمعه ـ که اگرایران یک عراقی را از مرز خود اخراج می‌کرد؛ جهان را پراز جنجال تبلیغاتی می‌کرد؛ درباره‌ء این جنایت تازه رژیم صدام سکوت کامل کرد.

تردیدی نیست که سکوت امپریالیسم خبری نمی‌تواند مانع از ادامه راه صدام بسوی جایگاه همه‌ء اسلاف جنایتکار خود شود که مانند او از چنین جنایاتی ابا نداشتند: زباله‌دان تاریخ.

اجرای قانون بدون استثناء

هفته‌گذشته نزدیک به ۱۰۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای اعلام داشتند: "هر جریانی بخواهد ازحدود وثغور قانون اساسی تخطی کند ضدانقلاب وضد خط امام است". نمایندگان دراین نامه ازبازرسی کل کشورخواستند که عاملان کوچکترین انحراف از قانون را به امام، مردم و مسئولان معرفی کنند. (کیهان ـ ۱۰ اسفند ۱۳۶۰)

درهمین حال آیت اله ربانی املشی دادستان کل کشور وعضوشورای عالی قضائی درگفتگوباروزنامه جمهوری اسلامی گفت: "ماتلاش زیادی کرده‌ایم وجلوی قانون شکنی‌ها را تاحدود فراوانی گرفته‌ایم وانشاءالله امیدواریم به این کار ادامه دهیم. در سال ۶۱ و ۶۲ وهمینطورتا به آخر وپیروزی انشاءالله ادعا خواهیم کرد که دیگر درکشورخلاف قانون عملی انجام نمی‌گیرد." (۱۲ اسفند ۱۳۶۰)

بی‌گمان تنها باروش های گفته شده است که دشمنان نقابدار وبی نقاب انقلاب که به شکل‌های گوناگون مانع استقرار قانون هستند رسوا خواهند شد.

ادامه مبارزه با قانون شکنی و معرفی خاطیان به مردم، بسود انقلاب وافشاء کننده کشمیری‌ها وکلاهی‌هاست.

عیدی به خانواده‌ها

درپی دستورات اکیدامام خمینی رهبرانقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مبنی برعفوزندانیان؛ دادستان کل انقلاب اعلام کرد بیشتر از ۱۰ هزار نفر از زندانیان آزاد خواهند شد.

حجت‌الاسلام سیدحسین موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب گفت: "با پیام امام امت مبنی برعفوزندانیان در روز ۲۲ بهمن طی دوماه آینده حداقل حدود ۶ تا ۷ هزار تن از زندانیان وابسته به گروهکها و غیر گروهک های دادسرای انقلاب اسلامی سراسرکشور مورد عفوایشان قرارگرفته و آزاد خواهند شد که با احتساب آزادی زندانیان دادگستریهای کشوراین رقم به بیش از ۱۰ هزارتن بالغ می‌گردد". (جمهوری اسلامی ۱۵ اسفند ۱۳۶۰).

باید این خبر را عیدی به خانواده جوانان صادقی که فریب شعارهای توخالی چپ‌روها را خوردند وبدام افتادند و همچنین عیدی به انقلاب تلقی کرد. بعلاوه بیاد آوریم که گروهی از هواداران سازمانهای سیاسی پشتیبان انقلاب، حامی جمهوری اسلامی ایران نیز متاسفانه، بیگناه و بدون هیچگونه دلیلی دستگیرشده‌اند والبته آزادی فوری آنان ضرورتی مبرم است

اعلام این خبر می تواند درآستانه سال نوطلیعه غلبه انقلاب بر جوخشونتی که آمریکا وعمال آن ایجاد کردند باشد و راه را بسوی تامین همه جانبه امنیت بگشاید. اجرای رهنمود امام می تواند وباید سرفصل تامین آزادی گروههای سیاسی مدافع انقلاب باشد و جامعه را به بستر فعالیت سیاسی سالم وآزاد هدایت کند.

مردم در انتظار تصویب طرح اراضی شهری

درحالیکه هفته گذشته، طرح اصلاحات ارضی درکلیات آن درمجلس شورای اسلامی تصویب شد، مردم همچنان درانتظار تصویب نهائی طرح اراضی شهری بودند که چند ماه از تصویب اولیه آن درمجلس می‌گذرد.

هفته‌ء گذشته مهندس گنابادی وزیرمسکن وشهرسازی در گفت وگو با روزنامه اطلاعات گفت: "اگر انشاءاله قانون اراضی شهری به ما ابلاغ شود و دستمان باز باشد برای اینکه به مردم زمین بدهیم وامکانات شهری نیزفراهم باشد، مسلما امکان تولید مسکن زیاد می شود وانشاءاله راهی است برای اینکه مشکل مسکن تخفیف پیدا بکند وبرای اینکه بحران مسکن حل بشود" (۱۰ اسفند ۱۳۶۰)

وزیرمسکن همان روز به روزنامه‌ء جمهوری اسلامی گفت: "در رابطه با زمین طرح اراضی شهری بتصویب رسیده که البته با یک دواشکال کوچکی که شورای نگهبان گرفته است وبه مجلس برگشته است که انشاءاله بزودی درجلسه علنی طرح وبعدازآن به شورای نگهبان می‌رود وپس از تصویب وتائید شورای نگهبان ابلاغ می شود که بسیاری از مشکل زمین شهریمان حل خواهد شد".

میلیونها مستضعف ومستاجر ایرانی درانتظار تصویب چند باره این طرح هستند تا سرانجام اقدامات اساسی برای تامین مسکن محرومان جامعه آغاز شود.

مبادا فرد مناسبی از کار برکنار شود

همزمان با تشکیل هیئت ها ی بازسازی در وزارتخانه ها و ادارات دولتی، هفته‌گذشته جلسه‌ای برای تبادل نظردرباره "قانون بازسازی نیروی انسانی" تشکیل شد.

آیت‌اله ربانی املشی دادستان کل کشوردراین جلسه خطاب به اعضای شورایعالی قضائی که عضو هیات عالی بازسازی هستند ازجمله گفت: "این بار سنگینی است که بردوش ملت مستضعف ما است که ازطریق این لایحه به شما واگذار شده و شما باید افراد متدین پاک وانقلابی راجایگزین افراد ناپاک در سازمانها کنید. سعی کنید منشاء خدمات ارزنده‌ای دراین کشورباشید. مبادا وسیله‌شما حقی ناحق گردد. نبایدفرد ناباب وغیرمناسبی برسرکاربماند و نه فردمناسبی از کار و زندگی برکنارشود". (اطلاعات ـ ۱۰ اسفند ۱۳۶۰)

این سخنان دادستان کل کشور امیدواری بوجود می‌آورد که در سال جدید هیات‌های بازسازی تجدید نظر اساسی درنیروی انسانی ـ چه شاغل و چه "پاکسازی شده ـ بعمل بیاورند. چه بسیار نیروهای انقلابی مدافع انقلاب که علیرغم داشتن تخصص وجانفشانی در راه انقلاب از ادارات پاکسازی شده‌اند و چه بسیار ضدانقلابیون وحتی ساواکی ـ های شناخته شده که باگذاشتن ریش و بدست گرفتن تسبیح درادارات مانده و حتی مصادر شغل‌های مهم شده‌اند. باید به این بی عدالتی پایان داد. باید ازهمه‌ء نیروهای مدافع انقلاب سود جست و انقلاب را از شرهمه دشمنان انقلاب نجات داد. این امرتنها وتنها با اتخاذ معیارصحیح ممکن است وآن چیزی نیست غیرازخدمت به معیارانقلاب درعمل.

باندهای قاچاق در خدمت امپریالیسم

هفته‌گذشته مقادیر زیادی مواد مخدرتوسط ماموربن مبارزه با مواد مخدر بدست آمد. تنها درسه شنبه‌گذشته ۲۱ قاچاقچی بین‌المللی که درشبکه های عظیم خرید وفروش مواد مخدر دست داشتند در تهران به‌دار آویخته شدند.

سرهنگ رضوی فرمانده ناحیه‌ء ژاندارمری سیستان وبلوچستان در مصاحبه با روزنامه اطلاعات گفت: "ازتاریخ ۶۰/۷/۱ تا آخر بهمن ماه گذشته مقدار ۴۲۹ کیلوگرم هروئین مقدار ۲۸۰ کیلوگرم تریاک و در حدود ۳۱۰ کیلو و ۸۰۰ گرم انواع دیگر مواد مخدر کشف و ضبط شده است" (۱۲ اسفند ۱۳۶۰)

به گفته سرهنگ رضوی درهمین مدت ۲۳۸۰ قاچاقچی با بیش ازیک تن مواد مخدر ویازده ونیم کیلوطلا بدست ماموران (همانجا) افتاده‌اند.

فرمانده ناحیه ژاندارمری سیستان وبلوچستان وجود باندهای قاچاق و گسترش آنها را چنین ارزیابی کرد: "توطئه مزدوران آمریکا این است که با خارج کردن طلا وگسترش قاچاق به اقتصاد ماضربه بزنند" (همانجا) او افزود: "می توانم بگویم درکل مردم سیستان و بلوچستان از دست این قاچاقچی‌های سرمایه‌دار و پول پرست دل‌خونی دارند... اغلب قاچاقچی‌های سرمایه ـ دار شناخته شده‌اند وچندتن از آنان نیزهم اکنون در زندان هستند..." (همانجا)

این سخنان باردیگر پیوند سرمایه ـ داران بزرگ را با قاچاقچیان نشان دادوخطر ناشی ازآنها را درشرایطی که: "بعلت بازبودن مرزهای شرقی کشور ـ مان بویژه افغانستان، وتاحدودی پاکستان عرصه تاخت وتاز انواع قاچاقچیان ایرانی افغانی و گاهی پاکستانی شده" (همانجا) بیشتر از پیشتر فاش کرد.

دراخبارمربوط به کشف مواد مخدر درهفته‌گذشته اعلام شدکه سه تن ازقاچاقچیان که درتهران بدارآویخته شده‌اند افغانی بوده وهمچنین "یک سوم قاچاقچیان دستگیرشده دراصفهان افغانی هستند" (روزنامه‌ها ـ ۱۰ اسفند ۶۰) و به این ترتیب "مبارزان افغانی" دست در دست سرمایه‌داران بزرگ و باندهای قاچاق بین‌المللی علیه انقلاب ایران به فعالیت مشغولند. چرا؟

ژاپنی‌ها بی‌نتیجه رفتند

بعدازسه سال که امپریالیسم ژاپن ایران را برای اتمام باقیمانده طرح بزرگ مجتمع پتروشیمی بندرامام خمینی ـ ۱۵ درصد ـ سرمی دواند، آخرین دورمذاکرات بازهم به‌نتیجه نرسید و ژاپنی‌ها تهران راترک کردند.

بعدازاینکه ژاپنی‌ها بابی نتیجه گذاشتن سومین دور مذاکرات اخیر تهران راترک‌کردند؛ آقای غرضی وزیر نفت گفت: "مساله به جائی نیانجامیدو خاتمه پیدا نکرد" (کیهان ـ ۹ اسفند ۶۰)

دوراخیرمذاکرات هرچند به قول وزیرنفت: "یک مقدار امید بخش تربود" اما بازهم نشان دادکه ژاپنی‌ها قصد ندارنداین مجتمع عظیم را به‌پایان برسانند. روشن‌ترین دلیل آن هم این است که این امربزیان امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکاست. و ژاپن نمی‌تواند به برادربزرگ خودخیانت کند. بنابراین همانطورکه وزیرنفت به درستی گفته است: "ما وظیفه داریم این سرمایه‌گذاری عظیمی راکه‌شده است حتما به‌نتیجه برسانیم ودراین رابطه هر نوع کاری که ازدستمان برمی‌آید انجام خواهیم داد" (همانجا)

برای انجام این وظیفه به‌نظر ما بهتراست هرچه‌زودتر اتمام کارمجتمع به کشوری سپرده شودکه بلافاصله و بدون قیدوشرط سیاسی دیگری که‌از لحاظ اقتصادی به‌صرفه‌ما باشدحاضربه‌انجام کارباشد.

تلاش مذبوحانه

هفته‌ء گذشته بقایای ضد ـ انقلابیونی که درجنگلهای شمال لانه کرده‌اند دست به‌تلاش مذبوحانه دیگری زدند. آنها به‌شیرگاه مازندران حمله کردندو ۲ عضوبسیج شیرگاه را به شهادت رساندند. ضدانقلابیون ارتباط تلفنی شیرگاه راقطع وقطار گرگان ـ تهران را متوقف‌کردند تلاش مذبوحانه آنها باحضورمردم که فریاد مرگ برآمریکا سرداده بودندخنثی شدندوضدانقلابیون باز هم به‌جنگل گریختند.

این‌حادثه بازهم نشان دادکه ضدانقلابیون تاچه حددرمیان خلق منزوی و رسوا هستند.

ایران وآلمان دمکراتیک پروتکل اقتصادی امضا کردند

هیئت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران وجمهوری دمکراتیک آلمان در پایان گفتگوهائی که‌طی دوهفته‌اخیر در کشورمان جریان داشت تفاهمی را در مورد همکاری جهت تکمیل و راه‌اندازی صنایع نیمه تمام ایران و توسعه‌ء همکاریهای صنعتی وفنی بین دوکشور امضاءکردند.

براساس این یادداشت تفاهم که بین قائم مقام وزارت صنایع ایران وقائم مقام وزارت صنایع سنگین جمهوری دمکراتیک آلمان به‌امضاء رسید، جمهوری دمکراتیک آلمان موافقت کرده است که‌در مورد مواد خام ماشین آلات و انتقال تکنولوژی ومسائل فنی وآموزشی باکشورما همکاری‌کند. طرفین همچنین موافقت‌کردند که‌در مورد صنایع ماشین‌ـ سازی، صنایع خودروسازی، صنایع ریخته‌گری وآهنگری، صنایع متالورژی و معدن، صنایع سیمان ومصالح ساختمانی نیز بایکدیگرهمکاری‌کنند. براساس این یادداشت تفاهم، دوطرف موافقت‌کردند برای به‌اجرادرآوردن این توافقها سالی یکبارجلسات مشورتی صنعتی در برلن و تهران برگزار شود.

هیئت آلمانی طی دیدارخود از تهران از وزیرصنایع جمهوری اسلامی ایران دعوت کرد که‌ازکشورجمهوری دمکراتیک آلمان بازدیدکند.

همچنین بنا بگفته قائم مقام وزارت صنایع جمهوری اسلامی ایران این هیئت ونیزهیئتی که‌قبل‌ازآن به‌ایران آمده بود، آمادگی خود رابرای همکاری در مورد معادن، نیروگاه‌هاونیزدر زمینه پتروشیمی اعلام داشتند.

هیئت اقتصادی جمهوری دمکراتیک آلمان، روزیکشنبه ۹ اسفند ماه‌سال‌جاری تهران را به‌قصد برلن ترک کردوسرپرست هیئت اظهار امیدواری کرد که‌هیئت دیگری برای بررسی همکاری ـ های فنی وآموزشی ومسائل تخصصی مربوط به‌ایران بیایند.

پیش بسوی...

بقیه از صفحه ۱۱

کوتاه از میان خواهیم برد." (نقل از کتاب "چند سئوال...")

این نظریات انقلابی وعدالت ـ خواهانهٔ وقتی برای مردم ملموستر می‌ـ شوند که درحل مسائل مبتلا به آنها، از قبیل اصلاحات ارضی، اراضی شهری مسکن، تجارت خارجی و... نمود پیدا کنند.

درباره لزوم حل مسائل بنیادی جامعه به‌نفع توده‌های زحمتکش و تاکید آن ازجانب مسئولین مختلف جمهوری اسلامی ایران، بویژه باید ازسخنان آیت‌اللهمشکینی امام جمعه قم ـ که‌خود ازتدوین کنندگان طرح اصلاحات ارضی اسلامی است ـ یاد کرد. سخنان ایشان در زمینه‌ء لزوم تصویب واجرای بند "ج" بااستقبال اکثریت نمایندگان مجلس و نهادهای انقلابی روبرو شدوامیدواری دهقانان وهمه‌ء انقلابیون کشور را به اجرای قریب‌الوقوع این طرح چندبرابر کرد.

همچنین باید باردیگر به‌سخنان حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور اشاره‌کرد که در دیدار با اعضای جهاد سازندگی خراسان، "اصلاحات ارضی" را "فریضه‌ء قطعی" دانست و بر لزوم اجرای آن تاکید کرد.

حجت‌الاسلام کروبی نماینده‌ء مجلس شورای اسلامی وسرپرست "بنیاد شهید" نیز درمصاحبه با اطلاعات (۶۰/۱۱/۲۵) بار دیگر بر این امر تاکید‌کرد وگفت:

یکی از مسائل، مسئله‌ء زمین و زراعت است که باید همان طرحی که حضرت آیت‌اللهمنتظری وشهید آیت‌ـ اللهبهشتی وآیت‌اللهمشکینی داشتند به مجلس بیاید. مسئله زمین دردی است برای جامعه وکشاورزان ما، که به حق محروم‌ترین مردمند، وباید سریعا این مسئله حل شود."

"ملی‌کردن تجارت خارجی" نیز دراصل ۴۴ قانون اساسی به‌صراحت قید شده است. حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور دراین مورد گفت:

"من بعنوان رئیس قوه‌مجریه مایل هستم که‌هرچه‌زودتر سرانجام این لوایح (اصلاحات ارضی ـ بازرگانی خارجی) روشن شود." (جمهوری اسلامی ـ ۶۰/۱۰/۱۹)

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ء اطلاعات (۶۰/۱۱/۳) درباره این مسئله گفت: "لایحه تجارت خارجی وقتی که اجرا شود ـ که ماعملا اجرایش راشروع کرده‌ایم ـ خود این دیگر از این به‌بعد جلوی سودهای بیربطی را، که یک دفعه یک‌نفر را در اثر یک‌معامله خارجی میلیاردر می‌کرد، می‌گیرد."

به‌این‌ترتیب مثل آفتاب روشن است که‌سمت‌گیری انقلاب اسلامی ضد ـ امپریالیستی ومردمی ایران به سوی تامین "عدالت اجتماعی" است. موارد مشخصی نیز که باید با انجام آنها این عدالت تامین‌شود ـ چنانکه آمد ـ بر مسئولان درجه‌اول کشور روشن‌است.

اکنون، تنها باید در انتظار پیاده‌شدن "عدالت اجتماعی" برشالوده تصویب واجرای قوانین انقلابی بود.

اتحاد مردم

شماره ۱۱۹ دوره سوم دوشنبه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۶۰

احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها و...

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران بمناسبت هشتم مارس

فرخنده باد هشتم مارس، روز همبستگی و مبارزهٔ مشترک زنان در سراسر جهان!

کمیته‌مرکزی حزب‌توده‌ایران ، هشتم مارس (۱۷اسفند) ، روز همبستگی و مبارزه‌مشترک‌زنان ومادران سراسر گیتی راعلیه‌امپریالیسم‌وارتجاع، بخاطر استقلال ، دموکراسی ، برابری‌حقوق‌زن و مرد وحفظ صلح درجهان ، به زنان رزمنده‌ایران صمیمانه‌شادباش میگوید .

انقلاب شکوهمند بهمن ، به زنان ایران فرصت‌داد ، تاحصار خانه‌ها را درهم شکنند ، به صفوف پیکار خلق بپیوندندوتمام‌نیرو واستعداد وخلاقیت‌خویش را درخدمت نبرد علیه‌طاغوت‌و امپریالیسم‌جنایتکار حامی آن‌بگذارند .

زنان‌انقلابی وزحمتکش میهن‌ما درپیروزی انقلاب ، پاسداری از دستاوردهای آن وتدارک جبهه‌وپشت‌جبهه جنگ تحمیلی آمریکائـی‌ـ صدامی چنان‌حماسه‌های شگرفی از مقاومت‌وایثار آفریدند ، که گواهی‌است زنده بر درجـهء والای رشدسیاسی‌واجتماعی آنان ، بر شایستگی زنـان دراحرازتمامی‌حقوق‌سیاسی‌واقتصادی‌واجتماعی که ، نظام استبدادی وضدمردمی پیشین‌از آنان سلب کرده‌بود .

متاسفانه‌استیفای‌حقوق‌زنان ، کـه از اهم وظایف نظام‌مردمی وضداستبـدادی جمهوری اسلامی‌ایران‌است ـ وارجی که قانـون اساسی جمهوری‌اسلامی‌ایران برمقام‌زن درجامعه‌گذاشته‌ء گواه‌آنست ـ هنوز تحقق نپذیرفته است ودست‌ هائی درکارآنندکه باایجاد دشواری‌های‌گوناگون درشرایط‌کار و زندگی زنان ، این نیروی عظیم را دچار یاس وسرخوردگی سازند وآنهارا به ثمرات انقلاب بدبین کنند .

عناصر قشری ، لیبرال‌ها ، افراد مشکوک و وابسته به رژیم پیشین ، زیرپوشش‌دفاع‌دروغین ازاسلام ، تضییقات بیشماری نسبت به زنان روا میدارند . بجای تحقق‌اصول‌قانون‌اساسی‌جمهوری اسلامی‌ایران‌که بر ضرورت "حفظ‌کیـان وبقای خانواده" تاکید دارد ، آنها با صـدور احکام ظالمانه درباره‌ء دعاوی‌خانوادگی ، درواقع کیان خانواده رابیش از پیش متزلزل‌ساخته‌اند . مردها ازحق‌طلاق انحصاری‌برخوردارندو چندهمسری دراشکال دائمی ومنقطع آن‌رواج بیشتری یافتـه است . زنان‌هیچ پناه و مرجع قانونی ندارند و ، در صورت شکایت ، به‌اطاعت و تمکین دعوت‌می‌ـ شوند . این‌گروهها برای مادران ، که‌قانون‌اساسی برحمایت از آنها اصرار دارد ، حقی نمی‌شناسند وحتی‌مادرانی را که همسران خویش را درجبهه‌ـ های جنگ‌عادلانه علیه رژیم‌جنایتکار صدام از دست‌داده‌اند ، به‌ترک کودکان خردسـال خود مجبور میکنند و خردسالان بی‌پناهی که سایه‌پدر را بر سرندارند ، از‌آغوش مادر نیز ربوده‌میشوند. این‌ظلم‌فاحش ، دردوران جنگ هفده‌ماهه ، چنان ابعادوسیعی بخود گرفته ، که‌مجلس‌شورای‌اسلامی برای‌استیفای‌حقوق این‌گروه از مـادران ستمدیده ماده‌ء قانونی به‌تصویب‌رساندو **امام‌خمینی** طـی حکم‌ویژه‌ای ، احقاق‌حقوق‌مادرانی‌راکه شوهرانشان به‌شهادت‌رسیده‌اند ، به‌سرپرست بنیـاد شهید توصیه‌کردند .

شرایط‌کار زنان شاغل نیزتاسف‌آوروعاصی کننده‌است . در شرایطی‌که برای بازسازی میهن انقلابی‌وپی‌ریزی اقتصاد ملی و مستقل خود ، به نیروی تلاش وخلاقیت تمام‌شهروندان ، اعم از زن ومرد ، نیازداریم ، عده‌ای سعی دارند تازنان رابه‌خانه‌ها بفرستند وآنانرا ازفعالیت در عرصه فرهنگ‌ء آموزش ، بهداشت ، تولید وخدمات دور کنند .

کارفرمایان و مدیران طاغوتی کمبود مواد خام وقطعات‌یدکی را بهانه قرار دادنـد ، تا بسیاری از کارگران زن را از کار اخـراج کنند . دشمنان‌آگاه و دوستان ناآگاه ، جمعی از زنان آموزگار و دبیر دگراندیش انقلابی رادر جریان پاکسازی‌ها منفصل کردند و در سایر وزارت‌خانه‌ـ ها وموسسات دولتی ، بخشی از زنان‌کارمندمومن به‌انقلاب‌اخراج ، بازنشسته و یا بازخرید شده‌اند .

زنان‌شاغلی که ازصافی "پاکسازی"هاگذشته وظاهرا در مشاغل خودتثبیت‌شده‌اند ، همواره‌در محیط‌کار درمعرض‌برخوردها ، شماتت‌ها وتضییقات قراردارند .

تعداد مهد کودک‌ها ، که بسیار ناچیز بود ، براثر انواع اشکالتراشی‌ها ناچیزتر شده‌است ، تا مادران کارگر و کارمند مجبور به ترک شغل‌شوند . وزارت آموزش وپرورش ، در شرایطی که‌به‌قول‌خود به‌۴۷هزار معلم نیاز دارد ، این‌حق را برای خود قائل است ، تامادران شاغل را پس‌از سپری شدن مرخصی دوران زایمان ، از کار اخراج‌کند . صحبت ازآنست که مادران شاغل در سراسر کشور ، نیمه‌ـ وقت کارکنند و نصف حقوق و دستمزد را دریافت دارند ، واین علیرغم اصل مسلم قانون‌اساسی‌است که‌حمایت‌ازمادران رابه‌هنگام بارداری و حضانت فرزندتاکید میکند .

زنانی که با بهانه‌هائی نظیر "تورم‌دستگاه اجرائی" ازکاراخراج‌شده‌اند ، کم‌نیستند ، درحالی که "تورم‌کارمند" با اخراج زنان علاج‌نمیشود و برای درمان این دردباید ازنیروی مازاد ، چه‌زن وچه‌مرد ، در بازسازی کشور ومشاغل‌مولداستفاده شود ، نه‌آنکه‌برارتش‌بیکاران‌بیفزایند .

نباید ازیادبرد که درجه آزادی درهرکشور، باآزادی‌زنان‌آن‌کشور دراستفاده‌از حقوق سیاسی‌و اقتصادی‌واجتماعی سنجیده‌میشود . آنها که می‌ـ خواهند نیروی زنان را درحصار خانه‌ها به بند کشند ومیهن انقلابی ما را ازاستفـاده از نیروی کار نیمی از جمعیت کشور محروم سازند ، در خط انقلاب ضداستبدادی ، ضدامپریالیستی و مردمی ماحرکت‌نمیکنند .

زنان ومادران انقلابی و زحمتکش !

سرنوشت شما با سرنوشت‌انقلاب محکم‌گره خورده است ، روزی که انقلاب در طـرد کامـل امپریالیسم جنایتکار بسرکردگی آمریکا ، درپیاده کردن خط ضداستبدادی ، ضدامپریالیستـی و مردمی‌**امام‌خمینی** وتامین‌عدالت‌اجتماعی ، پیروز شود ، شمانیزجای شایسته‌خویش‌را در جمهوری نوجوان ما احراز خواهید کرد . آنروز دیگردست‌ـ های‌ناراضی‌تراش ونفاق‌افکن‌وقشری‌گرایانـی که سیمای موهن از جمهوری‌اسلامی‌ایران ترسیم‌می‌ـ کنند ، منفرد خواهند ماند . وروشن‌است که‌رسیدن به‌این‌اهداف والا ، بدون شرکت فعـال شمادر مبارزه عموم خلق ، بدون مبارزه پیگیر وخستگی‌ـ ناپذیر شما برای بدست‌آوردن حقوق پایمال‌شده‌ء خودامکان‌پذیر نیست .

زنان ومادران رزمنده !

شما انسان‌های متعهد ومسئول ، پیوندهای خویش را با پویندگان خط **امام‌خمینی** استحکام بخشید . همه‌ء توان رزمی خودرا بـرای پیروزی جمهوری‌اسلامی‌ایران درنبرد علیه‌امپریالیسم به سرکردگی آمریکا بکار برید . ضدانقلاب را درهمه‌ء جبهه‌ها مایوس کنید ، تردیدنداشته باشید که جو زن‌ستیزکنونی دوام نخواهد داشـت . روزی‌که انقلاب در نبرد علیه دشمنان‌رنگارنگ خودپیروز شود و به‌راه تامین حقوق محرومان‌جامعـه گـام گذارد ، شما که‌محروم‌ترین محرومان جامعه‌هستید ، به‌احراز حقوق‌انسانی خویش توفیق خواهیدیافت

پیـروز باد مبارزه زنان ایـران علیـه امپریالیسم بسرکردگی‌آمریکای‌جنایتکار !

زنده باد جمهوری اسلامی ایران برهبری امام‌خمینی !

موفق‌بادمبارزه‌ء زنان‌ایران‌در راه‌دمکراسی وبرابری حقوق زن و مرد !

فرخنده‌باد هشتم مارس ، روزهمبستگـی و مبارزه‌ء مشترک زنان در سراسر جهان !

کمیته‌ء مرکزی‌حزب‌توده‌ء ایران
۶۰/۱۲/۱۱

شبکه‌های...

بقیه‌ازصفحه۱

منطقا نمیتواند کار آن ده درصد بقیه باشد . ده درصدی که یا نادم شده ، یا گوشه‌عزلت‌گزیده‌اند ، ویاحتی اگر هنوز فعال‌باشند ، دایره‌ء عملیاتشان نمی‌ـ تواندبه این گستردگی باشد . پس‌اینها چه‌کسانی هستند ؟ این‌بمب‌گذاران ، این دشمنان‌دست به‌اسلحـه‌ء مردم کیانند ؟

رئیس‌جمهور ، حجت‌الاسـلام خامنه‌ای ، درآن زمان که هنوز رهبران سازمان ضدانقلابی دستگیر یا کشـته نشده و ۹۰ درصد اعضای آنها هم به دام نیفتاده بودند ، به‌این سئوال چنین‌پاسخ داد : " . . .شما تصورنکنید که‌همه‌ء این‌انفجارها وترورها مربوط به گروهک‌هاست ، بلکه‌فراریان رژیم سابق وساواکی‌ها هم سهم دارند . همان‌کسانی که‌در روزهای اول انقلاب افراد کمیته راترور می‌کردند و آنها را شهیدمی‌ـ ساختند ، امروز بازهم مشغول هستندبه توطئه که ما نباید از آنها غافل‌باشیم . . . " (۲آذرماه ۶۰ـ روزنامه‌ها) وبه درستی نباید ازنقش مهم‌ترین سازمان حافظ رژیم وابسته پهلوی و یکـی از مخوف‌ترین سازمان‌های ضد انقلابـی غافـل‌بود ، سازمانـی که وظیفـهء خائنانه حفـظ سلطـهء شاه‌آمریکائی بر مبارزان ایرانـی وسفره‌زحمتکشان میهن‌ما ، به ان‌سپرده‌شده‌بود . این سگ نگهبان امروز بیکار نیست : " . . . پس ازپیروزی‌انقلاب‌اسلامی ، ساواک‌باحفظ تشکل به‌کنار نشست ومنتظر فرصت شد . . . " (آزادگان ـ ۴ اسفند ۶۰) واین فرصت ، دقیقا وبه‌طور کامل ، از جانب دولت‌موقت لیبرال‌ها ، که‌تعدادی از اعضای آن‌مستقیما از سفـارت امریکا هدایت‌می‌شدند ، وبقیه نیز از روی حسن‌نیت ! فقط وفقط حکومت سرمایه واصلاحات گام به‌گام را قبول داشتند برای سازمان امنیت شاه فراهم آمد . تا جائی که هنوز دوماه از انقلاب‌نگذشته ساواکی‌ها برای‌گرفتن "حقوق‌شان" در مقابل‌نخست‌وزیری متحصن‌شدنـد و مدتی بعد نیز از جانب ابوالحسن‌بنی صدر درحقیقت مشمول‌اعاده‌ء حیثیت شدند ! " . . .چهل و چهـار هـزار مامور ساواک مشمول اعاده حیثیت قرار خواهند گرفت ومی‌توانند در ادارات دولت‌جمهوری‌مشغول کار شوند . . . " (از مصاحبه بنی صدربا لوموند ـ ۲۴ مارس ۸۱) وپس‌از آن دیگـر ساواکی بودن جرم‌نبود . صدها ساواکی ، که‌در روزهای‌انقلاب توسط مردم‌مبارز میهن مادستگیرشده‌بودند ، یکی پس‌ازدیگری آزادمیشدند و به‌آنهامرخصی ! داده میشد : " . . .آزادی ساواکی‌ها باصدور قراریک‌میلیون‌تومان صورت میگیـرد و علاوه براین از همسر ونزدیکانشان نیز تعهد گرفته‌میشود که هروقت دادسرای انقلاب خواست ، متهمین بایستی خود رامعرفی‌کنند . . . " (۱۷ تیـر ۵۸ ـ اطلاعات ـ آیت‌الله آذری قمی) حتی "حسن‌ثنا" مشاور امنیتی پرویز ثابتـی ومعاون بخش‌امنیتی ساواک نیز شامـل حال این "رافت" شد . "غلام عباس شرفی" رئیس اداره‌های ساواک رشت ، انزلی ، آستارا ، طیبات ، پارک خرم و غرب تهران تنها به‌سه‌سال‌حبس‌محکوم گردید وتازه دولت ملزم شـد که‌خرج خانواده این‌عنصر ساواکی را ، که ساکن قصر چندمیلیونی وی درفرحزادبودند نیز بپردازد !!

ساواکی‌ها گروه گروه آزاد شدند . دربسیاری ازشهرها ساواکی‌ها‌به کمک سایرچهره‌های ناپیدای ضدانقلاب و عناصر نفوذی‌مجددا‌به کارگمارده‌شدند ساواکی‌های شهرکرد‌مشغول به‌کارشدند وخلاصه‌کاربه‌جائی رسید که ساواک که منتظر فرصت‌بود ، به‌کمک همـهء عناصر تطهیر شده!! خود " . . .شیـوهء مبارزه مخفی برعلیه جمهوری‌اسلامی‌ایران را برگزید . . . " (ازمقاله‌نامبرده‌آزادگان) درحالیکه ترکیب اصلی آن‌تقریبادست نخورده باقی مانده‌بود : " . . .از سی هزارنفر عضو ساواک ، حتی صدنفر نیز اعدام نشدند وفقط حدود ۱۰۰۰ نفر ازآنان توانستندبخارج‌ازکشوربگریزند . درنتیجه ساواک . . .به‌خاطر لیبرال ـ بازیهای‌دولت‌موقت ، بطور کامل ازهم پاشیده نشدوعناصر شناخته‌نشده‌ساواک هنوز می‌توانند مورد سوء استفـاده‌ء امپریالیسم‌جهانی‌قرارگیرند . . .برای کشف‌ریشه‌بسیاری ازنابسامانی‌ها باید مجددا ریشه‌های این‌تشکیلات‌جهنمـی مورد بازبینی‌مجدد قرار گیـرند . . . برای‌کشف ریشه بسیاری از نابسامانی‌ـ ها باید مجددا ریشه‌های این‌تشکیلات جهنمی‌مورد بازبینـی مجدد قرار گیرد . . . " (مقاله‌آزادگان)

در حال حاضر ، ودر نتیجه همان سیاست ، " . . .روسای ساواک در دیگر کشورها فعالتر از سایر عنـاصر ضد‌ـ انقلابی هستند . ثابتی در تل‌آویو به فعالیت مشغول است . . . رسـولی در یونان بسیار فعالیت‌کرده‌بودوهنوزهم درآنجابه‌فعالیت‌مشغول‌است . . . خبر ـ چینان ساواک ویاافراد شناخته‌نشده ساواک‌بصورت‌فردی‌ویاگروهـی علیـه جمهوری‌اسلامی‌فعالیت‌می‌کنند . اقدام جنایتکارانه انفجارنخست‌وزیری‌توسط کشمیری ، ازعملیاتی بود کـه توسط ساواک و منافقین (که آنهـا هم در خدمت ساواک قرار گرفتند) به صورت مشترک برنامه‌ریزی شده‌بود . . .فـرار کشمیری . . .بخوبی نشان‌میدهـد که نوعی تشکل هنوز بین‌افراد ساواک وجود دارد . . . اینکه‌ناگهان‌شایعه‌ای‌با دامنه‌بسیار وبصورت‌ناگهانی درجامعه مطرح‌میشود ، نمیتواند جدا از سازمان دهی ساواک باشد . . . " (همان‌مقاله)

و : " . . .دسته‌های مختلفی در این‌کارها (بمب‌گذاریها و ترورها) شرکت دارند . ساواکی‌های‌سابق‌هستند که‌در اثر سوء سیاست‌ما متاسفانه اینها علیه‌انقلاب نیز درتوطئه شرکت‌می ـ کنند . . .وفکر می‌کنم که‌عمـده‌ء این بمب‌گذاری‌ها کاراین‌جماعت‌باشد . . . " (اردیبهشت ۶۰ـ جمهوری‌اسلامی ـ از سخنان بهزاد نبوی) آری ، "عمال ساواک که سالها با سیای‌امریکا ، موساد اسرائیل‌وسازمان‌اطلاعات پاکستـان ، پیوند استوار داشتند ، پس از انقلاب ضدامپریالیستی ایران‌بیکارننشسته‌اند . . .سرکردگان ساواک‌که به فـرار از دادگاه عدل خلق موفق و در پاکستان به‌عنوان پناهنده سیاسی پذیرفته‌شده اند اکنون در دادگاههـا و مـراکـز جاسوسی درسمت مشاور و مشاق کارمی کنند . . . " (۲۶ فروردین ۶۰ نشریه هندی "نیوایج") واین تعاون ضـد‌ـ انقلابی ، نمودانختاپوسی‌خودرا ، این روزهابیش ازهروقت‌دیگر ، در ایـران انقلابی به‌منصه‌ظهورگذاشته‌است . هر چه ازتوطئه‌های ضدانقلابـی‌ارکستـر هماهنگ‌ارتجاع‌جهانی ، علیه‌انقـلاب ایران‌بیشترپرده‌دری‌میشود پیوندهای نامقدس اجزاء آن نیز بیش ازپیش‌بر‌ـ ملامی‌گردد . " . . .درمدرسه‌علوی . . . کسی‌راآوردندبه‌نام وفاقاضـی‌زاده و خواهرش . . .بعدازسه‌روزآنها را ول کردیم‌رفتند . بعدا که گـروه فرقـان دستگیرشد ، معلوم شد وفاقاضی زاده ، راننده همان ماشـین بود که استـاد مطهری را زده‌بود . . .و ما خودمـان مرغ را از قفس پرانده بودیم . . . " (از سخنرانی مهندس نبوی در مسجدحاج امجد ـ ۳اردیبهشت ۶۰)

وهنگامی که چپ‌نماها وقاسملوها منافع خلق کرد را مورد حمله‌قرارمی ـ دادند ، روشن‌شدکه ، " . . .وی (کمالـی شکنجه‌گر ساواک) در . . .درگیری‌های کردستان شرکت داشته‌است . . . " (۵ خرداد ۵۹ـ جمهوری‌اسلامی) وهمان زمان‌که‌ساواکیهای‌آزادشده‌به‌خودشان این‌اجازه‌راداد‌ند که حتی از شرکت در این‌توطئه‌ها‌هم ابا نداشته‌باشند . . . " (سخنان‌نبوی) حجت‌الاسلام ری‌شهری حاکم شرع و رئیـس دادگاه انقلاب اسلامی سر دیگر آنان را افشا و اعلام کردکه‌سازمان گسترده تحـت عنوان پاسداران رژیم سلطنتی ، با نام مختصر "پارس" ، که درخارج از کشـور با فراریان ضدانقلابی ، که سران‌ساواکی‌ـ هانیز در میان‌آنهاهستند ، ودرداخل کشوربا "تعدادی ازبازاریان"وتعدادی‌از روحانیون"ارتباط دارد ، قصـد بمب‌ـ گذاری درچند مرکز حساس ، از جملـه محل‌نمازجمعه تهران را داشته‌اند (۳ خرداد ۶۰ـ روزنامه‌ها) اعضای دستگیر شده‌این‌گروه اعتراف‌کردند که‌نقشـه آنهاچنین‌بوده‌است : " . . .تشدیدجو نارضایتی ، از مشکلات کـوه ساختن ایجادبدبینی نسبت به‌حکومت ، بمب گذاری ، ترور و ضربه‌ء نهائـی . . . " (۳خرداد ۶۰ـ اطلاعات) عملا هم می‌بینیم که‌شرکت ساواکی‌ها در توطئه ها شکل‌مشابه‌دارد ؟ آری ساواکی‌ها و سایر عمال ضدانقلاب‌از آن"تعدادی‌از بازاریان"گرفته تا آن "تعـدادی‌از روحانیون"چشم‌وگوش‌ودست‌آمریکا در ایران‌هستند . این‌دستهارا‌باید برید " . . .همه‌آن‌ساواکی‌هائی را کـه قبلا می‌شناختید ، یکبار دیگر زیرنظرشـان داشته‌باشید . . .بایدهمان‌هشیـاری اول‌انقلاب‌راباز‌هم داشته‌باشید . . . " (سخنان‌مهندس نبوی) وهشیـاری باز هم بیشتر ، زیرا که امروز انقلاب شکوه ـ مند مردم‌ما ، یکی ازحساس‌ترین‌مراحل خودرا می‌گذراند ولذاهشیاری‌بیشتری رانیزمی‌طلبد . در چنین‌شرایطی ، امروز هم مثل‌روزهای اول‌انقلاب برای درهم شکستن شبکه‌ء مخوف ، ساواک ، باید :

ـ لیست ساواکی‌هارا منتشر کردو هرکدام ، ازآنهارا به‌نسبت‌وابستگی‌شان به‌ساواک‌مجازات وبه‌مردم معرفی‌نمود .

بقیه‌درصفحه۱۶

سیاست . . .

"پنجره" به‌کشور بازگردانند. پس از شکست توطئه‌بنی‌صدر، نیروهای انقلابی پیروخط امام، امکان یافتند که با انتخاب آقای میرحسین موسوی برای مقام وزیر خارجه، سیاست خارجی را، با بهره‌گیری ازتجارب منفی گذشته، در مسیری قرار دهند که بتواند بتدریج درخط انقلاب قرارگیرد وپاسخگوی نیازمندیهای انقلاب وجمهوری اسلامی ایران باشد.

مضمون اساسی یک چنین سیاست خارجی، بهره‌گیری ازتمام نیروهای بین‌المللی قابل بهره‌گیری برای مقابله با دشمنان بنیادی و آشتی‌ناپذیر، که در راس همه آنها آمریکا است، برای رفع نیازمندی‌های جمهوری اسلامی ایران، برای پیشرفت بسوی استقلال کشور، درهمهٔ ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی آنست.

باخوشوقتی می‌توان مشاهده کرد که سیاست خارجی می‌رود که در همین خط انقلابی خود حرکت کند، متحرک و فعال گردد. رئیس جمهور درهمان گفتار رادیو ـ تلویزیونی گفت:

"وقتی امروزما درکل، به‌سیاست خارجی نگاه‌می‌کنیم، می بینیم که در دنیا ما دشمنان ودوستان نزدیکی داریم وافراد بی‌تفاوتی داریم وسعی داریم دوستان خود را حفظ وآنان را بدوستان نزدیک تبدیل کنیم وبی‌تفاوت‌ها وگله‌مندها را بدوست تبدیل کنیم وازهمه نیروها بهره بگیریم وبادشمنان بنیادی وآشتی‌ناپذیر، که درراس آن استکبارجهانی آمریکا است مبارزه خودمان را ادامه دهیم"

این ـ به‌نظرما ـ خط درستی در سیاست خارجی است وبرای پیشبرد آن باید نه‌فقط دشمنان راشناخت (که تا حدودزیادی شناخته شده‌اند)، بلکه باید دوستان نزدیک، دوستان بالقوه و "بی‌تفاوت" ها را نیزشناخت، تا بتوان دوستان نزدیک را حفظ کرد، دوستان بالقوه را به‌دوستان نزدیک و "بی‌تفاوت" ـ ها را به دوست تبدیل کرد ودرنتیجه بتوان ازهمه نیروهای بین‌المللی برای مبارزه با آمریکا ومتحدان وهمکاران و دستیارانش استفاده کرد. چنین شناختی ـ اگرمابتوانیم خودرا اززیر بار پیشداوریهای ذهنی ناشی ازتبلیغات درازمدت امپریالیستی رهاکنیم ـ هم آسان است و هم تاحدودی دشوار.

آسان است، اگربه‌صحنه مبارزهٔ عظیمی بنگریم، که‌درسطح جهان جریان دارد. دراین صحنه دونیرو دردوجبهه دربرابریکدیگر صف‌آرائی کرده‌اند وبا یکدیگر در حال نبردند: یکی جبهه امپریالیسم جهانی، یعنی کشور های امپریالیستی اروپای غربی، کانادا، ژاپن واسترالیا ومتحدان امپریالیسم، ازجمله متاسفانه چین، که درنتیجهٔ سیاست مائوئیستی رهبری آن عملا در این جبهه قرار گرفته وهمکاران و دستیاران وسرسپردگان آنها، که در راس همه آنها امپریالیسم آمریکاست. ویکی جبههٔ جهانی ضدامپریالیستی، یعنی کشورهای سوسیالیستی، کشورهای نواستقلالی که برای حفظ و تحکیم استقلال خود می‌رزمند، جنبش های رهائی بخش ضدامپریالیستی، که‌برای کسب استقلال کشورخود مبارزه می‌کنند، ودیگرنیروهای متشکل ضدسرمایه‌داری امپریالیستی. بزرگترین نیروی این جبهه، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است.

جای ما ـ جمهوری اسلامی ایران ـ درکدامیک از این جبهه‌هاست؟ پاسخ روشن است: درجبههٔ ضدامپریالیستی. ولی‌این نگرشی کلی است که‌براساس آن می‌توان مشی کلی فعالیت سیاست خارجی راتعیین کرد.

اما در عمل، برای برقراری مناسبات مشخص باکشورمشخص، کار سیاست خارجی به‌این آسانی نیست، تا حدودی دشوار است، نه‌فقط بدلیل وجودبازمانده‌های همان پیشداوریهائی که‌ذکر آن رفت و زدودن آنها برای سبکبار کردن سیاست خارجی لازم است، نه‌فقط بدلیل بی‌تجربگی، که‌بتدریج جای خود را به‌تجربه خواهد داد، بلکه همچنین بدلیل این که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند و نباید روابط خود را با تمام کشورهای جبههٔ امپریالیستی بکل قطع کند، بلکه می‌تواند وباید، ضمن گسترش مناسبات خود در زمینه‌های مختلف باکشورهای جبهه‌ضدامپریالیستی، ازتضادهای موجودبین کشورهای جبهه‌امپریالیستی نیز برای رفع نیازمندیها، تاحدممکن، استفاده‌کند، بابسیاری ازکشورها در سطح جهان مناسبات مشخصی درزمینه‌های مشخص برقرار کند. این کار نسبتا دشواری است.

برای حل این دشواریها ـ اعم از دشواری شناخت دوستان ویادشواری برقراری مناسبات مشخص باکشورهای مشخصی که‌نمی‌توان آنها رادوست نامید ـ چه‌باید کرد؟ باید دربرقراری مناسبات بادیگرکشورها، بدون استثناء ازموضع حفظ استقلال ودرمسیر تحکیم استقلال همه‌جانبه وتام وتمام حرکت کرد.

اگردرسیاست خارجی از موضع استقلال بسوی استقلال حرکت‌کنیم، خودبخود دشواریها حل می‌شود، دوستان ازدشمنان تفکیک می‌شوند، دوستان نزدیک، وهمرزم ودشمنان بنیادی وآشتی‌ناپذیرمشخص می‌شوند، دوستان بالقوه ای که بتوان آنها را به دوستان نزدیک تبدیل کرد، یافت می‌شوند، باتکیه به‌گسترش مناسبات با دوستان، امکان برقراری مناسبات مشخص با "بی‌تفاوت‌ها" ونیز امکان استفاده ازتضاد بین کشورهای جبههٔ امپریالیستی، برقراری مناسبات مشخص با برخی از آنها در زمینه‌های مشخص، فراهم می‌شود.

برای حرکت ازموضع استقلال وبه سوی استقلال، می‌توان در سیاست خارجی این سخن رئیس جمهور راپایهٔ عمل قرار داد:

"ما به‌دولتهائی که‌ملت ما را دارای حق آزاد ومستقل زیستن می‌دانند، دست دوستی می‌دهیم . . . همچنانکه هیچگونه زورگوئی و سلطه‌طلبی وتحمیلی را از سوی هیچ قدرتی درجهان تحمل نمی‌کنیم". (از سخنان رئیس جمهورخامنه‌ای در عصر ۲۲ بهمن، خطاب به نمایندگان دیگر کشورها)

این فرمول پایه عمل درستی در سیاست خارجی است.

ولی باید گفت که در عمل ما (پس ازخارج شدن سیاست خارجی از چنگ لیبرالها) فقط بخش دوم این فرمول را باقدرت وبدرستی اجراء کرده‌ایم، یعنی هیچگونه زورگوئی وسلطه‌طلبی را از سوی هیچ قدرتی درجهان تحمل نکرده‌ایم و با دشمنان بنیادی وآشتی ـ ناپذیر، که‌در راس آنها آمریکااست، به‌مبارزه ادامه‌داده‌ایم. امادر اجرای بخش اول این فرمول، یعنی دست‌دوستی دادن به **"دولتهائی که‌ملت ما را دارای حق آزاد ومستقل زیستن می دانند"**، چندان فعال نبوده‌ایم. چرا؟ به نظر می‌رسد به دو دلیل:

یکی عدم توجه‌کافی به‌این واقعیت که، آن **"دولتهائی که‌ملت ما را دارای حق آزاد و مستقل زیستن می‌دانند"** دربرخی مسائل و در برخی‌زمینه‌ها می‌توانند نظریات کاملا منطبقی با نظریات مانداشته باشند. این حق آنهااست. ما این حق رابایددر نظر بگیریم و باآنها برسرمسائل و مصالح مشترک، زبان مشترک پیداکنیم.

دوم ارتقاء تفاوتهای ایدئولوژیک به‌سطح سیاست، بخصوص نسبت‌به کشورهای سوسیالیستی وبویژه نسبت به اتحادشوروی، که‌نه‌فقط ملت ما را دارای حق‌آزاد ومستقل زیستن می‌دانند، بلکه درعمل ونه‌درحرف، ثابت کرده‌اند که‌حامی آزادی واستقلال ملت ماوکشورما حامی انقلاب رهائی بخش ضدامپریالیستی، استقلال طلب ومردمی ما، حامی جمهوری اسلامی ایران در مبارزه علیه امپریالیسم بسرکردگی آمریکاهستند.

البته‌گفتنی است که دراین اواخر تاحدودی توجه به‌این هردونکته شده است ومی‌رودکه این هر دومانع ازسرراه سیاست خارجی برداشته شود. ازجمله درپاسخ رئیس جمهورخامنه‌ای به پیام تبریک لئونیدبرژنف، دبیرکل کمیتهٔ مرکزی‌حزب کمونیست وصدر هیئت رئیسه شورایعالی اتحاد شوروی، بمناسبت سومین سالگرد انقلاب، گفته‌می شود:

". . . انقلاب ماکه‌باهدف تعمیم صلح وعدالت اجتماعی میان همه مردم جهان بوجود آمده‌است، خواهد توانست مشکلات ناشی ازبازیهای سیاسی امپریالیسم را از سر راه برداشته و به این‌هدفها، که‌بهترین آرزوهای ملت و دولت شما رانیز تشکیل میدهند، نائل آید . . ." (صبح آزادگان ـ ۶۰/۱۲/۵)

ولی باید تاکید کردکه هر قدر سیاست خارجی بیشتر درجستجوی نظریات مشترک وهمکاری گسترده باکشورهائی باشد، که حق آزادومستقل زیستن ملت ما را محترم می‌دارندوهر قدر درگسترش مناسبات باکشور های دوست وهم رزم وحامی انقلاب وجمهوری اسلامی ایران، قطع نظر ازتفاوت های ایدئولوژیک و نظام اقتصادی ـ اجتماعی آنها، فعالتر ومتحرک تر گردد، بهمان اندازه‌کل سیاست خارجی ما در برقراری مناسبات مشخص درزمینه‌های مشخص درسطح جهان، بسود انقلاب ومصالح جمهوری اسلامی ایران وبرای‌تحکیم استقلال کشور، ثمربخش‌تر خواهدبود.

تبلیغات وسیاست

نکته‌مهم دیگری که‌باید موردتوجه جدی قرار گیرد، تبلیغات است. تبلیغات موجد زمینه‌ای درافکارعمومی است، که‌اگر هماهنگ‌وهم سو با سیاست خارجی باشد، مقوی آنست واگر، بر عکس، درجهت مخالف باشد، ترمز ـ کننده سیاست خارجی است. دراین‌باره بطورمشخص می‌توان درباره‌تبلیغاتی که‌نسبت به‌اتحادشوروی جریان داشته و دارد، اشاره‌کرد.

در دوران دوساله‌بعداز پیروزی انقلاب تا پایان توطئه بنی‌صدر، که سیاست خارجی ودستگاه‌تبلیغاتی‌کشور درچنگ لیبرالهابود، تبلیغات ضد ـ شوروی "طبیعی" بود، زیرا سیاست لیبرالها بر روی **"خط برژینسکی"** حرکت می‌کرد وهدف آن ایجاد تیرگی درمناسبات بین اتحادشوروی وجمهوری اسلامی ایران بود، تا ازاین‌طریق ـ به زبان برژینسکی ـ به **"حمایت شوروی از رژیم خمینی پایان داده‌شود"** و از این طریق "رژیم خمینی" راتضعیف کند و راه رابرای "بهبود" "مناسبات باآمریکا"، یعنی بازگرداندن آمریکا، بگشاید. تبلیغات ضدشوروی درآن دوران برای سیاست ضدشوروی بسودآمریکا "جو ـ سازی می‌کرد".

اما بعدازشکست توطئهٔ بنی‌صدر که‌سیاست خارجی ودستگاه تبلیغاتی بطور عمده در دست نمایندگان نیرو ـ های انقلابی پیرو خط امام قرارگرفت، طبیعی آن بودکه به‌تبلیغات ضد شوروی پایان داده‌شود، چون حاکمیت انقلابی سوء نیتی درجهت به تیرگی کشاندن مناسبات با اتحادشوروی نداشت و ندارد. معذالک، متاسفانه، تبلیغات ضدشوروی ادامه‌یافت. شعار "مرگ بر شوروی"، ابتدا اینجا یا آنجا سر داده‌شدو سپس کم‌کم وسعت‌بیشتری پیداکرد، تا آنجا که درسطح‌کشوررواج یافت. درمواردی، این شعار راتلویزیون و رادیوقطع کرد، گاهی ازطرف مقامات مسئول بطورتلویحی وغیرمستقیم به انحرافی بودن این شعاراشاره‌شد، ولی چون هیچگاه توضیح‌صریحی به مردم داده‌نشدکه، چرااین شعارانحرافی است وهیچگاه‌کلمه‌ای دربارهٔ حمایت عملی اتحادشوروی از انقلاب‌وجمهوری اسلامی ایران از زبان مسئولین ذینفوذ شنیده‌نشد، تبلیغات ضدشوروی‌وشعار "مرگ‌برشوروی" به "مارش ظفرنمون!" خود ادامه داد. کاربه‌آنجا رسید که این‌شعار تا حدودی به‌مجلس شورای اسلامی نیزسرایت‌کرد، درنمازهای‌جمعه شعار "عادی" شد و بالاخره تاآنجا پیش رفت‌که‌درمراسم رسمی رژه سومین سالگرد پیروزی انقلاب، ستون‌پنجم ضدانقلاب "جوسازی "ضد شوروی" را چنان‌پیش رفته یافت که‌بتواند پرچم شوروی را لگدکوب‌کندو درنتیجه وضع بجائی برسدکه‌موضوع درشورای عالی دفاع مطرح شودوموردمذاکره قرارگیرد و نتیجه این مذاکره از زبان حجت ـ الاسلام هاشمی رفسنجانی نمایندهٔ امام درشورایعالی دفاع اعلام شود:

"موضوع دیگری که‌در دستورجلسه بود وموردبحث قرارگرفت، مسئلهٔ خرابکاری عوامل ستون‌پنجم در داخل کشور بود که این روزها به‌چشم می‌خورد به‌نظرمی‌رسدکه‌دشمنان ما دراین چند روز دست به‌اعمال موذیانه‌ای‌زده‌اندو می‌خواهند درسیاست خارجی ما، که در حال شکل گرفتن است، خرابکاری‌کنند. مثلا به‌سفیرآلمان غربی حمله‌کرده بودندویامزاحم خانه‌سفیر زئیرشده بودندو یا در مراسم رژه به دوسه‌کشور همسایه‌مایک‌نوع اهانتهائی کرده‌بودند، به‌پرچم شورویها یاپاکستان، که بعضی عوامل این‌کارها شناخته‌شده‌اندوما از مسئولان‌خواستیم که‌بشدت تعقیب کنند وبطورکلی جلواینگونه‌حرکات ناصحیح رابگیرند."

نمایندهٔ امام درشورایعالی دفاع افزود:

"درهمین‌رابطه تصمیم کلی دیگری هم گرفتیم که‌اصولا تمام ارگان ـ هائی که‌کارشان به‌نحوی باخارج ارتباط پیدامی‌کند، مثل بخش برون مرزی رادیو یاواحدهای دیگر، باوزارت خارجه در تماس باشندوبرنامه‌هایشان رابه‌تصویب وزارت خارجه‌برسانند که سیاست منظم خارجی مابهم نخورد". (کیهان، ۲۵ بهمن ۱۳۶۰)

این سخنان واین تصمیم امید ـ بخش است واگربدرستی ومجدانه اجرا شود، باعث آن خواهد شدکه‌تبلیغات برون‌مرزی ودرون‌مرزی، که زمینه ساز سیاست خارجی است، با سیاست خارجی، که درخط انقلاب "در حال شکل‌گرفتن‌است" ومی‌رود که درخط انقلاب متحرک شود، هم‌آهنگ‌گردد.

ولی باید گفت که در همان شب یکشنبه ۲۵ بهمن‌ماه ۶۰، که **حجت ـ الاسلام هاشمی رفسنجانی** مطالب فوق‌را ازتلویزیون اعلام داشت، بازهم در تلویزیون شعار "مرگ‌برشوروی" (در فیلم "جانبازان") شنیده‌شد، در حالی که‌تلویزیون همین شعار را از مراسمی درکارخانه ذوب‌آهن اصفهان حذف کرد. فردای آن‌روز نیز "ناطقی" به‌تفصیل این دروغ‌را برای‌هزارمین‌بار به‌خورد مردم دادکه، در دنیا یک امپریالیسم سیاه ویک "امپریالیسم سرخ" هست، که‌این دو جهان را بین خودتقسیم کرده‌اند و همه را باهم می‌چاپند!

درهرصورت، این‌مسلم است که "ابرقدرت" شوروی نسبت به‌انقلاب و جمهوری اسلامی ایران "بی‌تفاوت" و "بی‌طرف" نیست‌ونمی‌تواندباشد. این کشور بزرگ همسایه ما، یادوست است یا دشمن. اگردشمن است، باید همراه‌باشعار "مرگ‌باآمریکا" شعار "مرگ برشوروی" نیز با تمام قدرت‌ودرسطح کشورفراگیرشود ودرسیاست‌خارجی‌نیز روشی‌که‌نسبت به‌آمریکااتخاذ شده، درباره‌اش اتخاذ گردد. ولی‌اگردوست است، اگر درعمل نشان‌داده‌است که پشتیبان انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی‌ایران وحامی‌استقلال‌وحق‌حاکمیت ملت ماست، اگردرست‌است‌که‌درپشتیبانی از انقلاب‌ایران قبل وبعد ازانقلاب رسما به‌دولت‌آمریکااخطارکرده‌است که حق‌دخالت درامورداخلی‌ایران را ندارد، اگرواقعیت است که‌پیشنهاد آمریکارادرمورد محاصره‌اقتصادی‌ایران وتوکرده‌است‌وباتوسعه‌راه‌ترانزیت کمر محاصره‌اقتصادی‌کشورمارا شکسته‌است، اگر راست‌است که‌علیرغم این‌همه تبلیغات اهانت‌آمیزودروغ ضد شوروی همواره دست‌دوستی بسوی‌کشورمادراز کرده‌است، اگر راست‌است که‌همین‌کار ـ خانه ذوب‌آهن اصفهان، که‌کورهٔ دوم آن بزودی بکارخواهدافتاد، ازپایه‌های مهم استقلال‌اقتصادی‌ماست، به کمک بی‌شائبه‌وبی‌چشمداشت شورویها بر پا شده‌است، اگرحداقل این‌گفته حجت ـ الاسلام هاشمی رفسنجانی بیان‌واقعیت است‌که:

"شورویها مانند غربیها برای ما مزاحمت ایجادنمی‌کنند . . . و غربی ـ ها بطورکلی لولوئی که‌برای مردمشان درست‌کرده‌اند شوروی است و هرجا بخواهند (برای‌اجراء) برنامه‌هائی که دارندافکارعمومی مردمشان راآماده کنند، متوسل به‌این‌مطلب می‌شوند"، اگرهمه‌اینها درست‌است‌ودرهمانحال راست‌است که کشورشوروی‌بزرگترین نیروی‌ضدامپریالیستی‌جهان‌است و تصادفا درهمسایگی ما نیزقرار دارد ـ پس واضح‌است‌که‌ما باید از موضع استقلال خود وبخاطر تحکیم استقلال خود، بخاطر تقویت نیروی انقلابی جمهوری‌اسلامی‌ایران درنبرد باشیطان بزرگ ـ آمریکا، مناسبات‌خود را ـ تاآنجا که بمامربوط است ـ بااین‌کشور توسعه‌دهیم، ولذاباید در عرصهٔ تبلیغات ازخرابکاری‌نیروهائی که می‌خواهند از اتحادشوروی "لولو" بتراشند، تا برنامه‌های "غربی" در کشورماپیاده کنند، جلوگیری کنیم، اتحادشوروی را نه‌بدروغ بعنوان‌دشمن بلکه‌چنان‌که‌هست، معرفی‌کنیم. راه جلوگیری‌ازتبلیغات ضدشوروی ستون پنجم دشمن (دشمن‌دانای‌موذی، که متاسفانه دوستان نادان‌انقلاب‌نیزآب به‌آسیاب او می‌ریزند) بیان‌حقیقت دوستی وحمایت‌اتحادشوروی‌ازانقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌است. این‌بنظر ما یک‌وظیفهٔ انقلابی است که‌دیگروقت اجرای آن فرا رسیده‌و اجرای آن در درجهٔ اول‌برعهده‌دستگاه‌های‌تبلیغاتی بویژه‌رادیو وتلویزیون، خطبا وائمهٔ جمعه ونیزدولتمردان‌پیروخط امام‌است وزیرامورخارجه‌چندی‌پیش‌گفت:

"مانمی‌خواهیم باچنین‌دشمنی (آمریکا) روابط برقرارکنیم . . . ایران می‌تواندروابط خود را با اتحادشوروی درآینده‌تحکیم بخشدواین‌منوط به‌رویهٔ شوروی خواهدبود." (صبح آزادگان ۲۴ دیماه ۶۰)

"رویه" اتحادشوروی‌در ظرف این‌سه‌سالی‌که ازپیروزی‌انقلاب می‌ـ گذرد، هم درسطح تبلیغات، هم در سطح‌سیاست، در عمل واضح ومعلوم بوده‌وهست. به‌نظرمی‌رسد که وقت آن رسیده‌است‌که‌ماخودنیز به "رویه" خود نسبت به‌این کشور، هم درسطح‌تبلیغات وهم درسطح سیاست، توجه‌کافی ولازم معطوف داریم.

ما بر روی تبلیغات نسبت به اتحادشوروی‌از اینرومکث کردیم، که برقراری مناسبات حسن‌همجواری‌نسبت به‌این‌کشور بزرگ همسایهٔ ضدامپریا ـ لیستی، برای‌حفظ وتحکیم استقلال‌ما و برای‌حفظ وتحکیم وگسترش انقلاب مادرمبارزه با امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکاحائزاهمیت درجه‌اول است. بهمین دلیل‌نیز **"ستون‌پنجم دشمن"** دائما برای‌جلوگیری ازبرقراری چنین‌مناسباتی، تلاش خرابکارانه‌میکند.

ولی‌بطور کلی تبلیغات باید هماهنگ باسمتگیری سیاست‌خارجی باشد، زمینه‌ساز آن، مویدآن، رهگشای سیاست‌خارجی‌باشد. چنین‌تبلیغاتی، باید موکدا گفت که، چیزی نیست جز راستگوئی، جز بیان‌حقیقت. اگر تبلیغات ما فقط بیان حقیقت باشد، خودبخودافشاگردشمنان‌بنیادی‌وآشتی ـ ناپذیر ومعرف دوستان‌ماست، به نسبتی که با ما دوست هستند. سیاست انقلابی‌مانیز فقط به‌چنین تبلیغات حقیقت‌گوئی نیازمنداست، زیرا ما در سیاست خارجی نمی‌خواهیم و نباید دشمن‌تراشی‌کنیم. هرکس باما دشمنی کندبا او به‌مقابله برمی‌خیزیم، ولی هر کس دست دوستی بسوی ما درازکند، ما در سیاست خارجی می‌خواهیم‌وباید دست او را بفشاریم.

چنین است مضمون‌خط انقلابی سیاست‌خارجی‌ما. و در این خط خوشبختانه‌باید‌گفت‌که‌سیاست خارجی ما می‌رودکه‌متحرک شود.

تمام گرفتاری مسلمین از آمریکاست

"امام خمینی"

با اوجگیری پیکار مسلحانه مردم السالوادور

هیگ بار دیگر به دروغگویی متوسل می شود

دولت برزیل در مضحکه "انتخاباتی ریگان- دوآرته در السالوادور شرکت نخواهد کرد. یک سخنگوی وزارت خارجه برزیل اعلام نمود، که ناظری بدین منظور به السالوادور گسیل نخواهد داشت.

دوازده هزار پناهنده السالوادوری در سه اردوگاه درخاک هندوراس به اعتصاب غذا دست زدند. آنها از این راه به گامهای سرکوبگرانه دولت- های هندوراس و السالوادور علیه خود اعتراض کردند.

یکان های نیروهای میهن دوست حمله نیروهای ارتش "خونتا" را در نزدیکی آتش فشان "گوآ-اپو" در ۴۰ کیلومتری سان سالوادور دفع نمودند. این نبرد یکی از بزرگترین نبردهای اخیر در السالوادور بشمار میرود.

گیلرمو اونگو، رهبر "جبههٔ دمکراتیک انقلابی" درمصاحبه‌ای با شبکهٔ تلویزیونی "ان.بی.سی" گفت که هدف از مضحکه "انتخاباتی" ۸ فروردین ۶۱ (۲۸ مارس ۸۲) منحرف ساختن افکار عمومی از جنگی است، که "خونتا" و پشتیبان آن آمریکا، علیه مردم السالوادور براه انداخته اند.

بگزارش یک رادیوی رزمندگان السالوادور، از آغاز سال جاری میلادی تاکنون (حدود دو ماه) بیش از دوهزار غیرنظامی قربانی "عملیات تنبیهی" نیروهای "خونتا" و مشاوران آمریکایی آنها شده اند.

الکساندر هیگ، وزیرخارجه آمریکا، باردیگر این ادعای بهتان آمیز را تکرار کرد، که پیکار مسلحانه میهن دوستان السالوادوری علیه رژیم دیکتاتوری "ازخارج رهبری میگردد". وی در "کنگره" آمریکا، کوبا، نیکارا- گوئه و اتحاد شوروی را به این خاطر "نکوهش" کرد. به این ترتیب، هیگ درعرض دو هفته دوبار به دروغ متوسل شد. یادآور می گردیم، که وزیرخارجهٔ آمریکا دوهفته پیش درکنفرانس مطبوعاتی عکسی را از ددمنشی های رژیم نیکاراگوئه نشان داد. اما بزودی معلوم گشت، که این عکس متعلق به زمان سوموسا بود، که مانند "خونتا"ی کنونی السالوادور همواره از پشتیبانی و کمک دولت آمریکا برخوردار می شد.

"جبههٔ آزادی بخش ملی فارا- بوندومارتی" و "جبههٔ دمکراتیک انقلابی" ازپیشنهاد خوسه لوپس پورتیلو، رئیس جمهور مکزیک، در بارهٔ ایجادجوی باثبات و صلح آمیز درآمریکای مرکزی پشتیبانی کردند.

این پیشنهادها حل سیاسی مسئله السالوادور، عقد قرارداد عدم تجاوز میان ایالات متحده و نیکاراگوئه و میان نیکاراگوئه وهمسایگان آن و مذاکرات صلح میان آمریکا و کوبا را دربرمی گیرد. بگزارش "رادیو ون سرموس"، رهبران این دو سازمان حاضر به گفتگو هستند، ولی هیچگونه پیش شرطی رانخواهند پذیرفت. به پیشنهاد سازمانهای انقلابی السالوادور این گفتگوها میتواند در مکزیکو برگزار شود.

دراتحاد شوروی، هلند، آلمان فدرال ودیگرکشورها تظاهرات بزرگی علیه تهدید مداخلهٔ نظامی ایالات متحدهٔ آمریکا در السالوادور برگزار شد. درگردهمایی هایی در لنینگراد و مینسک اظهارامیدواری گردید، که پیکار مردم السالوادور در راه آزادی و استقلال به پیروزی خواهد انجامید. درهلند هزاران نفر در تظاهراتی درآمستردام شرکت کردند و خواستار آن شدند، که ایالات متحده از واگذاری جنگ افزار به "خونتا"ی السالوادور دست بردارد وکارشناسان نظامی خود را ازآن کشور فراخواند. درهامبورگ تظاهرکنندگان شعار "یانکی، از السالوادور دست بردار!" می دادند.

وقایع مهم جهان در یک هفته

سوسیالیسم می داند چگونه ازخود دفاع کند

"سیم" (پارلمان لهستان) در اجلاس اخیرخود به بررسی برنامهٔ اصلاحات اقتصادی درکشورپرداخت. چندین قانون دربارهٔ برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی، قیمت گذاری و بازرگانی خارجی به تصویب رسید. هدف دیگر قوانینی، که "سیم" تصویب کرد، تثبیت اوضاع درلهستان است.

لئونید برژنف، دبیرکل کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، روز دوشنبه ۱۰ اسفند ۶۰ (۱ مارس ۸۲) با وویتسخ یاروزلسکی، دبیراول کمیتهٔ مرکزی حزب متحد کارگری لهستان و رئیس شورای وزیران لهستان، دیداری دوستانه داشت. یاروزلسکی در راس یک هیئت حزبی و دولتی لهستان از اتحاد شوروی دیدار کرد.

لئونید برژنف دراین دیدار عزم اتحاد شوروی را برای کمک به لهستان درزمینهٔ دفاع ازسوسیالیسم یادآور شد. بگفتهٔ برژنف:

"قدرت های امپریالیستی، بویژه ایالات متحده، برفشار خود بر لهستان می افزایند و میخواهند این کشور را باردیگر به هرج و مرج بکشانند. اما مبادا کسی بیندیشد، که سوسیالیسم ازخود به دفاع نخواهد برخاست. مابه لهستان سوسیالیستی کمک کرده ایم و خواهیم کرد".

وویتسخ یاروزلسکی درسخنرانی خودگفت، که "لهستان هیچگاه از جهان سوسیالیسم نخواهد گسست". وی گام های تبعیض آمیز دولت ریگان را علیه لهستان محکوم ساخت و افزود، که "بویژه درچنین شرایط، کمک اتحاد شوروی فوق العاده بااهمیت بوده است".

درپایان گفتگوهای میان برژنف و یاروزلسکی، اتحاد شوروی ولهستان موافقت کردند، که مناسبات اقتصادی بازرگانی و فرهنگی میان دوکشور را گسترش بخشند.

در اعلامیهٔ مشترکی، که پس از پایان دیدار رسمی هیئت نمایندگی لهستان از اتحاد شوروی انتشاریافت آمده است، که "هرگونه" کوشش برای خلل واردآوردن برپایه های سوسیالیسم درلهستان محکوم به شکست است".

دراین اعلامیه اتحاد شوروی تفاهم کامل خود را برای برقراری حکومت نظامی درلهستان ابرازداشت، خواهان موفقیت مردم لسهتان در چیرگی بر بحران کنونی آن کشورشد و خاطرنشان ساخت:

"اتحاد شوروی همچنان به لهستان سوسیالیستی، دوست وهم پیمان خود، کمک خواهدکرد. اتحاد شوروی و لهستان هرگونه مداخلهٔ ایالات متحده و دیگر کشورهای سرمایه داری را درامور داخلی جمهوری (خلق لهستان) محکوم می سازند. دوطرف تدابیر تبعیض- آمیزعلیه اتحاد شوروی و لهستان را ازسوی ایالات متحده و برخی ازهم پیمانان آن شانتاژ و اعمال فشار آشکار، تلاش برای تخریب ساختار صلح آمیز مناسبات میان کشورها و خطری برای صلح و امنیت اروپا بشمار می آورند".

"پراودا" درسرمقالهٔ روز ۱۳ اسفند ۶۰ (۴ مارس ۸۲) خود دیدار هیئت دولتی و حزبی لهستان را از اتحاد شوروی "رویدادی مهم در زندگی جامعه کشورهای سوسیالیستی" خواند.

فدراسیون جهانی جوانان دموکرات الحاق غیرقانونی بلندی های جولان به اسرائیل را محکوم می کند!

هیئت دبیران فدراسیون جهانی جوانان دمکرات طی اعلامیه ای الحاق بلندی- های جولان به اسرائیل را محکوم کرد. دراین اعلامیه ازجمله گفته می شود:

"الحاق بلندیهای جولان به اسرائیل یکبار دیگر سرشت واقعی سیاست توسعه- طلبی صهیونیست ها را به نمایش می گذارد. به دیگرسخن، الحاق بلندیهای جولان بمعنای اعلام جنگ علیه سوریه وبراه انداختن موج جدیدی ازاقدامات لجام گسیخته علیه فلسطینی ها وساکنان جنوب لبنان است...

دراین شرایط بحرانی، فدراسیون جهانی جوانان دموکرات ازجانب میلیون ها جوان باردیگر پشتیبانی وهمبستگی تزلزل ناپذیرخود را با مردم وجوانان سوریه در مبارزه علیه تمامی اشکال توطئه های امپریالیستی، صهیونیستی وارتجاعی اعلام می کند.

"فدراسیون جهانی جوانان دموکرات قاطعانه اقدام غیرقانونی الحاق بلندی- های جولان به اسرائیل را محکوم می کندوآنرا نقض آشکار قوانین بین المللی، مصوبات سازمان ملل متحد و بی اعتنائی به افکارعمومی جهان تلقی می کند".

اسرائیل درآستانه تجاوز به لبنان

ارتش اسرائیل به محاصرهٔ روستاهای عرب نشین دربلندیهای جولان دست زد. هدف از این گام شکستن اعتصاب همگانی اهالی جولان برای اعتراض به تصمیم اسرائیل دربارهٔ الحاق بخشی از سرزمین سوریه به خاک خود بود.

نمایندهٔ سوریه درسازمان ملل درنامه ای به خاویر پرس دکوئیلار دبیرکل سازمان خاطرنشان ساخت، که صدهاتن از مردم جولان بخاطر اعتراض علیه الحاقگران اسرائیلی دستگیرشده اند.

خبرگزاریها همچنین از دستگیری صدهاتن از مردم جولان سخن می- گویند. چندی پیش نشست ویژهٔ مجمع عمومی سازمان ملل "ضمیمه سازی" جولان را، که به تشویق ایالات متحده صورت گرفت، محکوم ساخت.

روزیکشنبه ۹ اسفند ۶۰ (۲۸ فوریه ۸۲) ناوشکن های اسرائیلی وارد حریم دریایی لبنان شدندودرنزدیکی صیدا کوشیدند به ساحل این کشور نزدیک گردند. درهمان حال، هواپیماهای اسرائیلی بر فرازصیدا و زهران به پرواز درآمدند. توپخانه های ساحلی و ضدهوایی های نیروهای ملی- میهن دوست لبنان جنبش پایداری فلسطین ناوشکن ها وهواپیما های اسرائیل را به بازگشت مجبور ساختند.

یاسرعرفات، رهبر "سازمان آزادی بخش فلسطین"، با اشاره به تهدید نظامی اسرائیل خواستار اتحاد اعراب شد. وی درمصاحبه ای با تلویزیون مجارستان گفت، که هرآن بایدانتظار تجاوزنظامی اسرائیل را به لبنان داشت. یاسرعرفات یادآورشد:

"اسرائیل چندی است، که به تمرکز نیرو و سلاح در مناطق مرزی پرداخته است و ناوچه های نظامی اسرائیل سواحل لبنان را محاصره کرده اند".

فاروق قدومی، عضو هیئت اجرایی "سازمان آزادی بخش فلسطین"، در

بقیه درصفحه ۴

کارشکنی آمریکا در "مادرید" و "ژنو"

در "گردهمایی مادرید" نمایندهٔ اتحاد شوروی از کشورهای "ناتو" خواست تا از رویارویی جویی و اتلاف وقت دست بردارند و به مسئلهٔ اصلی این گردهمایی بپردازند وی از آمریکا انتقاد کرد، که قصد دارد فراخواندن کنفرانسی رادرباره تنش زدایی نظامی وسلاح زدایی در اروپا مشروط به عواملی سازد، که به هیچ روی بستگی به "گردهمایی مادرید" ندارد. وی یادآور شد، که باصطلاح "مشروط سازی" های غرب درگذشته عادی شدن اوضاع را در اروپا دهها سال بدرازا کشانید.

لئونید زامیاتین، سرپرست شعبهٔ اطلاعات بین المللی. کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، گفت، که در "گفتگوهای ژنو" ایالات متحده آمریکا خواستار تامین برتری خود بر اتحاد شوروی درزمینهٔ جنگ افزار- های میان برد هسته ایست. بگفته او:

"ایالات متحده با توجه به این هدف است، که بر باصطلاح "راه حل صفر" رئیس جمهور ریگان اصرار می- ورزد- امری که با اصل برابری وامنیت برابر مغایرت دارد. اما بدون رعایت این اصل دستیابی به هرگونه توافقی غیرممکن است".

زامیاتین افزود:

"ایالات متحده ازپیش می داند، که پیشنهادهای آن برای اتحاد شوروی قابل قبول نیست و با اصرار برآنها میخواهد به عامل زمان متوسل شود و درانتظار کاهش اعتراضات نسبت به نقشه استقرار موشکهای جدید هسته ای آمریکا در اروپای باختری باقی بماند".

لئونید زامیاتین خاطرنشان ساخت، که درحال حاضر میان موشک های هسته ای میان برد دوطرف تعادل موجود است. یادآور می شویم، که اتحاد شوروی پیشنهاد کرده است که تا سال ۱۹۹۰ هردوطرف موشک- های میان برد هسته ای خود را دست کم به میزان دوسوم کاهش بخشند.

لئونید زامیاتین، رئیس هیئت نمایندگی اتحاد شوروی در "گرد- همایی بین المللی برای پشتیبانی از صلح"، که درشهر توتسینگ آلمان غربی برگزارشد، مسابقهٔ تسلیحاتی را در ایالات متحده مخکوم کرد. وی افزود، که استقرار جنگ افزارهای شیمیایی در اروپای باختری "آکنده از خطرعظیم" است و یادآورشد، که اتحاد شوروی حاضراست بیدرنگ قراردادی را دربارهٔ منع ونابود سازی سلاح های شیمیایی امضا نماید.

همهٔ سخنرانان "گردهمایی توتسینگ" به خطری، که نقشهٔ آمریکا دربارهٔ تولید انواع جدید جنگ افزار های شیمیایی دربردارد، اشاره کردند و منع این سلاح های امحای توده ای را خواستار شدند.

ازسوی دیگر، ایالات متحده قطع نامه مجمع عمومی سازمان ملل را دربارهٔ تبدیل اقیانوس هند به منطقهٔ صلح رد کرد. دیوید آدامسون، نمایندهٔ آمریکا درجلسه یک "کمیتهٔ ویژه" این سازمان مطلب فوق را اظهارداشت. وی گفت، که دولت آمریکا قطعنامه نامبرده را به عنوان پایه کنفرانس سال آیندهٔ سازمان ملل دربارهٔ اقیانوس هند در کلمبو (سری لانکا) نمی پذیرد.

اطلاعیه...

بقیه از صفحه ۱

قبول می کنند، ازنظرما اشکال ندارد وباید بگوییم که قانون احزاب، گروهها، دستجات، سازمانها و انجمنها درمجلس تصویب شده وبه اجراگذاشته شده است و در وزارت کشور هم "مشخص شده" ("اطلاعات"، ۱۰ اسفند ۶۰).

اظهارات دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران در رابطه با به "اجراگذاشته شدن" قانون احزاب و اطلاعیه ۱۰ ماده ای "مشخص شده" احزاب و گروههای قانونی در وزارت کشور، نوید مثبتی است. امید است بزودی شاهد عملی شدن کامل این قانون باشیم.

شبکه های ساواک...

بقیه از صفحه ۱۴

- کلیه ساواکی هائی راکه درآغاز انقلاب دستگیر و پس از مدتی آزاد شدند، باید مجددا مورد بررسی قرار داد، و محل زندگی آنها روشن شود. ساواکی ها رابایدبه صور گوناگون به مردم شناساند. به این منظور حتی میتوان عکس آنهارا که، هنوز از "مرخصی" بازنگشته اند! منتشر کرد وازمردم برای دستگیری آنان کمک گرفت.

- وبالاخره توجه کرد که: در مقابله باتوطئه های خرابکارانه و برای عقیم گذاشتن نقشه های جنایتکارانهٔ آنها اگر چه باید همچنان درمورد بقایای "بازیخورده ها" هشیاری انقلابی بخرج داد، اما کانون توجه ما باید شبکه های ساواک، سلطنت طلب ها، "سیا" و "موساد" وسایر مزدوران امریکا باشد. باید این سرنخ اصلی را به دست آورد و با متلاشی ساختن شبکه آنها، انقلاب را در برابر توطئه های رنگارنگ اینان بیمه کرد.

صاحب امتیاز ومدیرمسئول:
محمود اعتمادزاده (م.ا. بهآذین)
آدرس: تهران، منطقهٔ ۱۳ پستی
صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران